

## بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتکشان از ضربات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان
- اخبار و مسائل جهانی
- اخبار ارتش به اصطلاح ملی
- حزب توده، حزب مصلحت است، نه مبارزه
- سوءاستفاده از انقلاب فلسطین موقوف!
- مصاحبه انگلیسی آیت الله شریعتمداری

- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۶
- صفحه ۹
- صفحه ۱۴
- صفحه ۱۹
- صفحه ۲۴
- صفحه ۲۴

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# بیکار

دو شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸ بهای ۲۵ ریال

## زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس یک جانبه آن در صف انقلاب (۲)

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت اتحادیه کمونیستها

صفحه ۱۰

## گرامیداشت خاطره هر شهید خلق، پاسداری از خون تمامی شهداست

گزارشی از گردهم آیی روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ در دانشگاه پلی تکنیک بمناسبت سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان از زبخت منشعب از سازمان ماهدین خلق ایران

صفحه ۲۰

## همدوشی با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

ایران از مبارزه مسلحانه خلق فلسطین علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع باشد. مناسبت آغاز انقلاب مسلحانه فلسطین لازم دیدیم به معرفی سازمان های فلسطینی بپردازیم: بقیه در صفحه ۹

سه شنبه یادگرمی ما هرا بر است با اول زانویه ۱۹۸۰، با نزد همن سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین. سازمان ما بدین مناسبت جشنی برپا خواهد داشت تا سهم خویشین بسا نگر حمایت و همبستگی بیدریغ خلقهای رزمنده

## چرا امپریالیست ها در قدرت حاکمه سهم پیدا میکنند؟

انقلاب در سایه بزرگی به مردم داده است خلقهای ما در حرکت عظیم مبارزاتی خوبش آموخته اند و میا موزند که دشمن را در چهره های گوناگونش با زنا ساند، در پشت شعارهای بظا هر انقلابی و کلمات فریبنده تنها و تنها عمل انقلابی را جستجو کنند و اجازه ندهند سازشکاران و فرصت طلبان سرنوشته و حیانتان را با زیجه هدفهای خائشانند و سوجویا نه شان سازند. مردم ما امروز میدانند که در وقت افتخارات سردمداران رژیم تنها رسوائی چهره ها نیست، اگر امروز امپریالیست ها معتوان ما مورسیا ویزدی سنا به خدمتگزار روماد را مبریا لیم سنا خسته میشوند و اگر نفس ضد انقلابی نهفت آزادی ولیبرالهای بقیه در صفحه ۲



- شورای انقلاب با تصویب قانون سود ویژه، ماهیت خود را افشا میکنند
  - پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عبیدی
  - مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران - جنوب) ادامه دارد
  - حرکت انقلابی کارگران بارنویس بندر
- صفحه ۳



- طوفان شمال آرامش ندارد
- روستائیان بومر محله بر علیه زمین دار کمیته حی می رزمند

صفحه ۷



## گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدر خان عمواوغلی

به تاریخ ۲۹ آذرماه سال ۱۲۵۸ هجری در شهر ارومیه در خانواده متوسط و روشنفکر "دکتر تارودی زاده"، فرزند سری بدینا آمد که نام او را "حیدر" گذاشتند. بعدها شرایط زندگی میهنمان و همسانه شمالی اش روسیه که هر دو آستان توانمندی عظیم انقلابی بودند، او یکی از سرگشته ترین فعالین و مبارزان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک و کمونیستی را ساخت. سراسر زندگی کوتاه ولی سرشمارا که بقیه در صفحه ۲

## دعوت

روز اول زانویه (سازدهم دیماه) معا دفا است با پا نزد همن سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین. همی مناسبت از کلیه هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی دعوت می کنیم که در مراسم بزرگداشت این روز بزرگ و بیغاطر اعلام همبستگی با خلق فلسطین در مبارزه فداسریالیستی، مدعیو بیستی و فدا رتعا می، روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۳ در دانشگاه صنعتی شریف شرکت نمایند. سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (ساعت ۳ بعد از ظهر)

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نمی‌توانست قرا رگیرد. اینچنین است که —  
می بینیم امیریا لیسیم بکمک مهره‌ها و نیروهای  
متما بیل بخودبتحکیم سلطه خویش می بردازد .  
لیبرالها همکارو همدست بورژوازی وابسته  
و خدمتگزارتا موتما منافع امیریا لیسیم می —  
گردند و خرده بورژوازی در قدرت نیز با زدن مهر  
تا شید خود بر تما این خیانته عسلا و سا  
نوسانات و بیج و خمیا شی در همان مسیر میا فتد .

● اگر امروز میرا نظام بعنوان ما مورسیا و یزدی به  
مثابه خدمتگزار وفادار امیریا لیسیم شناخته می —  
سود و اگر نقش ضد انقلابی نهضت آزادی و  
لیبرالهای تمام عیاری چون بازرگان در برابر  
توده های وسیع مردم از یزید و بیرون می افتد  
حقایق بهمین جا ختم نمی شود .

بر همین اساس وجود باندهای ساواکی با  
ما مورین سیا ومهره های امیریا لیسیم در هیئت  
حاکمه ، همانها که همچنان مورد دفاع و قیاحانه  
بهشتی و بازرگان قرا ر میگیرند نه تنها از روی  
تصادف و بی اطلاعی آیت الله خمینی یا دیگر  
رهبران مذهبی تبعیر نمی شود ، بلکه در سیستم  
سرما یهداری وابسته و در چاروب ضد خلقی آن  
امری اجتنابنا پذیر تلقی میگردد . هیچ  
نیروئی نمیتواند حضورا بین عناصر و وجود توطئه  
های ننگین وفدا انقلابی را در هیئت حاکمه مانع  
شود ، مگر اینکه بخوادا سا سیستم سرما یهداری  
وابسته را نابود سازد و چنین نیروئی نیز در  
هیئت حاکمه وجود نداشته و ندارد . اینک می —  
بینیم ما همای خیا نته و رسوا شیهای هیئت حاکمه  
از طرف آیت الله خمینی و دیگر نمایندگان  
خرده بورژوازی تا شید و حمایت شده یا مسکوت  
گذاشته میگردد ، خود نشانها نبارزی است از اینکه  
تضاد عمیق همه جناحها و گروه بندیهای هیئت  
حاکمه با جنبش انقلابی طبقه کارگر ، زحمتکشان  
و همه نیروهای دمکرات و انقلابی ، اشتراک منافع  
آنها را در برابر توده ها حاصل میگردد اندوا اینکه  
می بینیم بعد از ما همای به افشاگری گوشه ای از  
توطئه ها و خیا نتهای جناحهای از هیئت حاکمه  
برداخته میشود ، در وهله اول با اعتبار مبرازات  
پیگیرانه و سوازشنا پذیر توده ها و عقب بحران —  
های سیاسی — اقتصاد ای است که چنین عقوبت  
نشینی های را تحمیل میکند . منتهی نکته مهم  
اینجاست که علیرغم وجه اشتراک اساسی میان  
جناحهای هیئت حاکمه و وجود اختلافات و تضادهای  
آنها که بر افشا ر زیا شی (از طرف توده ها )  
حدت یافته و اینچنین بروز میکند ، با گردش  
عمومی نظام سرما یهداری وابسته جو در در تمام  
وجود بین اختلافات از آن نه میدهد سبب است واحد  
و منبجمی دنبال شود ، از طرف عناصر و گروه —  
بندهای مختلف روشهای گوناگون بر سر تثبیت  
سیستم و تحکیم موقعیت خود دنبال میشود ، گفته ها  
و نظرات و شیوه های آیت الله خمینی —  
سیاستهای بازرگان و یزدی بطور کامل و فسی  
نمیدهد و روشهای بنی مدربا هیچیک بهشتی  
سعی دارد در لبس روحانیت و مذهب سیاستهای  
بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول  
چرا امیرا نظام ما ...

تاما عنباری چون بازرگان در برابر توده های  
وسیع مردم از یزید و بیرون میا فتد ، حقایق به  
همین جا ختم نمیاید . رسوا شی امیرا نظامها  
بزدلیها و بازرگانها تنها حضور آنها در هیئت  
حاکمه را در پیشگاه مردم به محاکمه نمیکند ، بلکه  
در ضمن ماهیت سیستمی را بزرگسوال مبردرکه  
چهره های خاشی چون یزدی و امیرا نظام را در خود  
جای میدهد بسیار ساد و لودنا خوا هد بودا گرگمان  
بریم که رسوا شیهای این عناصر را ز نظر توده های وسیع  
مردم امری تصادفی و اتفاقی تلقی خواهد شد .  
آنها از خود میبرسند آیا ماهیت این خاشین تا  
بحال روشن نبود؟ مگر نه اینکه همینها با تا شید  
و حمایت رهبران مذهبی بروی کار آمدند و مگر  
نه اینکه ز همان ابتدا مورد افشاگری وسیع  
نیروهای انقلابی و دمکرات واقع شده بودند؟  
چه چیز میتواند وجود این توطئه ها و خیا نتهای و  
حضورا ملین آنها را در هیئت حاکمه توجیه کند؟  
با سخ ما و تما مشروهای انقلابی و دمکرات  
اینست : انقلاب در نیمه راه متوقف ماند ، حرکت  
عظیم انقلابی توده ها با نداشت و در باربان و  
اساس رژیم سلطنتی را نابود ساخت و سدا میریا —  
لیسیم ضربات جدی وارد آورد و بدین ترتیب  
گامی بزرگ در انقلاب بجلو برداشته شد . لیکن  
اساس نهادها و ارگانهای سیستم ضد خلقی  
سرما یهداری همچنان حفظ گردید . خیا نتهای و  
تسلیم طلبیها . و سوازشهای نیروهای حاکم از  
نداد تا ادا همه سوازشات مردم اساسا وابستگی  
و نظام سرما یهداری را ریشه کن کند و اینچنین  
شده که امیرا نظام ، چمرانها ، یزدیها و  
دیگر مهره های امیریا لیسیم در " دولت بوقیست  
انقلابی " پستهای حساس را اشغال کردند . از  
این پس منافع امیریا لیسیم میاید با اتکا  
به سیاستهای همین عناصر ادا مدیا بدو تحکیم  
شود . اگرنا بودی رژیم سلطنتی و باندا نه که  
بهترینها میان امیریا لیسیم بودند و با بستگی  
تنگاتنگ ایران به امیریا لیسیم را تضعیف  
ساخته بود ، میاید بختها و قشرهای دیگری از  
بورژوازی وابسته و نیز بورژوازی لیبرال با  
خریدن به قدرت و با تصرف مقامهای حساس  
حافظ و پاسداری منافع امیریا لیسیم گردند .  
تمام محاسبات امیریا لیسیم برای حفظ سلطه  
خود بر پایه نقشی که این اقشار ایفا میکردند و  
میکند استوار بوده است . عناصر وابسته ای نظیر  
یزدی ، امیرا نظام ، چمران ، ... و لیبرالهای  
چون بازرگان ، سحابی و ... اکنون وظیفه  
دا شتند ز برپوش حمایت از رهبران قدرتمند  
مذهبی که از نفوذ توده های برخوردار بودند و در  
واقع با حمایت آنها سیاستهای خود را با جرات  
گذارند . در این میان ماهیت بازرگانانه و  
تسلیم طلبانه خرده بورژوازی به قدرت رسیده این  
مسیر را هموار میساخت . چرا که در برابر ادا مدی  
پیگیری جنبش انقلابی توده ها ، خرده بورژوازی  
نیز موقعیت خود را در خطر دیده با بورژوازی در  
دفاع از سرما یهد اشتراک منافع عمیقی حس  
میکرد . بنا بر این او هم در مسیری جز فدا انقلاب

بقیه از صفحه اول  
گرمای با دیکمدهمین سال ...  
مالامال از شورا انقلابی ، رتبات و وفاداری به  
آرمانهای انقلاب بود ، با انقلاب عظیمی که  
میهن ما را فرا گرفته بود ، عین گشته است .  
اوبا انقلاب زیست و تاریخ زندگانی او تا رسخ  
انقلاب است . و از همین روست که تا ریسخ و  
ادبیات انقلابی او را با نام انقلابی ش ، "حیدر  
خان عموا و غلی" ، همان نامی که با آن همزمن  
بر او و گذاشته بودند ، در سینه خود ثبت کرده است .  
امروز "حیدر تا رودی زاده" تنها در قلاب حیدر  
خان عموا و غلی است که می زید و بزرگ مردی را  
در ذهنها تدا می میکند که تما مزدگی خود را  
و قفرا شی مردم میهن ما از چنگال استعمار  
واستثمار نمود .

طبقه کارگران در طول قریب سه دهه  
سالیکه از عمر جنبش فدا میریا لیسیم و دممو —  
کراتیک میهن ما می گذرد ، همواره در پیشاپیش  
آن حرکت کرده است و مبارزان مدیق و پرشور  
بیشمار را از تقدیم راههای میهن و خلقهایمان  
از چنگال تسلط شوم امیریا لیسیم نموده که در  
میان آنها حیدر خان عموا و غلی همچون ستاره  
ای فروزان می درخشند . این قهرمانان پاکساز  
چنان نقش برجسته و مهمی را در تحولات انقلابی  
کشور بازی کرده اند که حتی کوردل ترین افراد  
نیز قرا در بانگاریستند .

جنبش کمونیستی میهن ما که قریب ۷۰  
سال سابقه دارد ، مسیری شیب و فرازی رایا —  
بهای بیج و خمیای جنبشهای بخش طوسی  
نموده که هنوز نکات نا شناخته و بیوشده و مبهم  
فراوانی دارد و هنوز بررسی جات و علمی از  
تجارب مثبت و منفی این تاریخ عظیم بعمل  
نیامده است . حیدر خان عموا و غلی بمثابه  
یکی از بانان پرشور و روشن اندین جنبش ،  
جا بگا و پرا ر زشی را در این گنجینه عظیم اشغال  
میکند . او در سراسر زندگی کوتاه خود با شورو  
عشق تما میرا این سخنانی که در میتینگ بین —  
المللی کارگران پطروگراد ایراد کرد ،  
وفادار ماند و سرانجام نیز در راه تحقق همین  
آرمانها جان خود را از دست داد : "رفقا ! ما  
فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه  
می کنیم . سرما یهداران دشمن ما هستند . ما  
از هرگونه سازش با این ستمگران امتناع می —  
ورزیم . اینها خفه کنندند ، جنبشهای بخش و  
مکندند ، خون مردم زحمتکش هستند . در مبارزه  
با این ستمگران برای ما یا مرگ و یا پیروزی  
است ! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود  
نیست ! ما به پیروزی خود اعتقاد و اطمینان  
داریم . ما مطمئن هستیم ."

طبقه کارگران ایران به رهبران پرشور و  
ایمان خود که چنین شیفته و رهبرهای او عشق  
می ورزیدند ، احترام می گذارد ، یادش گرمی  
سدا .  
تاریخ زندگی حیدر خان قبل از همه و  
مهمتر از همه تاریخ جنبش کمونیستی ایران  
است . و ما نیز روی این نکته از زندگی حیدر —  
خان مکت میکنیم .

ادامه دارد ...

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



ادامه گزارش کارخانه اسارلایت :  
**شورای ضد کارگری ،**

## مجری توطئه های کارفرما

در بیجا ۳۳ گزارش توطئه های کارفرما در مورد اخراج ۲۶ نفر از کارگران آگاه کارخانه اسارلایت و مبارزه آنها را برای بازگشت سرکارنوشتیم ، در زیردنباله گزارش را ملاحظه می کنید :

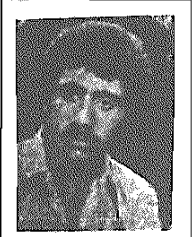
سرانجام ۲۶ نفر از کارگران آگاه کارخانه اسارلایت ، پس از ۲۵ روز درگیری و مبارزه برای بازگشت سرکار ، روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ طی صورتجلسه ای که بدست شورای ضد کارگری و کمیته دیونوخته شد ، بطور قطعی اخراج شدند .

اگرچه ادعای کارفرمای کارخانه مینینبر اینست که کارگران داخل خواستار اخراج این عده شده اند ، توطئه های بیش نیست ، ما این واقعیت تلخ را باید پذیرفتیم که کارگران اخراجی هم در دوران اشتغالشان در کارخانه نتوانسته بودند ندبا دیگر کارگران جوش بخورند و خواهشهای خود را برای آنها تشریح کنند ، اگر غیر از این بود کارگران داخل اینطور در برابر اخراج آنها

## "شورای انقلاب" با تصویب قانون سود ویژه ، ماهیت خود را افشا میکنند

رژیم سابق را لازم به اجراء می بیند ! هیتت خاکمه فرصت داشته است ، سرمایه داران وابسته را به "سپن" دعوت کند و باز گرداند ، فرصت داشته است قرا ردا های جدیدی با کشورهای امپریالیستی ببیند ، فرصت داشته است ارتش را با سلاح های تازه خریداری شده از آمریکا مسلح کند ، فرصت داشته است به کردستان لشکرکشی کند ، فرصت داشته است ... لیکن فرصت نداشته است حتی یک بند از "قانون کار" فدکارگری رژیم قبلی را ملغی کند ! قانونی که در خدمت سرمایه داری وابسته بود و هست . احسنت به این مبارزان مبارز امپریالیستی ! بدین ترتیب همه شا هدیم که چگونه در ده ماه ونیم گذشته سرمایه داران با حمایت هیئتت خاکمه و با اتکاء به همان "قانون کار" آریا مهری کارگران را وحشیانه استعمار کرده اند و کارگران حتی به یکی از خواسته های اساسی خود در زمینه منعی نظیر ۴ ساعت کار در هفته ، برابری تعطیلات با کارمندان ( دولتی ) ، ... نرسیده اند ، مسئله دستمزد و سود ویژه نیز یکی از این موارد است .

ده ماه از قیام مپرشکوه توده های خلق می گذرد ، لیکن شورای انقلاب بدلیل نداشتن وقت " هنوز در پی اجرای همان قوانین ضد خلقی رژیم پهلوی می باشد بازرگان خیانت کار ، نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ، از همان آغاز که بر سر کار آمد ، دستور اجرای ناموتما همان قوانین رژیم ضد خلقی پهلوی را صادر کرد . او معتقد بود که اگر مواردی را که به سلطنت مربوط است ، حذف شود ، بقیه قوانین پیشرو و مشرقی می باشد ! به این ترتیب بود که " دولت موقت " برتما مجنایات ، غارتگریها ، وحشیگریها و استثماری که رژیم مزدور قبلی نسبت به کارگران و سایر زحمتکشان روا داشته بود ، مهربانانه و در عمل نشان داد که نشانه می خواهد بود می تواند هیچگونه تغییر اساسی در وضعیت فلاکت با زندگی کارگران و زحمتکشان ما ایجاد نکند . شورای انقلاب نیز که مدعی مبارزه ضد امپریالیستی است ، در عمل فرصت نداشته است به تغییر قوانین رژیم منحوس پهلوی اقدام نماید و به همین علت همان قوانین دوره



**یادرفیق کارگر  
علیرضا کرکوندی  
گرامی باد !**

رفیق علیرضا در خانوادگی زحمتکش به دنیا آمد ، در بیا زنده سالگی به علت فقرناچار شد ترک تحصیل کند و کار رودس را با همادامه دهد . آشنا تیش با ما رکسیسم - لنینیسم و ایمان و امید که در این آشنا تیش به راه های طبقه اش از جنگ سرمایه داران و استعمارگران پیدا کرد ، در او شور و شوق فراوانی بوجود آورد . روز جمعه ۳۰ آذر ماه هنگام مسکرفریق علیرضا با چندتن از رفقایش به کوهنوردی رفته بود ، بعلت لغزندگی از کوه سقوط کرد و با متاسفانه دردمجان سرد . پیوند عمیق او با توده های زحمتکش مراسم تشییع جنازه اش را به تظاهراتی باشکوه تبدیل کرد . مردم شمار می دادند :

علیرضا زنده است ، در قلب زحمتکشان عوامل ارتجاع و مدبران کارخانه بسا کمک با ساداران سرمایه دار سرگزاری مراسم یادبودش در محل کارخانه ای که در آن کار میکرد ( کارخانه سیمان ساهان ) جلوگیری کرده و به این ترتیب با ردیگریفرشتان را از کارگر آگاه و وحشتناک را از توده ها به نمایش گذاشتند ، آری آنان حتی از بزرگداشت خاطره کارگران آگاه نیز هراس دارند .

یادش گرامی و خاطره اش جاودانه باد !

## مقابله کارگران حفاری با توطئه های کارفرما

اختلاف در صفوف کارگران ، کارگران را از اعتراض با زدن آما کارگران با هوشیاری حربه او را خنثی کردند ، مهدوی بیشتر ما نه خطاب به شورای کارکنان آنها را مورد تهدید قرار داد و گفت اگر روی خواسته های کارگران یا فشاری شود آنها را به بندر عباس و سیرجان تبعید خواهد کرد . این تهدید بیشتر ما نه موجب خشم کارگران شده بنحوی که کارگران ، مهدوی و معاون اوویکی از با ساداران و پیمانکاران کارکنان مزدور شرکت را مورد حمله قرار داد و در یکی از اتاقها حبس کردند و تهدید کردند تا ۳ هزار تومان به کلیه افراد شرکت پرداخت نشود از آزادی گروهگنها خوداری خواهند کرد . مهدوی که در برابر برف و متحد و یکپارچه کارکنان شرکت عاجز شده بود با پرداخت ۳ هزار تومان به کلیه کارکنان شرکت موافقت کرد . با ردیگری کارکنان آگاه و قهرمان ثابت کردند که در مساهاتجا دو همبستگی است که میتواند نندسه حقوق خود دست یابد .

بنقل از  
ضمیمه محلی پیکار ( کمیته خوزستان ) شماره ۵  
پس از ماهها که از اخراج کارکنان شرکت های حفاری میگردد و نزدیک به ۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند ، قرا رشده شرکت ملی حفاری ایران که مهدوی در آن قرار دارد در مبلغ ۳ هزار تومان به کارکنان پرداخت نماید . کارکنان شرکت حفاری ریدینگ اند بیستس نیز در تاریخ یکشنبه ۲۵ آذر در محوطه شرکت واقع در کارون جمع شدند و منتظر دریافت پول شدند . هنگامیکه مهدوی به محل شرکت آمد به کارکنان گفت که کلیه کسالتی که بیشتر از ۵ سال سن دارند از دریافت ۳ هزار تومان محروم هستند . این مسئله موجب اعتراض شدید کلیه کارکنان شرکت واقع شد ، کارگران شروع به دادن شمار علیه مهدوی کردند و شعار " مرگ بر سرمایه دار " فضای شرکت را پر کرد ، کارکنان میگفتند : با بداول آنها که بیشتر از ۵ سال سن دارند قبول دریافت کنند ، بعد ما . در این هنگام مهدوی میخواست با توسل به حربه همبستگی سرمایه داران یعنی تفرقه و

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بی تفاوت نبودند، اینطور بنظر می‌رسد که اسن عده (۲۶ نفر) اگرچه در داخل کارخانه مبارزه کرده و به بعضی از خواستهایشان نیز رسیده‌اند ولی مبارزه آنها جدا از بقیه کارگران بوده و نتوانسته‌اند آنها را با خود همگام کند. عمده ترس حاصل این مبارزه جدا از بقیه کارگران اینکس، کارگران یک کارخانه را از عمارت آگاهان محروم کرد!

روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ بنا بر درخواست سورا، "بوکا" که یکی از معتمدین کمیته دیوانست و در عمارت لیتنیای ضد کارگری نقش بسیار فعالی داشته و دارد (اما مکان ساواکی بودنش هم هست) به کارخانه آمده و در حضور کارفرما و شورای استارلایت صورتجلسه‌ای مینویسد مبنی بر اینکه جای هیچکدام از این ۲۶ نفر در این کارخانه نیست و تمام اعضای شورا زیر آنرا امضا میکنند و با این ترتیب ۲۶ کارگر خارجی ریزنظر سه پاسدار سرمایه و مسلح به ۳ تسویه حساب می‌کنند.

بنقل از ضمیمه محلی بیکار (کمیته خوزستان) شماره ۵

### مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران جنوب) ادامه دارد

روز شنبه ۵۸/۹/۲۰ کارگران فاسترویلر مطلع شدند که کارفرما با تاخیر دولت، دست به توطئه دیگری بر علیه کارگران زده است و مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال اضافه حقوق برای سوپر وایزرها منظور کرده است (همان کسانیکه اکثر آماجری سیاستهای کارفرما، شرکت است میباشند). کارگران که زیر بار تورم و حشمتزاد بسمیریند و هر روز بیشتر از روز پیش تحت فشار قرار میگیرند، از این اقدام کارفرما بخشام آمده و روز چهارشنبه در محل کارگزیی تجمع کرده و شروع با فشاری در باره این توطئه می‌کنند.

آنها بحق و بدردستی مطرح کردند که آیا سوپروایزرها بیشتر تحت فشار زندگی قرار دارند یا کارگران؟! حقوق و مزایای سوپر وایزرها زیاده‌تر است یا کارگران؟! چگونه در شرایطی که هیئت حاکمه دم از حمایت از مستضعفین مبارزه با مستکبرین میزند، با این توطئه‌ها فاصله طبقاتی را هرچه بیشتر عمیقتر میکنند؟! ... کارگران فاسترویلر در اجتماع روز چهارشنبه خودمناً افراد شورای سازشکار را بخاطر سازشکاری و مطرح نکردن این توطئه با کارگران مورد مواخذه قرار دادند و قرار گذاشتند روز شنبه ۵۸/۹/۲۲ مجدداً در محل کارگزیی تجمع کنند.

روز یکشنبه کارگران مجدداً همچون روزهای گذشته در محل کارگزیی تجمع کرده و ضمن انحلال شورا، انتخابات مجددی را ترتیب دادند که بدلیل ناآگاهی توده‌های کارگری به ماهیت عناصر سازشکار شورا، عده‌ای از نمایندگان سازشکار شورا مجدداً به نمایندگی شورا انتخاب شدند.

روز سه‌شنبه فردی بنمایندگی از طرف

سعد زاین جریان "سوکا بی" بپشیمانان یکی از اعضا ضد کارگشورا میخواست که کلبه سه مدارک و پرونده‌های کارگران اخراجی را در اختیارش قرار دهد، تا رده‌ها را پیدا کرده و اگر احیاناً تصاداً استخدام در کارخانه‌های راداشند مانع شود.

روز سه‌شنبه ۵۸/۹/۲۰ شورای کارخانه مجمع عمومی تشکیل میدهد، در این مجمع چند نفر از اعضا شورا که مورد اعتماد کارگران هستند استعفا میدهد، یکی از این افرادی سخنانش منگویی: "من سبب جوچه دستگرت کارگران در این سورا راندارم، اگر با زهم نماینده‌مانم، از این پس به شما خیانت نمیکنم!"

در این مرحله اگرچه کارفرما موفق شد توطئه‌های خود را در سایه ناآگاهی کارگران و حمایت شورای ضد کارگری کارخانه عملی سازد اما خارج کارگران و بدنبال آن استعفای نمایندگان مورد احترام کارگران و نیز ناراضی‌های دیگری که بوجود آمده است، زمینه‌ساز بستن برای رشد مبارزات بعدی این کارگران!

داستان در اجتماع کارگران حاضر شد. وی پس از اینکه سخنانی در باره اسلام و مزایای آن زد با حمله به کمونیست‌ها نشان داد که از منافع کدام طبقه دفاع میکند، و با این ترتیب میخواست تفرقه و جدائی بین کارگران بسازد که در این امر خود تا کامش در انجام با تعهد اینکس دیگر ۲۵۰۰ تومان که به سوپروایزرها پرداخت شده، پرداخت نشود و آنچه پرداخت شده است باز پس گرفته شود، کارگران متفرق شدند. همه می‌دانیم که طبقه کارگر در شرایط حاکمیت سرمایه‌داران، هر ساعت و هر روز در معرض انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد. سرمایه‌داران در این عرصه مبارزه با در دست داشتن انواع امکانات، هر روز سعی میکنند از قبیل استعمار کارگران به سرمایه خود افزوده و ابزار تولید بیشتری در اختیار خود گرفته و تعداد در هرچه بیشتری را تحت استعمار قرار دهند.

همه میدانیم که چگونه سرمایه‌داران بهنگام بحرانهای موسمی سرمایه‌داری (که در ذات نظام سرمایه‌داری نهفته است) با اخراج کارگران فشارها و خسارات بحران را بدوش کارگران می‌اندازند.

در شرایطی همچون شرایط فعلی ما که سرمایه‌داری و استعمار ایران تحت فشار توده‌های مردم و خیل عظیم کارگران و بحران سیاسی - اقتصادی خود در شرایط بحران بنام بسمیرد و طبقه کارگر ایران را دیگر حاضر نیستن بیروابط و ضوابط گذشته بدهد، نا‌دیدیم که هیئت حاکمه هر روز اقدامات و توطئه‌های بپشیمانان را تدارک مسپندتا بلکه این سمانت‌حیف و ضربه خورده را سلامت بخشیده و درسی آن روابط استمار می‌گذشته را احیا نماید.

"نیروی ویژه" را در کارخانه‌ها مستقر میکنند، هرگونه صدای حق طلبانه‌ای را با حبس و شکنجه و گلوله‌های آمریکایی پاسخ میدهد، قوانین آریا مپری را از نو تصویب و اجرا میکنند، خلقهای تحت ستم از جمله خلق دلیر کرد را با تمام امکانات و با استفاده از فاشتیسمهای آمریکا و ونا نکهای انگلیسی و آمریکا می‌موردیورش قرار میدهند، صیادان مبارزان زنی را با خاک و خون میکشد، آزادیهای اجتماعی را بکی بس از دیگری مورد حمله قرار میدهد و با لایحه با فریبکاریها و توطئه‌های با صلاح ضد آمریکا می‌سعی میکنند اعتماد از دست رفته را دوباره کسب کنند و در پی آن آب رفته را بجوی برگردانند.

امروز طبقه کارگران ایران یک دوره حساس را از سر می‌گذرانند. در شرایط فعلی مسامحه در افشا و طرد توطئه‌های هیئت حاکمه موجب تشبیت حاکمیت سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در ایران می‌گردد. در شرایط فعلی آنچه مسلم است این است که مبارزه کارگران با امپریالیسم (که بگیرترین طبقه در مبارزه با امپریالیسم است) جدا از سرمایه‌داری وابسته نیست. هرگونه تفکیک قابل شدن بین این دو می‌تواند از نظر سیاسی یک فاجعه باشد. یعنی هرگاه طبقه کارگر امپریالیسم را جدا از بایگه آن در ایران که همان سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است مورد حمله قرار دهد، بدلیل اینکه بایگه آن سالم و دست نخورده باقی مانده است در نتیجه امپریالیسم از دردیگری وارد خواهد شد. و با زبیهین ترتیب هرگاه بایگه داخلی امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری وابسته مورد حمله قرار گیرد ولی خود امپریالیسم فراموش شود یا به آن کم توجهی شود، بدلیل اینکه ریشه قطع نشده است این مبارزه سطحی و بدون شمرخواهد بود. بنا بر این طبقه کارگران ایران در کارزار فعلی مبارزه با دشمن مشخصی مواجه است که از همدیگر قابل تفکیک نیستند و آن امپریالیسم و در سایه آن امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم می‌باشد. طبقه کارگران ایران در مبارزه با این دشمن مشخص، چنانکه بخواهد نقش حیاتی خود را بازی کند باید هر روز و هر ساعت انواع توطئه‌های راکه هیئت حاکمه در جهت فریب و تحمیل توده‌ها انجام میدهد و از این طریق سعی می‌کند چهره دشمن مشخص را بیوانند، افشا نماید و از این طریق ما که ضد امپریالیستی هیئت حاکمه را در بریده و چهره واقعی آنرا به سایر طبقات و اقشار جامعه نشان دهد.

منلا کارگران مبارزان سترویلر با بسد توجه داشته باشند که اضافه حقوقی که به سوپروایزرها (که اکثر کسانیکه حافظ منافع سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم نیستند) پرداخت شده است و مسلماً با تاخیر هیئت حاکمه سوده است، در جرای بطله‌ای می‌باشد. هیئت حاکمه سعی دارد با این چنین اضافه حقوقی بی،

نصفه در صفحه ۱۵

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

### حرفهای زحمتکشان

### اثرات زحمتکشان



نشریه پیکان که توسط عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال منتشر می‌شود در آخرین شماره‌های گذشته ما رسیده است (شماره ۷) مطلبی در مورد بی‌طرفی شورای کارخانه که در زیر مطالعه می‌کنید:

#### شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد!

ما بدلیل زیرا بین شورای قبلی را رد می‌کنیم:

- ۱- اینکه اکثریت افراد شورا کارمندان عالی رتبه و سرپرست‌ها و بلوزآبی‌ها و بلوژطوسی‌ها هستند.
- ۲- انتخابات شورا غیردموکراتیک بوده است یعنی وقت به کارگران ندادند که فکر کنند یا اینکه نماینده‌ها پیدا نگذشته خود حرف بزنند تا کارگران بتوانند نماینده واقعی خود را انتخاب کنند. عوامل کارفرما فقط یک دقیقه فرصت می‌دادند که یک نفر بیاید صحبت کند. بدین ترتیب آنها عوامل خود را جلو انداخته دست‌آخرا انتخابات را بی‌نتیجه خود تمام کردند.
- ۳- آقای مجید حبیبی که هم‌مدیر سندیکا و هم رئیس شورا است جزو عوامل کارفرماست. وی کارمندان کارخانه است و در گذشته معاون سمرقندی جلد رئیس انتظامات بود که در دوران طاغوت چاقی در دست کارفرما برای سرکوبی کارگران بوده است. به جای آنکه ورا از کارخانه بیرون کنند رئیس شورا و مدیر سندیکا شده است.
- ۴- اینکه تاکنون که چند ماه از تشکیل شورا می‌گذشت ما گذشت است شورا هیچ کاری برای ما کارگران انجام ندادند و همه چیز را بی‌نتیجه کارفرما و سرمایه‌داران تمام کرده است. مثلا هر کارگر وام خوری یا وام مسکن بخواد باید بروی صفا، حالا کی نوبت ما و برسد معلوم نیست، یک سال، دو سال ناسیونالیسم نمی‌دانند. با خیلی چیزهای دیگر که شورا یعنی اکثریت عوامل کارفرما جلوی کارگران ایستاده است. ما می‌خواهیم این شورای فرمایشی منحل شود و زینوا انتخابات آزاد انجام گیرد تا کارگران نماینده واقعی خود را انتخاب کنند و شورای واقعی تشکیل شود.

بردن قیمت اجناس دوبا رهس بگیرد. ولی خوا هدفمید که کارگران چون دیواری از آهن مقاومت خواهند کرد. در رژیم شاه و در قانون طاغوتی وزارت کار، این سودویزه زعفر تا ۲۵ درصد زکل سودخالص کارخانه بوده است. آقایانی همچون بنی صدر و اوایل قیام از پشت رادبودر استادیوم کارگران جنوب شهر سخنرانی میکردند و میگفتند که تقسیم سود ویژه باید بجا نماند. می‌خواهند این سود را که دستمزدها ما با مال کنند. با باید به حقوق ما اضافه شود سود ویژه ما پرداخت گردد. ما مبارزه خواهیم کرد متحد و یکجا رجه بر علیه کارگریهای سرمایه‌داران (۱).

(۱) - "شورای انقلاب" از ترس مقاومت و عکس العمل کارگران فعلا و بطور موقت تصمیم گرفت که در سال جاری سود ویژه، پرداخت شود.

علیه پیکاری عملی ضد انقلابی خوانده میشود و حتی برای آن از حالا مدت زندان را نیز تعیین کرده اند. طبق تصویب ماده ۹ قوانین "جرائم ضد انقلاب" توسط شورای انقلاب برای کارگران آگاه و اعتمادی از ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین میشود.

طبقه‌ها که تحت این عنوان که ما اکنون مشغول مبارزه با امپریالیسم آمریکا هستیم میخواهد کارگران را فریب داده جلوی مبارزه آنها را بر علیه سرمایه‌داران بگیرد. ولی ما می‌گوئیم مبارزه علیه امپریالیسم بدون مبارزه با سرمایه‌داری و استعمار بی‌بهره است و سرمایه‌داری و استعمار را باید سرنگ کرد و تا قطع کامل سلطه امپریالیسم مخصوصا امپریالیسم آمریکا نباشد سرمایه‌داری و استعمار از پای نخواهیم نشست.

شماره اول وحدت کارگری "نشریه کارگران مبارز" خیراً منتشر شده است. در این شماره مقالاتی در باره ضرورت انشا نشریه سودویزه آمده است. ما قسمتی از یک مقاله را در زیر می‌آوریم:

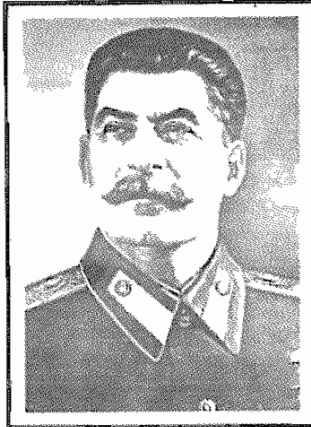
#### سود ویژه

رژیم حاکم سعی در پیش‌کش‌انداختن "سودویزه" در سر برده‌ها و این عنوان که اکنون که کارخانه نجات ملی (بخوانید دولتی) شده است و کارخانه نجات مال خودتان است (بخوانید مال دولت است)، دیگر لزومی ندارد سود ویژه بگیرد... و بدین ترتیب بخشی از دستمزدها را که نام سودویزه بر آن گذاشته اند بجا مال کند. نظام حاکم که از اضافه کردن دستمزدها چندان دل خوشی ندارد سعی میکند آن چند روز را که به حقوق ما افزوده است، از طریق حذف سودویزه بسال

شماره ۲ پیکان "نشریه عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال اخیراً منتشر شده است. در این شماره مقالاتی تحت عنوان "قانون اساسی خبرگان زنجیری است برای زحمتکشان!"، "شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد" "حمله و با شان و عوامل سرمایه‌داران کارگران" "شورای انقلاب برای کارگران ناخوشان" و ... آمده است. ما یک مقاله و همچنین قطعه شعری از این شماره را در زیر می‌آوریم:

#### شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانه می‌کشد

برادران کارگر! ج‌رو چنانها بی‌اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه دارد، بدون اینکه هیچ قدم عملی در راه نابودی سلطه امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری غارتگر چپانی برداشته شود. وقتی هم که توده‌های زحمتکش و محروم میهن ما از مبدشان از دولت قطع میشود، و خود سخاوت‌ها امپریالیسم و با یگانگی آن یعنی سرمایه‌داری وابسته تصفیه حساب انقلابی بکند، دولت با کمیته و با مدار ارتش سردمدار می‌داند "آی خدا انقلاب"، "آی خرابکار" نه‌آسان بلند میشود و ما رزه علیه سرمایه‌داران معذور و وابسته "حرام" و "خلایع" اعلام میکند. بهمین خاطر هم شورای انقلاب در ۱۸/۲۶ خود هرگونه تظاهرات و اعتصابات و تحمیل هرگونه مبارزه را از جانب کارگران ممنوع اعلام میکند. به این ترتیب مبارزه کارگران بر علیه ظلم و ستم سرمایه‌داری، مبارزه برای کسب حقوق صنفی و



گرامی باد صدمین سالگرد تولد  
فرزند پرولتاریای روسیه  
و رهبر کارگران جهان،  
رفیق کبیر زوزف (یوسف) استالین!

## قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

## گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان

همانگونه که پیش بینی می شد خوانین بلوچ با همدستی "حزب اتحاد المسلمین" از یک طرف و جامعه سیستان نیپا با شاخه نظامی آن که عمدتاً همان سپاه ساداران می باشد از طرف دیگر، مردم زحمتکش بلوچ و سیستانی را به برداشتن کشتی کشانیدند، تا درجه قدرت و لیاقت شان را در حفظ و نگهداری امنیت در منطقه بسه اربا با نشان نشان بدهند. نتیجه چینی چنایات بیشترمانند ای حد اقل ۱۴ نفر کشته و ۸۰ - ۷۰ نفر زخمی و بالاخره از همه مهمتر ایجاد نفرت و سوءظن زیاد بین توده های سیستانی و بلوچ است.

روز چهارشنبه ۵۸/۹/۲۸ در اطلاعیه ای که از طرف "مولوی عبدالعزیز" رهبر حزب اتحاد المسلمین صادر شد از "کلیه برادران سیستانی و بلوچستانی و سایر همشهریان" دعوت گردیده بود که جهت استماع سخنان "دکتر یزدی" (دکتربزرگ) نمایند. آیت الله خمینی بنا به دعوت "مولوی عبدالعزیز" جهت رسیدگی به مسائل منطقه به زاهدان آمده بود (در روز پنجشنبه ۵۸/۹/۲۹ در محل عیدگاه واقع در انتهای شمالی خیابان آزادی شرکت نمایند).

در روز پنجشنبه مردم بلوچ سوار بر اتوموبیلهای باری و وانت و... از ساعت ۶/۵ صبح بطرف عیدگاه رفته و دانش آموزان و دانشجویان بلوچ نیز با راهیمائی از جلوی دبیرستان رحیم بخش واقع در قسمت جنوبی خیابان آزادی بطرف عیدگاه با شاره های بلوچستان مثنی ملک انت، و تواجی مثنی حک انت (بلوچستان سرزمین ماست، خودمختاری حق ما است)، قانون اساسی نا حک انت (قانون اساسی نا حق است) - پتینه گرین پاسدار، در کپ چه مثنی ملک شهی (پاسدار فتنه گر، از سرزمین ما برو بیرون) مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع و... حرکت نمودند. این گروه در حدود ساعت ۸/۴۵ صبح بداخل محوطه عیدگاه رسیدند قبل از آن تعداد زیادی از گروه های مردم بلوچ تجمع کرده بودند و در حال گوش دادن به سخنان "مولوی مدنی" بودند. در قسمت غرب عیدگاه روی تپه در حدود ۸-۷ نفر مسلح (وابسته به جبهه جدیدالتاسیس مقاومت بلوچستان - این جبهه بوسیله خوانین مزدور و ملاهای مرتجع و روشنفکران خود فروخته بنیان گذاری و افراد مسلح آن بصورت مزدور در خدمت این جبهه قرار دارند. این اولین بار است که نام جبهه در منطقه معرفی می گردد و بنظر می رسد که جبهه مقاومت بخش نظامی حزب اتحاد المسلمین را تشکیل می دهد) در درون سنگرهای که در روی تپه وجود داشت قرار داشتند. در این روز پلاکاردهای از جبهه مقاومت بلوچستان، حزب اتحاد المسلمین، و دانش آموزان و دانشجویان بلوچ به چشم بقیه در صفحه ۸



## خانهای درباری به کمک روحانیان مرتجع در مقابل دهقانان

### راهپیمایی جوانان زابل در دفاع از منافع دهقانان

اینگونه حرکات (مما دره) اموال خوانین بوده است. همچنین کتدماهای صادره شده "حبیب الله خان و علیخان سارانی" که در اختیار اداره شاون و امور روستاها قرار داده شده بود تا بصورت وام در اختیار زارعینی که فاقد بذر بوده و در جریان خشکسالی ۳۰ ساله منطقه "میانکنگی" از زراعت دست کشیده بودند توزیع شود. عمل خلاف شرع اسلام توصیف می شود. عملیات بعدی که بدنبال این مذاکرات صورت می گیرد حاکی از این است که به این سرپردهگان اختیار بیشتر داده شده است زیرا آقای "ابراهیم پردلی" که مدت ۱۰ ماه فراری بوده و حکم جلب او نیز صادر شده، آزادانه در ملا عام ظاهر می شود. همچنین چند روز پس از این ملاقات یعنی در مورخه ۵۸/۹/۲۳ در ده "تجر" بین عوامل "حمید باراتی" کارمند سازمان آب که ما مورس واک منحل و از سرپردهگان رژیم شاهن شده است و تعدادی از دهقانان که از ظایف "سنجراتی" بوده اند به خاطر کشت زمین های صادره شده درگیری صورت می گیرد که در نتیجه عوامل "باراتی" اقدام به تیراندازی می نمایند و در نتیجه ۲ نفر از دهقانان مجروح می شوند که هم اکنون در بیمارستان زابل بستری هستند.

بدنبال این حرکت عناصر سرپرده رژیم متفوق پهلوی از طرف جوانان مسلمان سیستان در روز شنبه ۵۸/۹/۲۴ دعوت به راهپیمایی می شود که شرکت در این راهپیمایی از طرف روحانیون از جمله "سید محمد تقی حسینی" تحریم می شود. ولی عناصر آگاه به تحریم آنها توجه ننموده و علیرغم تحریم آنها راهپیمایی صورت می پذیرد و دبیرستانها و مدارس تعطیل می شوند. راهپیمایی از مسجد "حسین آباد" شروع و پس از گذشتن از خیابانهای آیت الله طالقانی خیابان شهید باقری و امام خمینی در چهار راه شهر، قطعنامه خوانده می شود. شاره های این تظاهرات به قرار ذیل است:

"زیرا رستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در راه آزادی - مرگ بر خوانین، مزدوران خون آشام - چه با لگد چه با مشت، خوانین را با یکدکشت - چه با لگد چه با مشت، ابراهیم پردلی را با یکدکشت - اسلام پیروز است، دیکتاتوری نابود است - خوانین ویرانگر اعدام با یکدکد، سیستان ویران شده بود. (پیگار)

بدنبال اعلام مما دره اموال تعدادی از خوانین "سیستان" از طرف دادستان انقلاب (۳) سیستان و بلوچستان تعدادی از خوانین و سرپردهگان رژیم متفوق پهلوی که از مدتها قبل فراری بوده و تحت تعقیب قرار داشتند روانه "تکر" می شوند. این افراد عبارت بودند از: ۱- محمدرضا خان پردلی که بدلیل مخالفین محسوب می شده است خود را چهاره ای مبارز می داند و با استفاده از این موضوع در صد بهره برداری می باشد ولی همکاری وی با رژیم پهلوی از سالهای ۴۰ به بعد برهنگان روشن می باشد. ۲- ابراهیم خان پردلی - نماینده چند دوره مجلس و همچنین آخرین نماینده در مجلس شاه ۳- محمد حسین خان ناروئی - نماینده چند دوره مجلس شاه ۴- غلام حیدر خان ناروئی. این عده "محمد خان پردلی" را به نمایندگی از طرف خود نزد "آیت الله خمینی" فرستاده و جریان مما دره زمین های خود را با وی در میان می گذارند و آنچه در زیر می آید مشخص کننده این می باشد که توانسته اند بزرگ برنده ای بدست آورند.

بدنبال این ملاقات با امام در تاریخ ۵۸/۹/۲۵ این عده و همچنین بقیه خوانین سیستان از جمله "حبیب الله خان سارانی" و "علیخان سارانی" در منزل "آیت الله حاج آقا بزرگ طباطبائی" برادر "صدرالدین طباطبائی" چیره خوار "اسدالله غم در زابل در حضور نماینده امام "حجت الاسلام شاهرودی" ملاقات می نمایند که نتیجه ملاقات آنها محکوم نمودن

(۳) - "بسی نجاریان" دادستان انقلاب سیستان و بلوچستان بخاطر یک سری موضع گیریهای قاطع در باره خلع سلاح خانها و اقدام به تقسیم زمین بین روستاییان مورد تأیید اقشاری از مردم فقیر منطقه می باشد. ایشان دو هفته پیش بعلمت مخالفت خانها و درگیریهایی که با دولت داشت از سمت خود استعفا داد و علت این استعفا، روشن نبودن مواضع دولت و شورای انقلاب نسبت به خوانین و فتوایهای منطقه، توسط ایشان قید شده بود. (پیگار)

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# جنبش دهقانی



## روستائیان بومرحله بر علیه زمین دار کمیته چی می رزمند

روستای "بومرحله" در ۲ کیلومتری شرق آمل قرار دارد. حدود ۹۰ خانوار در این روستا زندگی میکنند که ۵۰ خانوار آن بی زمین هستند. بیشتر اراضی این روستا، در زمان رژیم سابق بدست سرما بدها ران و تجار شهری افتاد. پس از قیام موسسگونی نظام سلطنتی، دهقانان بارها به مراجع "قانونی" جهت بازیابی گرفتن زمینهای بی که در زمان رژیم شاه از آنها گرفته شده بود، شکایت کردند لیکن همچون سایر موارد، از این "مراجع قانونی" چیزی عاید دهقانان بی زمین محروم نشد. روستائیان زحمتکش ما وقتی که از این دریچه نا امید می شوند تصمیم می گیرند که از زکشت زمین توسط مالکین مانع شوند. یکی از این مالکین "شمسی رئیس زاده" از سرداران کمیته آمل و کسی که پیوندهای بسیاری در مقامی عفت و... دارد می باشد که صاحب ۱۵ هکتار زمینهای این روستاست. شمس رئیس زاده وقتی اقدامی دهقانان را مبنی بر جلوگیری از زکشت توسط او و سایر مالکین می بیند، با استفاده از امکانات خود در کمیته و سایرها سبب آنها را می سازد و یک تراکتور بده می آید و مشغول زکشت زمین میشود. اما با مقاومت مردم روستا میشود در بی آن با ساداران شروع به شلیک هوایی نموده و دود و تن آذینان را در دستگیر میکنند و به زندان میبرند. و با استفاده از وجود ساداران درده، در ظرف دوروز زمین را شخم میزنند و پس از دوروز دهقانان مبارزان آزادی نمایی میکنند. اما این اعمال شایسته روستائیان نگذاشته و آنها همچنان به مبارزه خود برای بازیافتن زمین ادامه می دهند و در طی همین مبارزه، روز بروز بر ما هیست ضد خلقی و ضد انقلابی هیست خاک کهنونی وهم چنین نقش "پاداران انقلاب اسلامی" و کمیته انقلاب اسلامی" بی میبرند.

## طوفان شمال آرامش ندارد

● یک روستائی خطاب به ساداران: شما اگر خودتان را "حامی" نامی دانید، پس چرا همراه زمین داران خونخوار به روستا آمده اید؟!  
● دشمن دهقانان، یعنی زمین دار روستای امیرآباد از طرف فرماندار و بخشدار بسه عنوان نماینده در شورای کثا و رزی مرکز انتخاب شده بود!؟

در صوفی منظم به سراغ زمینهای مزرعی رفته و آنرا به تصرف دسته جنتی خود درآوردند. آنها کلیه وسائل کثا و رزی سرما بدها ران را از قبیل کمباین، تراکتور و... پس از صورت برداری ضبط نمودند.

سرما بدها ران دولت فعلی را با خود می بینند و خوب میداند فرمان آیت الله خمینی که در آن کثا و رزان را از ما دره زمینهای زمینداران بزرگ منع کرده و لایحه شورای انقلاب که حتی تا حد اعدام برای روستائیان حق طلب مجازات تعیین کرده است به نفع آنهاست، در مقابل این عمل متحدها زحمتکشان روستا بیگوار ننشسته و جهت طلب کمک به کمیته های منطقه رجوع کردند. حاصل کار این بود که آنان همراه با پنج پادار مسلح بعد از ظهر ۱۳/۹ یعنی همان روزی که دهقانان مزارع را بسه تصرف درآوردند و بدو روستا شدند.

زحمتکشان روستای امیرآباد که در حال کار بر روی زمینها بودند، با شنیدن این خبر به خشم آمده دست از کار کشیدند و شاعر گویان به روستا آمده و زکنا رها ساداران و سرما بدها ران گذشته و از دم مسجد شدند.

روستائیان که تصرف زمینها را حق خود می دانند و رژیم فعلی را حامی سرما بدها ران می بینند، در مدد براه مدندان ز حقوق خود در مقابل پاداران و سرما بدها ران دفاع کنند. آنها بدین منظور ابتدا پاداران را به مسجد فراخوانده و شروع به صحبت با آنها نمودند. یکی از پاداران گفت: شما باید از طریق قانون زمین بگیرید، شما با این وضع نمی توانید کاری بکنید. یکی از دهقانان بی زمین در پاسخ به پادار طریق قانونی را که روستائیان در طی ۹ ماه گذشته دنبال نموده اند و بی فایدهی آنرا برای پادار توضیح داد.

پس روستائی دیگری شروع به سخن کرده خطاب به پاداران چنین گفت: شما اگر خودتان را حامی و پشتیبان ما میدانید پس چرا همراه زمینداران خونخوار به روستا آمده اید. آیا این عمل شما نمایی نگر حرامت شما از

روستای امیرآباد در ۲۲ کیلومتری آمل قرار داشته و از توابع شهرستان نور می باشد. این روستا دارای ۳۳ خانوار است که از این میان ۲۳ خانواری زمین و ۸ خانوار کم زمین هستند.

زمینهای زراعی این روستا قبلاً از "املاحتارفی" در اختیار شاه خاثن قرار داشت که پس از "املاحتارکذا" می مذکور به دولت فرزند زمین دار بزرگ بنا میهای محمودنادر و فرج الله نورزاد فروخته شد.

جنگلهای متعلق به این روستا حدود ۳۰۰ هکتار می باشد که توسط سرما بدها ران نامبرده دریا لایه سرما بدها ران لومفت دیگریها می سرهنگ درویش، اسدالله قنیا نی، عباس سالاریان فروخته شد، که اینها نیز بنا بسودی جنگل، آن را به زمین زراعی "دیمی" تبدیل نمودند.

پس از این عمل غارتگرانه سرما بدها ران صاحب زمین، زمینهای "آبی" بصورت نصفه کاری در اختیار خوش نشینان روستا قرار دادند و در زمینهای دیمی خود، بطریق روزمزدی نیروی کار زحمتکشان روستا را استئما نمودند. اعتراض دهقانان در برابر روزمزدی و چپا و لگری سرماییه داران در شرایط سخت فغان و ترورسایهای در منطقه خف شد. و سرما بدها ران همچنان بسه بهره کشی بیرحمانه خود از زحمتکشان روستا تا اوگیری تا زه جنبش توده ها ادامه دادند. روستائیان قهرمان "امیرآباد" در اوایل بعد از قیام مسلحانه بسهم ما تصمیم به تصرف زمینهای مزرعی گرفتند و پس از زشتیهای روستائیان اطراف در مدد براه مدندان پیکار را از طریق "قانونی" دنبال نماییند. جهت اینکار نامهای بی بدقترا ما، نخست وزیر و وزیر کثا و رزی فرستادند. که حاصل این نامه ها ۸-۷ ماه "مبروانتظار" رقیه و خالی از جواب بود. روستائیان که در عمل دیدند دولت فعلی بسه خواسته های عادلانه آنان "جوابی" نداد و بسا صبر و حوصله کار درست نمی شود، در روز سه شنبه ۵۸/۹/۱۳ بصورت دسته جمعی و چوب و داس بدست

زمینداران نیست؟  
آنگاه نوبت گفتگو به سرما بدها ران رسید آنان با تحس و لرز و چا پلوسی از روستائیان خشمگین وارد مسجد شدند. و چون روستائیان اجازه حرف زدن به آنها دادند، یکی از زمینداران شروع به پاه و سرائی نمود و گفت: من یک فرد کثا و رزم و از طرف فرماندار، بخشدار به عنوان نماینده در شورای کثا و رزی مرکز (تهران) انتخاب شدم و از منافع شما کثا و رزان دفاع می کنم. من تا بحال خیلی کارها برای شما انجام داده ام.

این جلسه که در حقیقت امر جلسه محاکمه زمینداران بود، یکی از کثا و رزان پاسخ بقیه در صفحه ۸

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از درگیریهای ۳۰۰ می خورد، بعداً زبان سخنان "مولوی مدنی" سردار مرتجع و معروف "عبدالله گمشا دزهی" شروع به سخنرانی نمود (تا میرده یکی از گردانندگان تظاهرات موافقان اساسی در زمان بختیاری خود فروخته بود. بعد از سخنرانی وی یکی از دانشجویان بلوچ شروع به سخنرانی کرد و در طی آن یادآوری نمود که خود مختاری خلقها با بدرقانون اساسی گنجانده شود، سخنان وی بیشتر آتشگری از حرکتیهای بنفایت ارتجاعی هیئت حاکمه در کردستان ترکمن صحرا، نغده و بلوچستان و خرمشهر... بود تمام سخنان او توسط توده مردم بلوچ با گفتن صحیح است، مورد تأیید قرار میگرفت. پس از تمام سخنرانی نماینده دانشجویان یکی از دانش آموزان بلوچ پشت تریبون قرار گرفت و آتشگریها در مورد استانداروین و... گریهها نمود، در ضمن سخنان او گروهی از قارسیها و سیستانیها در زیر پوشش "حاکمه سیستانیها" شعار "پادار، پادار، خدا نگهدار تو - میکشم، میکشم دشمن خونخوار تو" و شعارها را در تظاهرات استانداروین و دانشجویان و دانشآموزان واقتار مترقی بلوچ موضع گرفتند. در این میان ناگهان از سمت چپ عیدگاه عده ای ناشناس بطرف جمعیت سنگ پرتاب میکنند و در نهایت آن تیراندازی از هر طرف بمردم شروع میشود. بنظر میرسد که تیراندازان همان افرادی باشند که قبلاً در سنگرها روی تپه موضعگیری کرده بودند. علاوه بر این عده ای از قارسیها و سیستانیها و پاداران که بطور مسلح در بین مردم میگشتند اقدام به تیراندازی میکنند. در این موقع که میتینگ بهم خورده بود، مردم سرمایه فرار میکنند، در حین خروج مردم از "عیدگاه" بیعت ازدحامی دوتفرگشته و عده ای زخمی میگردند. بلوچها و "جبهه مقاومت بلوچستان" در خانه "مولوی عبدالعزیز" خیابان سریعتمداری به پشت بامها رفته و سنگرمیگیرند، پاداران در محل استقرارشان در میدان آزادی و مرکز شهر

بقیه از صفحه ۱۷

"شورای انقلاب" با تصویب قانون سود...

تصویب قانون این جنبی سودویژه از طرف شورای انقلاب، از یک طرف نشاندهنده فشار جنبش مردمی و جگرپنده کارگران و تودههاست و از طرف دیگر نشاندهنده ماهیت ضدکارگری رژیم حاکم میباشد.

رفقای کارگر:

ابتدائی ترین گام جهت احقاق حقوقی خود در این زمینه، داشتن شورای سندیکای واقعی خود میباشد. با توجه به اینکه شوراهای سندیکای غیر واقعی کارگران، طی ۱۰ ماهه فعالیتشان نحوی در زندگان کارگران افسانده اند. با آشنائی بپیرامون سودویژه و این موضوع که این شوراها و سندیکاها نمیکوهند و نمیتوانند حقوق حقه کارگران را از حلقوم سرمایه داران بیرون کنند، اقدام به تجدید انتخابات و تشکیل شوراهای سندیکای جدید خود نمایند! شوراها و سندیکای کارگران از جمله سازمانهای نوپای کارگری است که در مقابل بورژوازی و انقلاب مستوایند نقش مهمی را ایفا نمایند

و جامعه سیستانیها در محل حسسه سیستانیها و حمله با با شیان سنگرمیگیرند. در این روز در رابطه با همین سنگربندیها و حرکتها چندین نفر کشته و زخمی میشوند که به سمارستانها جهت مداوا اعزام میگرددند.

۵۸/۹/۳۰ (جمعه)

در این روز نیز سنگرها بهمان شکل و بهمان فرم روز قبل باقیست، عناصرتکوکی در این روز بطرف مردم عادی تیراندازی و قرار می نمایند (سوسله ما شین سیمرخ) که در این تیراندازیهای وحشیانه عده ای بجهت زدن... کشته میشوند مردم از ترس به خیابانها نمی آیند و در حالت ترس و وحشت بسر میبرند. در اثر تیراندازی حدود ۱۰ - ۱۱ نفر (و ناایدهم بیشتر) کشته و حدود ۷۰ نفر زخمی میشوند از ساعت ۳ بعد از ظهر تا توافق که توسط مولوی عبدالعزیز و آیت الله کفعمی ویزدی انجام گرفت آتش بس اعلام و بنا شده که سنگرها جمع آوری شود و نیروهای انتظامی بجای گروههای مردم انتظامات شهر را سهمه بگیرند.

از این روز بعد شهر آرام است و ارسس در قسمتهای از شهر مستقر شده است. آتش افروزان کار خود را کرده اند، سوطن و بدبینی بسن خلق بلوچ و مردم سیستان که به سوگ عزیزانشان نشسته اند به حد اعلا خود رسیده است، در حالیکه نه خلق بلوچ دشمن مردم سیستان است و نه مردم سیستان دشمن خلق بلوچ، بلکه ایمن روحانیون مرتجع، مولویها و خانهای ضد خلق و همدستان آنها، "پاداران" هستند که رودر روی خلق بلوچ و مردم سیستان قرار دارند و برای رسیدن به اهداف خائنه خود سعی می کنند توده ها را به جان هم بیاندازند.

هم اکنون یزدی این سرسپرده مبریا - لیسیم آمریکا برای باصلاح "حل مسئله مردم" با مرتجعینی چون "مولوی عبدالعزیز" و خانها و آیت الله کفعمی (امام جمعه شعبه ها) در منزل مولوی عبدالعزیز رئیس حزب خدا نعلاسی "اتحاد المسلمین" به گفتگو نشسته است!!

شیوه گمان نپیدن کارگران به مقابل با رفقای زمختش کارگر خود (جمله به خا نیکا رگرتوسط کارگران کارخانه های بنزخا و جنرال موتورز و سایر اول بر خورده کارگران کارخانه عبیدی سیرامون برنگشتن کارگران اخراجی کارخانه بسرکارو...) از جمله شیوه های است که ضد انقلابیان روی خود اوردونقش سندیکاها و شوراهای واقعی کارگران در مقابل با بورژوازیهای رنگارنگ رژیم میتوانند سمارسم باشند.

البته ما بدر نظر داشته ایم که سوراها و سندیکاها واقعی نیز زمانی میتوانند مستواند حقوق واقعی کارگران را تامین کنند، همبسا زرات مستقل آنان را بر علیه مبریا لیسیم و سرمایه داران شکل دهند که سراسر هدایت و ره نمودن های سیاسی و ادولوزیک سازمانها و نیروهای م. ل و بطور کلی حزب طبقه کارگر را لیب نمایند در غمرا بصورت فعالیت مسازراتی شورا و سندیکاها کارگری از مضمون و هدف درست سیاسی سرخوردان نبوده سرمایه کارگران با انحراف در مسازره می انجامد.

بقیه از صفحه ۲  
طوفان ۳ سال ...

زمیندار برمدعا را چنین داد: اولاً شما نمی توانید شما سده ما را سید چون که دهقان نیستید بلکه یک زمیندار بزرگ هستید. ثانیاً ما از شما نمی خواهیم برای ما کاری انجام دهید، چونکه اگر شما بخواهید کارهای انجام دهید در جهت منافع زمینداران جزیگیری نخواهید بود... مالک دیگری که در برمدعا می و پرووی دست کمی از فلی نداشت، گفت: من حاضرم زمینهای خود را طبق روال سابق یعنی بصورت نمکه - کاری در اختیار رکنارزان بی زمین و کم زمین قرار دهم. یکی از روستایان که در سالهای قبل روی زمین نمکه کاری میکرد، چنین پاسخ داد: اینکار را هر زمیندار قبول دارد، چرا که غیر از ما کس از زمینها را نمیخواهد، شما کس دیگری ندارید که روی زمین شما معتخورها کار کنند و در آخر کار محصول را تحویل بگیرد. نه خیر آقایی سرمایه دار، شما برای ما دلسوزی نکنید. ما میخواهیم بحق مسلم خودمان که چیزی جز تصرف زمینها نیست، برسیم.

پس از این جلسه حاکم زمینداران و قدرت نمائی روستایان در برابر سرمایه داران دهقانان خطاب به پاداران گفتند که ما به مقامات مسئول دوبا ره روز مهلت می دهیم که بدین موضوع رسیدگی کنند. و زمین در اختیار ماست و سرمایه داران حق ورود به آنرا ندارند. در حال حاضر دهقانان با روحیه ای عالی هر روز دسته جمعی در روی زمینها کار میکنند و سبها در گروههای ۵ نفری از روستاها ساری می کنند. دادگاهها لوس که در زیر فشار روستایان قبول کرده تا یک هفته بهنگابت روستایان رسیدگی کند، تاکنون هیچگونه سخی نداده است

توضیح و تصحیح:

در سگارشماره ۳۴ خبری در مورد مبارزات دهقانان "انبارده" (آمل) درج شده بود. این خبر بصورتی که آمده بود نادرست بود و از این بابت از خوانندگان بوز می خواهیم و تصحیح خبر را سماره آینده موقوف می نمایم.

در اینجا بار دیگر از کلهه رفقا و هوادارانی که خبر برای ما می فرستند می خواهیم که در فرستادن خبر نهایت دقت و توجه را داشته باشند و از سر خورد غلط آمیز بیهیز نمایند.

بقیه از صفحه ۶

خانهای درباری به کمک ...

آباد با بگذرد. دهقان دهقان پیروز است، فتوادل فتوادل ناسوداست - سستان ویرانه آباد با بگذرد، محمدحسن خان سیایمان اعدام با بگذرد.

پس از خواندن قطعه ما جمعیت به طرف بسما رستان حرکت می کند و شش تپانی خود را از دهقانان بستری سده در بسما رستان، اعلام نمودند. بعد از مدتی جمعیت با همان ساراها متفرق می شوند. در قسمتی از این قطعه ما آمده است: "ما بستنیانی خود را از موضع انقلابی دادستان انقلاب نسبت به خوانین اعلام می نمایم و قاطعانه خواستار بیم دولت مرکزی موضع خویش را نسبت به مآدره و تقسیم اموال و اراضی خوانین و سرسردگان رژیم قبلی سن زار عین بسوسله افراد و سازمانهای اصلاح اعلام نمائیم."





### همدوش با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

بقیه از صفحه اول

ما طی شماره‌های گذشته یکبار دیگر به پیش از دهه انقلابی و قیام ما نه خلق فلسطین را منعکس می‌کنیم. در این مقاله به بررسی این خلق رزمنده را افاضه کرده، در معرفی و حمایت از این خلق که ۱۵ سال است مشعل انقلاب مسلحانه توده‌های رادیکال را در اختیار منقذ فرزان نگاه داشته، مطالبی در اختیار خلقهای قهرمان گذارده ایم.

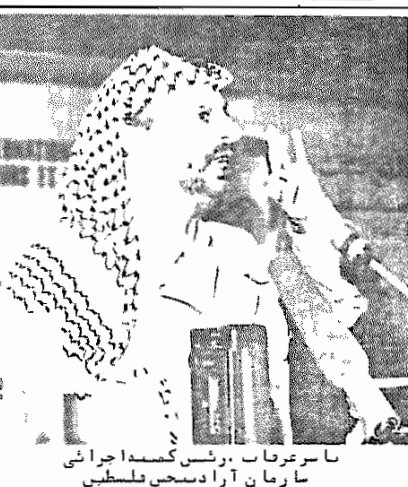
در این شماره بطور بسیار مختصر به معرفی سازمانهای مقاومت فلسطین که در حال حاضر فعالیت دارند می‌پردازیم. آنچه در زیر می‌آید تحلیل نیست بلکه در حد معرفی کوتاه می‌باشد. تلقی شود. تحلیل و معرفی بیشتر را به فرصت‌های آتی بدهیم.

#### ۱- سازمان آزادیبخش فلسطین

در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ شمسی) سران کشور - های عربی در قاهره تصویب کردند که سازمانی بنام سازمان آزادیبخش فلسطین که اداره و نمایندگی سیاسی آوارگان فلسطین را عهده‌دار باشد، بپدید آید. در طول ده سال جنگ بین دستجات تروریستی یهود - که از حمایت کامل انگلیس و آمریکا برخوردار بودند - از یک طرف و خلق فلسطین از طرف دیگر صدها هزار نفر از مردم فلسطین از وطن خود رانده شده کشور - های مجاور یعنی لبنان، سوریه، اردن و سایر کشورهای دیگر پناهنده شده بودند. جوژوازی عرب که از این نیروی کارآزاران در ابتدا حتی استقبال میکرد و با بخشی از جوژوازی فلسطینی که از وطن رانده شده، به امید همکاری و جلب منافع بیشتر، احساس همستگی می نمود، به تدریج از جوژوازی پنهان‌آوره‌های و انتقامجویی و با لاقوه انقلابی احساس خطر کرد و با انگسره می‌کردند فلسطینی‌ها در یک چپا رچوب رسمی و در عین حال با سخاوت گزیر به خواست توده‌های فلسطینی که حاضر نبودند هویت ملی شان را با مال نوطنده‌های امپریالیسم و میونسپم و سکوب رفاقت آمیز ارتجاع عرب گردد، این سازمان را (سازمان آزادیبخش فلسطین) بوجود آورد. از طرف دیگر جوژوازی فلسطینی و نموده در آن برای عبدالکامیل سرودن گور ریمهای مدعی مبارزه با صهیونیسم این موضع را ایجاد نکرد که بهرینبوتوا ندریر سرپوش حمایت از اس سازمان مبارزه خلق فلسطین را در چپا رچوبی که خود می خواهد می‌پوشانده آرا و سبیلای برای اعمال صراوت میبارگرفتن را امپریالیسم و میونسپم در آورند.

فلسطینی بنام احمد شقیری قرار داشت که سبب استیاضین کا ملا تابع ساسب عبدالناتر بود. حل مسئله فلسطین از طریق مذاکرات و راه حل‌های سیاسی آنهم در چپا رچوب جامعه دول عربی و برای درگیری نظامی احتمالی استرا - تژی خود را منعی برجنگ منظم و قدرت ارتشهای کلاسیک عرب گذا رده بود. این سازمان از سال ۶۴ از سوی دولتهای عربی نماینده سیاسی خلق فلسطین بود تا زمان جنگ ژوئن ۶۷ که ملا تحت نفوذ مصر قرار داشت. نیروی نظامی این سازمان تحت عنوان ارتش آزادیبخش فلسطین در کشورهای مصر، عراق و سوریه با دگان نظامی داشتند و جوانان فلسطینی مشمول خدمت نظام در این یادگان‌ها و بر اساس آموزشها و سیاست کشورهای میزبان خدمت میکردند. سلسله مراتب ارتشی هر یک از این کشورها در آن بخش از ارتش آزادیبخش فلسطین نیز معمول بود و در واقع آنها تابعی بودند از ارتش میزبان!

این سازمان نیروی چریکی غیر منظمی هم داشت بنام "نیروهای آزادیبخش" که باز در چپا رچوب سیاست کشورهای عربی و محدود به آن فعالیت می نمودند (مثلا انجام برخی عملیات ایدائی علیه اسرائیل).



سازمان آزادیبخش فلسطین

### دولت سوریه علیه ایران رای داد

منابع مطلع اظهار میدارند که سهندگام طرح مسئله گروگانهای آمریکا در شورای امنیت، دولت سوریه علیه ایران و بیفخ آمریکا رای داده است.

این موضعگیری بیوجه خود ما هیئت مسکوک کسانی امثال چمران، طباطبائی، یزدی، قطب زاده و... را افشا میکند که برای ایجاد بهترین روابط بین ایران و رژیم حافظ اسد حاضرند خدمت با آن، حتی علیه انقلاب فلسطین در جنوب لبنان توطئه کنند. طباطبائی سوریه را تنها کشور انقلابی منطقه نامید در حالیکه طبق توافق نا و حافظ اسد تا همین اواخر ما مورین ساواک پلیس امنیتی - سیاسی سوریه را آموزش میدادند!

### امسال

### تعداد مهاجرین یهودی از شوروی رکورد را شکست

میگویند دو عامل عمده بقا اسرائیل، یکی کمکهای مالی و تسلیحاتی آمریکا است و دیگری - که چه بسا مهمتر است - مهاجرت یهودیان روسی که غالباً تحصیل کرده و کارآمدند (مثلا گلدمایریک مهاجر روسی بود). اعراب عموماً بدلیل وابستگیهای که به شوروی از لحاظ سیاسی و نظامی دارند کمتر سر و صدایشان در مورد این کمک شوروی - اسرائیل بلند میشود. بهرحال امسال (۷۹) تعداد یهودیان مهاجر از شوروی که غالباً به اسرائیل میروند با بصورت پشت جبهه آن در کشورهای دیگر عمل میکنند، رکورد را شکست در سال ۷۳ این تعداد ۳۴۵۰۰ نفر بود. اما امسال به ۵۰۰۰۰ مهاجر را رسید.

بدنیست بدانیم که شوروی میتواند به میزان بسیار قابل توجهی جلوی مهاجرت یهودیان را بگیرد، اما در چپا رچوب قراردادهای جهانی با آمریکا به یهودیان اجازه مهاجرت می‌دهد.

بخش را همین شورا و بر اساس منشور ملی شان که از سوی خلق فلسطین به رسمیت شناخته شده تعیین می نماید. در حال حاضر این سازمان به عنوان جبهه‌ای اسب که تمام بندی سیاسی و دیپلماتیک خلق فلسطین را عهده‌دار و از سوی فریب ۱۱۰ کشور به رسمیت شناخته شده است. اس موقعی سیاسی به آسانی بدست می‌آید و حاصل وحدت ملی فلسطینی‌ها از یکطرف و مبارزه مسلحانه توده‌های وسیع سیاسی و استفاده از امکانات مساعد جهانی از سوی دیگر بوده است. میسرین سازمان در درون این "جبهه"، الفتح اسب که بلحاظ اهمیت سیاسی، نظامی، مالی و سوده‌ای ستون فقرات سازمان آزادیبخش فلسطین را تشکیل میدهد (نفرسباً ۷۵ درصد آن) و رهبر الفتح (با سرعفات) رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش می‌باشد. وی ارسال به این مساباختاب شده و تا کنون سازمانها مجدداً استخاب گردیده است.



در این دوره که هشتاد و یک سال است که دست به دست می‌دهیم و با کشتک سرکوب‌ها شانه‌های خود را بر زمین می‌کشیم، مدتی است که این تاکنیک از طرف هیئت‌ها کم‌کم گرایشات را سبب عمدتاً در بر خوردن به هشتاد و یک سال است که کمتر خود را سبب از آن دست‌در سر خوردن به حزب و جریانی‌های سیاسی بورژوا و خرده‌بورژوا خود را می‌نمایند و گرایش "چپ" هم‌زمان تاکنیک هشتاد و یک سال است که دست به دست می‌دهیم

● شکل و نحوه برخورد "اتحادیه کمونیست‌ها" در فسطاط از شکل گسری روسترمترا یزسیاسی و ایدئولوژیک مان و آنها، نمی‌تواند از روزها اختلافات عدیده‌ای بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش کمونیستی که در "کنفرانس وحدت" شکل گرفته است، جدا باشد. همچنانکه از تانترات سرخی سنتهای انحرافی و روستفکراندر اسج در خارج کشور، که مسازها ایدئولوژیک را بحثها سازای درجهت سرآورده‌ها ختنی شما بلات‌گروهی و فرقه‌ای و روستفکرانده و تبدیل آن به وسیله‌ای برای رقابت با دیگر نیروها تلقی میکنند، سنتی که "اتحادیه" بدان وابسته است، جدا نیست.

حاکمیت فاشیست را بر ایران نتیجه می‌گرفت. با تداوم بحران انقلابی جامعه و شکست سیاسی نظامی هیئت‌ها که در سرکوب نظامی خلق کردند و عواقب سیاسی آن تضادهای درون هیئت‌ها که منتهی شد به شدت، با اتکاد تاکنیک جدید و اجرای آن به دستکاران خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی، گرایش را به خود را سطرزسیاسی برجسته‌ای نمود. اساحت و روستفکراندر اسج خائن حزب توده‌ای خائنه در مرکز گردانی خدا انقلاب و پراگندن مسوم ایدئولوژیک خویش بیش از پیش فرصت را غنیمت سردند.

گرایش راست در اشکال مختلف هجوم خود را آغاز کرد. با اسنادلال - های کودتای "فدا میریالیستی" خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی علیه جناح بورژوازی ارتجاعی هیئت‌ها که، با زنگشت اما به‌خط خود و حرکت اخیر هیئت‌ها که رهبر فدا میریالیستی و مترقی ارتجاعی کرده و مورد حمایت قرار دادند. گرایش راست از آنجا که پیوستن خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی را به صف فدا انقلاب تشخیص نمی‌دهد، نگاه نمدن قدرت دوگانه را نمی - بیند و هنوز هم برای خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی ارگان مستقلی قائل است که اگر (از قبلاً) متا مردا دماه) این ارگان مستقل در کمیت‌های امام دادگاه انقلاب و... متجلی بود، حالا در "مرجیت" شیعه و یا حوزه علمیه فم‌متبلور شده است! بدین گونه افسانه "کودتای فدا میریالیستی خرده - بورژوازی مرفه‌سنتی علیه بورژوازی لیبرال و ارتجاعیون دا خلصی" پردا ختنه میشود و تغییر تاکنیک هیئت‌ها که اسنعکاس یک جانشه خود را در میان گرایش‌ها راست بصورت دنیابا لهروی آنها از سرورژوازی می‌با بد.

گرایش "حب" نیز با ندیدن تضادهای فاحش جناحهای مختلف هشتاد و یک سال، میان آنها وحدت و همگونی کامل دیده و در مقابل تاکنیک اخیر هیئت‌ها که آنرا توطئه‌ای از پیش تعیین شده توسط امیرالیسم ارتجاعی می‌کند، و اسادر شکل دیگر خود که از آغاز بسداز فضا خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی را به‌کنا زور کرده هیئت‌ها که می‌دید با درک شبه‌تروشکیستی خود از فاشیسم، رژیم‌جمهوری اسلامی ایران را یک حکومت فاشیستی تمام عیور و سمبل "ارتجاع فاشیستی" می‌خواند و همچنانکه سابقاً "اواژا میر - با لیسیم ایران" سخن می‌گفت حالا "اوم‌ها" از "فاشیسم ایران" سخن می‌گوید.

توده‌ها در سازن با بورژوازی سیستم و بسته‌ها میریالیسم، شرکت فعال در سرکوب خائنه‌ها را گران، خلقها و... نیروئی فدا انقلابی شده و سبه ما نمی‌در بيشرفت انقلاب دمکراتیک و فدا میریالیستی توده‌ها تبدیل گردیده است.

با مثلاً در انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه تزارسیم، ارتجاع و بورژوازی لیبرال (کادتها) فدا انقلاب بود، در حالیکه در انقلاب کتبیر سورژوازی ارتجاع و دهقانان میانها حال و خرده‌بورژوازی میانها (منشویک‌ها و اس - ارها) فدا انقلاب بودند. منشویک‌ها در این مرحله منشویکها و اس - ارها می‌تواند انقلابی را بعنوان نمایندگان دمکراسی خرده‌بورژوازی فدا انقلابی افسا و منفرد میکردند. حال آنکه اس از بورژوازی انقلاب اکسبر در سالهای ۲۵ - ۱۹۱۹ برولتا را سمب دهقانان میانها حال سمبگیری نموده و سراسر خنجان سوسا لیسیم "اتحاد مستحکم" با دهقانان متوسط دست برد.

اس مطلب نشان میدهد که مسئله فدا انقلابی شدن یک نیروی روستا به مفهوم مدخلتی شدن آن نیست. برای روستر شدن مسئله جزوه "سراسر مسون مقاله‌ای از ارتجان سوسه" (دسامبر ۱۹۰۶) زلسر و اصول لیسیم فصل استراسری و تاکنیک ار استالین مسومان مراجعه کرد.

از مردم و طبقه‌ها گرمی‌ها و هتکها می‌دریست سردولت لیبرالیسم و کمیرا دورها و گها می‌دریست سراسر کارگانه‌های خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی جمع شده و بقایای ارتجاع محمدرضا شاهی را درهم‌کوبند! روستیونیسیم سه‌جانی نیز همان را می‌ر از سرور که روستیونیسیم حروشچی می‌رود. اما و علاوه بر آن که خلق را به حمایت از رژیم برای ناسودگرن بفا نای ارتجاع محمدرضا شاهی دعوت میکنند در سرلوحه اسن نقاباً "سوسال امیرالیسم شوروی را نیز قرار می‌دهد.

گرایش راست از موصی دستار کمونیستی می‌خواهد که در کمیت‌های امام زدا خل نفوذ کنند و سدون در نظر گرفتن نوسانات شدید خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی میان انقلاب و فدا انقلاب در این دوره، این ارگانها را بحای ارگان‌های دموکراتیسم انقلابی گذاشته و بدین سان کمونیستها را به دنبا لهروی از آنها قرار می‌خواند.

گرایش "چپ" از همان اسندا قدرت را بصورت یکسان می‌بیند و بدون توجه به نتایج سیاسی قیام و آرایش جدید نیروهای سیاسی همان هیئت‌ها که پیشین را با تغییر جزئی در قدرت می‌بیند و با در شکل دیگر ارزیابی از قدرت آن را ارگان خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی که ارتجاعی شده است می‌نامد.

با راه‌های از گرایش‌ها تا سید تروشکیستی دیگر از طریق معادلات دیگر سهمین نتیجه می‌رسند. یکی اصولاً این است که خیمینی را نما سنده فتودال - ها می‌دانند و بدین طریق باید "ارتجاعی" و را بیدا می‌کند. و دیگری اگر - چه می‌پذیرد که اسما ینده خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی است، ولی مطرح نمکند که اسبه محض رسیدن به قدرت نما یندگی این طبقه را از دست داده و بصورت نما ینده بورژوازی کمیرا دور در آمده است!

تکلیف‌های اسنادلال مختلف است ولی نتیجه‌گیری عملی آن یکسان است: "خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی ارتجاعی و فدا خلقی است." بدین ترتیب گرایش "حب" نوسانات خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی را ندیده و با ارتجاعی ارزیابی کردن و یا کمیرا دور خواندن آن، او را با سرعت بیشتری سمت فدا انقلاب هل می‌دهد. کاری که گرایش‌ها راست با دنبا لهروی از بورژوازی لیبرال و با خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی سبه شیوه دیگری تکرار می‌کنند.

**دوره سوم**، یعنی س از سلفی "شورای انقلاب" در دولت و یگان شدن قدرت دوگانه (ارگان قدرت خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی و قدرت دولتی لیبرال - کمیرا دورها) هیئت‌ها که رژیم‌جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود که هنوز منی با لیبرالیسم مرتجع شده است اگر چه خرده - بورژوازی مرفه‌سنتی نیز همرا با بورژوازی کمیرا دور غیر بوروکرات سابق در این هیئت‌ها که شرکت دارد، که همگی در سرکوب انقلاب اشتراک منافع دارند. خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی علیه غم‌چرخش فدا انقلابی اس در این دوره فدا خلقی نشده است (۲) بدین ترتیب توده‌ها برای تحقق آرمان انقلابی خود بدون هیچ شکی ناگزیر از سرنگونی هیئت‌ها که می‌بصورت مانع بزرگ رشد انقلاب در آمده و برای حفظ سلطه سرما به ولزوما بقای سیستم سرما به‌داری وابسته‌ها میریالیسم مسلحانه روستروروی آنها یستاده است، هستند. امری که در درجدا اول به‌نگشته‌شدن توهما ت توده‌ها و خوشبای آن‌ها به‌وعدده و وعیدها و "الوهیت" اسن رژیم‌بستی دارد.

(۲) - در اینجا لازم است که تفاوت میان ارتجاع و فدا خلق را با فسد انقلاب روشن سازیم، ارتجاع یا فدا خلق عبارت از آن نیروی طبقاتی ای است که در مرحله انقلاب (دمکراتیک یا سوسا لستی) بلحاظ موقعیت عینی اس در ساخت اقتصادی - اجتماعی مدافع مناسبات کهنه بوده و مانع رشد نیروهای مرده است. حال آنکه فدا انقلاب شامل آن نیروی طبقاتی ای نیز هست که در زمان اعتلا انقلابی مانع رشد نیروهای انقلاب و تحول انقلابی است. ارتجاع فدا انقلاب هم‌سوی نیروی فدا انقلابی لزوماً ارتجاعی نیست. ارتجاع نماینده سیاسی مناسبات کهنه است و سرنگونی آن هدف اسراسر تریک انقلاب است، حال آنکه نیروی طبقاتی ای که تحت سراسر سلطه شخص بلحاظ سراسر سنگ و مومعگری اس در مبارزه طبقاتی سراسر سوسا لستی انقلاب ارتجاعی منحرف کردن سراسر کنش آن تلاش میکنند فدا انقلابی بوده و سراسر سراسر نقی هتک اسراسر سراسر مرحله انقلاب تئوریک یا فدا انقلابی آن را عسی کرده و او را سراسر اسج.

مثلاً خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی علیه غم‌موقعیت اقتصادی اس در ساخت سرما به‌داری وابسته و تضاد مناسبات این ساخت تحت سراسر سلطه شخص سنی در دوره دوم انقلاب سوسا لستی را بلحاظ سراسر سنگ ساسی و مومعگری سراسر در مبارزه طبقاتی اس سبه (شرکت در هیئت‌ها که، تلاش در سداسال کناسدن

وروده‌های عدل‌خواه است، یکی از این پیچ‌های حرکت سیاسی جامعه می‌باشد. این تحولات سبب گشت‌نا خطوط سیاسی وایدئولوژیک میان نیروهای سیاسی جامعه و بیرون‌نیروها می‌گردد. اتحادیه کمونیست‌ها ایران "از مزه آن نیروهای است که از تاثیرات ناشی از تغییرات تحولات در روشن تر شدن خطوط فکری و سیاسی شان و بروز تغییراتی در آن سبب گرایش‌ها و رویکردهای، سرکنار نهاده‌اند. جلسات این گرایش‌ها و رویکردهای را در مواضع "اتحادیه" که البته هیچ‌گاه از پیشینه مواضع سیاسی و اعتقادی این جریان جدا نمی‌باشد، بروشنی می‌نویسند در سراسر اخبار ارگان "حقیقت"، به ویژه ارسا ره ۴۵ بیعد، مشاهده نمود.

● "حقیقت" ... با درک یکجانبه و لیبرالی خودمرزبانی انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش و توده‌ها را در مقابل تاکتیک‌های ضد انقلاب، خلع سلاح می‌کند.

البته روز این تغییرات معین تنها در مواضع سیاسی "حقیقت" انعکاس نیافته است، بلکه همچنین با ما بروز و سایر روحیات معینی در این "نشریه"، که در شکل و نحوه برخورد این نیروی بیرونی در جنبش کمونیستی و بیرون سازمان ما، خود را نشان می‌دهد، هستم. این شکل و نحوه برخورد صرفاً از آنکه ناشی از شکل گیری روشن تر همین تمایزات سیاسی و ایدئولوژیک میان ما و آنهاست، نمی‌تواند از بروز اختلافات جدیدی بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش کمونیستی، که در "کنفرانس وحدت" شکل گرفته است و تسلسلورات خود را بشکل نا صحیحی نحوه برخورد "استفاد" این رفقا باقی گذاشته است، جدا باشد. همچنین نمی‌تواند از تاثیرات ناشی از برخی سنت‌های انحرافی روشنفکران نادر خارج کشور، که مبارزه ایدئولوژیک را به ما به بازاری در جهت برآورده ساختن تمایلات گروهی و فرقه‌ای و روشنفکرانه و تبدیل آن به وسیله‌ای برای رقابت با دیگر نیروها، و انجام تبدیل آن به وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه و نه وحدت در میان نیروها مورد انتقاد قرار می‌دهد، متاثر نباشد. که البته این دوتای آخری در اینجا مورد برخورد ما نخواهد بود و در آینده و در موقعیت مطلوب و مناسب با آنها نیز برخورد خواهد نمود.

بهر حال در ابتدا می‌گویم که خطاها و خطاهای اصلی موضع گیری سیاسی اخیر "حقیقت" را در قبایل تحولات سیاسی جدید که در سراسر اخبار این "نشریه" منعکس شده است، با استناد به آنها در کمال اختصار، بیساختار کنیم و سپس در مقالات بعدی به تشریح این مواضع و ریشه‌های عمومی آن بپردازیم.

"حقیقت" در زمانی که هیئت حاکمه در صدد است خود را از انزوا بیرون بکشد و یگانگی و وسیله بیرون آمدن از این انزوا و استیصال را در بهره‌گیری از موقعیت و نقش سیاسی - مذهبی آیت الله خمینی می‌داند، سیاست و موضعی را اتخاذ می‌کند که بدین "بهره‌گیری" یاری می‌رساند. این نشیبه درست در شرایطی که همگامی ظاهری بخشی از هیئت حاکمه و ضد انقلاب با جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها، امواج توهمنسبت به ما هیت و مگانسم این همگامی و همصدائی ظاهری را در میان مردم می‌پراکند، در شرایطی که توضیح تغییر در تاکتیک این بخش از هیئت حاکمه برای توده‌ها، بخاطر جلوگیری از مخدوش شدن مرز انقلاب و ضد انقلاب، به ضرورتی مبرم تبدیل می‌شود، و با لایحه در شرایطی که در دیدن پرده دروغین فدا میریالیستی از چهره هیئت حاکمه، به وظیفه مهم کمونیست‌ها تبدیل می‌شود، می‌نویسد:

"این مهم نیست که عده‌ای در بالا از این حرکت برای مقاصد خود سودجسته‌اند، آنچه که مهم می‌باشد آنستکه انتظارات مردم را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا از هر کسی که امروز در رأس حکومت قرار دارد، بالا می‌برد". (تاکید از ما است، حقیقت شماره ۴۵).

بدین ترتیب "حقیقت" بر یکی از مهمترین وظایف کمونیست‌ها در این شرایط که اتفاقاً همان "بالا" از "پایین"، توضیح علل بروز چنین حرکتی در "بالا" و مقاصد و اهداف کوتاه مدت و دراز مدت آن است، بهره می‌افکند و با درک یکجانبه و لیبرالی خود مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش و توده‌ها را در مقابل مانورها و تاکتیک‌های ضد انقلاب، خلع

سختن آخر اینک، ابتدا و مبرحان انقلابی جامعه، نسبت تا کتیک سگوب هیئت حاکمه در این دوره، انعکاس آن در "بالا" و "توده" دتفا ده‌های درونی هیئت حاکمه، پیسرفت و موفقیت‌های جنبش توده‌ای در صورت سمسیر تاکتیک را ایجاب می‌کند و در همین رابطه اشغال لانه‌های سوسی آمریکا سه ابتکار جناح خرده بورژوازی مرفه‌ستنی برای بند زدن مبرحان استقلال جامعه و مغربینی و حفظ وادامین زدن به توهمنسبت توده‌ها انجام شد. حرکتی که از موضع ضد انقلاب انجام شد و به پیچ و جد خصلت ترقی خواهانه‌ای نداشت. این تغییر تاکتیک را رفقای فدائی و رفقای اتحادیه کمونیست‌ها ساگرایان راست خود به کوه‌دانی خرده بورژوازی فدا میریالیست بر علیه ارتجاعیون و لیبرال‌ها و ایجاد "خط فدا میریالیستی امام" تعبیر می‌کنند. آنها خواهان ستیبا ناخواسته بدسال رویزیونستی‌ها و خوشحالی و سهجانی رویانند و درک نمی‌کنند که "بن" اتحادیه فدا میریالیستی در چه مقطعی از زمان و تحت چه شرایطی روی داده است. و به این امر توجهی نداشتند که "ضروریات تکامل جنبش و جامعه و تغییر اوضاع سیاسی، طبقات حاکمه را بطور عمده بورژوازی را بطور خاص ناگزیر از تغییر تاکتیک‌های خود می‌کند". تا برای حفظ منافع و فرمایان خود شیوه‌های مختلف مبارزه را اتخاذ کنند: شیوه زور، شیوه رد کردن هرگونه فرم و شیوه لیبرالیسم که در جهت فرم و امتیاز... قدم بر میدارد. شیوه‌هایی که گاهی با هم تعویض می‌شوند و گاهی هم بصورت‌های مختلف درهم ادغام می‌شوند. از اینرو گرایش راست، گسترش انقلاب و جنبش توده‌ای را ندیده و بجای دفاع از گسترش انقلاب به دنباله روی از بندهای ضد انقلاب کشیده می‌شود. بدین گونه است که "حقیقت" گرایش‌ها و سهجانی خود را به نما پیش می‌گذارد. مسئله جنگ را عمده کرده و بدین گونه با تقلید از تمار پروپیگاندیستی‌ها سهجانی گرایش عمده را درجه‌ها ن انقلاب بلکه جنگ دیده، به جای مبارزه طبقاتی به سازش طبقاتی می‌افتد.

این تغییر تاکتیک را "چپ‌های ما بطریق دیگری انعکاس می‌دهند آنها انقلاب را می‌بینند! جنبش پایینی‌ها را می‌بینند! ولی شگاف در بالا را نمی‌بینند، آنها درک نمی‌کنند که هر جنبش انقلابی توده‌ای در پائین، بالائی‌ها را ساجان یکدیگر می‌اندازد و آنها را ناگزیر از تغییر شیوه مبارزه علیه توده‌ها می‌کند.

## زیرک‌های ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت اتحادیه کمونیست‌ها

"... و هر مسئله‌ای که تا حدی "تا زگی" داشته باشد و هر تنبیری در حوادث که کمی غیر منتظره و پیش بینی نشده باشد، ولو فقط سروش و برای مدت کاملاً کوتاهی می‌تواند تکامل را تغییر داده باشد، ناگزیر و همیشه موجب پیدایش انواع مختلف رویزیونسم خواهد گردید".

(لنین - مارکسیسم و رویزیونسم)  
پیچیده تر شدن تکامل انقلاب و گذار از مراحل مهمی چون دوره کنونی سبب روشن تر شدن خطوط مختلف سیاسی در جنبش انقلابی و بیرون در جنبش کمونیستی می‌نماند گشته است. تندپیچ‌های ناشی از شدت و پیچیدگی‌های جزئی مبارزه طبقاتی همواره بهترین محک برای شناخت جریان‌هاست صحیح از نا صحیح، رویزیونستی از بولوتری و در مجموع تفکیک انواع گرایش‌های سیاسی‌ای که خود را زورنده‌های فکری و ایدئولوژیک متفاوت می‌گیرند، می‌باشد. در این تندپیچ‌های سریع، این روندهای فکری و سیاسی بسیار بیشتر و عربیان تر از مواضعی که جامعه مسیر آرا می‌راند - پیماید، خود را عیان می‌سازد. تحولات سیاسی اخیر جامعه، که بر اساس بروز یگانگائی در مسیر حرکت هیئت حاکمه و ضد انقلاب پدیدار گشته است و منجر به تغییراتی در تاکتیک و روش سیاسی آنان در بطن شرایط متحول

همه قرارداد‌های اسارت‌آور امپریالیستی باید لغو گردد!

اگر چه در واقعیت این چنین قرار داده‌ای وجود مادی و خارجی ندارد. در داخل برانتز (حقیقت) ولی با دیدن کیدکنیم که این نیروها طعنه از حرکت ضد امپریالیستی مردم پیشینا نی کرده و بر آن دمیده است و در صورت تمهین و گسترش این مبارزه و تشبیهات امپریالیستی مبارزه‌های انقلابی همگامی خواهد کرد. (حقیقت شماره ۴۷).

● "حقیقت" درک آلوده به گرایشات رویزیونیستی و لیبرالی خود را که ریشه در دکما تسم فکری و درک الگوسازانه آن‌ها از انقلاب چین دارد، در آنجا که قیاس مع الفارق میان شرایط جامعه ایران و کشورشیلی و همچنین حکومت ملی آلوده و رژیم فدخلقی ایران می‌کند، بروشنی بنمایش می‌گذارد (و به همین لحاظ) از شورای انقلاب می‌خواهد تا از تجربه شیلی بدرستی درس بگیرد!

"حقیقت" در تقسیم‌بندی‌های خود، "اتحادیه کمونیست‌ها" را در زمره آن نیروهای قرار می‌دهد که اتفاقاً از نظر سیاسی یک وجه مشترک مهم نیز دارند. همه آنها نسبت به قدرت سیاسی و خمینی، دارای توهمات و افکار لیبرالی هستند! آب تظہیر بر ما هیت بخشی از هیئت حاکمه می‌ریزند. "حقیقت"، "اتحادیه" را در کنار نیروهای دموکراتی قرار می‌دهد که به سبب سیاست لیبرالی خودخواهان اینجا دیک جبهه و احاد انقلابی خط اما خمینی هستند. اما گفتار فوق نشان می‌دهد "اتحادیه" هنوز بطور مشروط پیرو "خط انقلابی" است تا این خط را "تمهین" دهد.

"حقیقت" درک رویزیونیستی خود را از نتایج تغییرات اخیر در ترکیب و سیاست هیئت حاکمه چنین توضیح می‌دهد:  
"بورژوازی لیبرال و نفا ینده‌اش با زرگان که بسیار از آن‌ها را طلبی شکوه و شگایت میکنند ولی خود در قفسه کردن و انحنا قدرت سرآمد است، ۹ ماه تمام خرده بورژوازی را بر علیه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی تا زان دو جهت اصلی مبارزه را منحرف ساخت. ولی با افتادن چه نسبت مبارزه بر روی خط ضحیح، ضربه‌ای درخور دریافت داشت." ("حقیقت" شماره ۴۷).

بدین ترتیب "حقیقت" برای این نظریات که ولا جنبش انقلابی توده‌ها و "مبارزه" آنها تا کنون (در این ۹ ماه) در جهت غیر "محمیسی" حرکت میگردد است و سمت آن‌ها را نفا فی داشته است، اما با به خود آمدن بخشی از خرده بورژوازی (که البته در هیئت حاکمه هم سهمی از قدرت دارد) که تا آن زمان اسیر دست بورژوازی لیبرال بود و کندان جهت حرکت توده‌ها به سپرد دست "فدا امپریالیستی" و "دمیدن" در این مبارزه، توده‌ها را از افتادن بیشتر در ورطه مبارزه انحرافی و نفا "صحیح" یاری رسانده است!

و شایاناً، در نتیجه این "خودبیا بی" خرده بورژوازی، و قرار گرفتن در مسیر صحیح مبارزه، بورژوازی لیبرال از گردونه قدرت بدور افتاده و "ضربه‌ای درخور دریافت" کرده است!

این درک "حقیقت" از نتایج تغییر و تحولات کنونی که در آن درجه‌ها رجوع یک سیستم حکومتی، چند مظهر دستخوش جا بجا می‌شوند و برخی از مهمترین مظهرها (تظہیر با زرگان) نیز از روی صحنه (دولت) به پشت صحنه (شورای انقلاب) می‌خزند، بعلاوه استنباطی که از مواضع خرده بورژوازی اراشه میدهد، مبتنی بر اینکه "جناح خرده بورژوازی" که بوسیله جناح غیردورا ندیش (بورژوازی لیبرال - "ملی") (!) گول خورده بود، اکنون به حرکت قبلی خود بازمی‌گردد و در مسیر حرکت و مبارزه خود راه قرار می‌گیرد، مجموعاً نمی‌تواند تا شیرات خود را در بر خور این نیروها انقلاب ایران، باقی نگذارد:

"انقلاب ایران پس از یک پیرا هه ۹ ماهه که از یکت سرماش کار می‌مخافل سورژوازی، جار و جنجال ارتجاعی دسته‌های معینی از روحا بنون مشروعه می‌ویا داخلت عمال ما سکا ررژیم سابق و فرما ندها ن ارتش حاصل گشته بود، اکنون می‌تواند دوباره راه و مسرا ملی تکامل خود را باز یابد." (حقیقت ۴۷).

شما چیزی که حقیقتاً از صرخ مستقم آن چشم پوشیده است اسب که بگوید این سراسر "مسرا ملی شکا مل" "انقلاب"، "تحسنت" ضری داها نخرده بورژوازی محدود آمده و در سراسر آن آب اللله خمینی در رب می‌گیرد!

شخص در صفحه ۱۹

سلاح می‌کنند و آنها را یکجا بدامان خدا نقلاب می‌افکنند. خدا نقلابی که فردا، فردا می‌نشدن دوران ننده دیروز، بحکم منطق طبقاتی و قوانین اجتناب ناپذیرشکا مل مبارزه طبقه‌ای، بسیج و تجدید قوای کنونی را به بسیج و شیا جمی آشکار بر علیه جنبش انقلابی جامعه، انقلابیون و کمونیست‌های ایران تبدیل خواهد نمود، آنها را "امریکا ش" قلمداد خواهد کرد و دستور "جها دبا کفار" را برای سرکوبی آنان مجدداً صادر خواهد نمود.

"حقیقت" درک آلوده به گرایشات رویزیونیستی و لیبرالی خود را که ریشه در دکما تسم فکری و درک الگوسازانه آن‌ها از انقلاب چین (بسیار تمام تناقضاتی که در جریان پیدا کرده‌اند این الگوها در شرایط ایران دچارش می‌شوند و بعداً آنرا نشان خواهیم داد) دارد، در آنجا که قیاس مع الفارق میان شرایط جامعه ایران و کشورشیلی و همچنین حکومت ملی آلوده و رژیم فدخلقی ایران می‌کنند و بروشنی به نمایش می‌گذارد. "حقیقت" از "شورای انقلاب" می‌خواهد تا از تجربه شیلی به بدرستی درس بگیرد! و نارا احتیش فقط این است که چرا "شورای انقلاب" از این تجربه درس "نادرست" و غلط می‌گیرد. و بدین جهت می‌گوید تا با برخوردی غیر طبقه‌ای و ارا و ادا ربه "پندگرفتن" نما بد:

"چندی است که دولت و شورای انقلاب روسا ثل تبلیغاتشان مرتباً تجربه شیلی را بر خ ملت ما می‌کشند. اما ما متاسفانه در سپای نادرست و رهنمودهای سرا با اشتباه آمیز به مردم ما از این تجربه تلخ می‌دهند." (تا کیدا ز "حقیقت"، مقاله "از تجربه شیلی بدرستی درس بگیریم" حقیقت شماره ۴۷).

این درک غیر طبقه‌ای و رویزیونیستی در برخورد به خرده بورژوازی مرفه‌ستنی و نما یندگان سیاسی - فکری آنها، بخصوص آیت الله خمینی، نیز خود را اینچنین نشان میدهد:

"حتی اختلاف بین شورای انقلاب و دولت از یکسو و آیت الله خمینی از سوی دیگر در رابطه با مبارزه با امپریالیسم کاملاً عیان است" (تظہر حقیقت آیت الله خمینی، دولت و شورای انقلاب هم با امپریالیسم "مبارزه می‌کنند؟!") - (تا کیدا ز ما ست - "حقیقت" شماره ۴۷).

"حقیقت" نمی‌تواند درک کند که آیت الله خمینی، بعنوان برجسته ترین رهبر روحانی وابسته به جناح خرده بورژوازی مرفه‌ستنی، جزئی موشرا ز هیئت حاکمه ایران است و نه جدا از آن. در طی دوره چند ماهه حاکمیت اینان، تمام عملکردها و سیاست فدخلقی دولت با زرگان و شورای انقلاب، مانند لشکر کشی به کردستان و سرکوب خلق دلاور کرد و ...، با تاکیسد و گناه به ابتکار او صورت گرفته است و می‌گیرد، اما "حقیقت" با جدا کردن این عناصر از این جناح از مجموعه هیئت حاکمه، وی را جدا کرده و تبدیل هیئت حاکمه به دو بخش خوب و بد، آب تظہیر بر عملکردها و سیاستهای خدا نقلابی این بخش - بخش "خوب" قدرت حاکم - می‌ریزد.

"حقیقت" در ارتباط با دسته بندی‌های موجود در جنبش انقلابی و جا بجا خود چنین می‌گوید:

"...نیروهای انقلابی چون سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، خود را دانشجویان بیروخط اما م و سرخی از نیروهای چپ مانند اتحادیه کمونیست‌های ایران و ... (آبا این دسته بندی در سیاست که در آن "اتحادیه" در کنار نیروهای دموکراتی که در سیاست و برخورد خود نسبت به قدرت سیاسی و بیویژه خمینی دچار توهمات لیبرالی هستند، قرار می‌گیرد، اتفاقاً است؟) نه تنها این حرکت را تاکیسد کردند، بلکه بدامان زدن این مبارزه در بین توده مردم نیز همت گماشتند اسن نیروهای انقلابی نه تنها از خواست بحق استرداد محمد رضا خانسی حمایت می‌کردند، بلکه ساختار تمهین و گسترش این مبارزه خواسته‌های اساسی چون افسا... را مسان گشتند." و "نیروهای دیگری که حاکم تحزیه درونی روحا ننت میبا شند بزعامت و نما یندگی آیت الله خمینی اس حرکت فدا امپریالیستی را تا شدد کردند و لکن خواسته اصلی خود را اسردا دسا ه خاشن قرار دادند. اس گفته ما را می‌توان از سخنان آیت الله خمینی برداشت نمود که صراحتاً و نا طعنه هر گوسه فدا کره و عقد قرار داد را موکول به استرداد دبا ه کرده با دوا طها ردا سدا ندکسی از آن در مورد قرار دادها تصمیم گرفته خواهد شد و "آنها می‌کنند که سواد بران است" سانی خواهد ماند

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

### مبارزه پرسنل لشکر ۹۲ اهواز با اطاعت کورگورانه

در حالیکه هیئت حاکمه با تسلیمات فراوان دم‌آزمبارزه با امپریالیسم آمریکا میزند، هر روز در گوشه و کنار میهن ما شاهد اقداماتی هستیم که بر پیکاری و ریاکاری هیئت حاکمه را نشان میدهد. یکی از آخرین اقدامات ضد خلقی هیئت حاکمه در روزهای اخیر، اخراج و دستگیری سرگرد "پرویز شاعر" و همچنین بازداشت ۶ تن دیگر از پرسنل لشکر ۹۲ زرهی اهواز میباشد که جرمشان سرپیچی از اطاعت کورگورانه و مبارزه با روابط و ضوابط ارتجاعی ارتش میباشد. امرا و رؤسای سرسپرده ارتش که متحان مزدوری خود را در ارتش ما هتاهای بخوبی پس داده اند، امروز در مدتها هرگونه حرکت مترقیان را در ردون ارتش سرکوب نمایند. ولی در مقابل این مزدوران، پرسنل مبارز ارتش قرار دارند که دیگر حاضر نیستند کورگورانه تن به ضوابط ارتش ما هتاهای بدهند.

پرسنل مبارز لشکر ۹۲ زرهی اهواز طی اطلاعیه‌ای اقدامات ضد انقلابی امرا ارتش را افشا کرده و اعلام نموده اند که بیمه‌ها خانه خود در حال تحصن هستند و از همه مردم و نیروهای مبارز خواستار پشتیبانی از مبارزات برحق خود شده اند.

بقیه از صفحه ۲۱  
گرا میداشت خاطر ...

از پای نشینیدن و درفش خونی را که ایمن رفقای شهید و دیگر شهدای بخون خفته خلق برافراشته اند، تا رسیدن به بیروزی کامل همچنان در اهتزاز نگه دارید.

۱۱) بیام گروه بنبر برای رها نشی طبقه کارگر: در قسمتی از پیام آمده است:

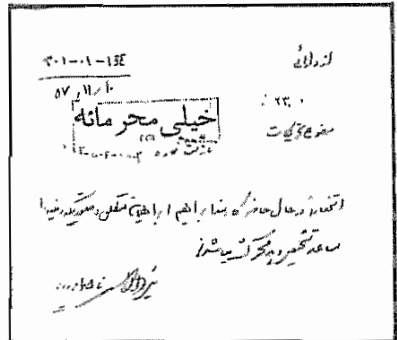
"دردوران سیاه دیکتاتور - فاشیستی رژیم سرمایه داری وابسته و در سالی که همه صلحت اندیشان و محافظه کاران مذهبی، همه نیروهای لیبرال و تسلیم طلب، یا به حریم امن سکوت و سازش خریداری شده اند، انباشت توشه‌ای از پس مانده‌های خوان بیغای امپریالیستی به سجاورت و با جدادکانه و گرفتار جوان کسب‌های دانشکاهی روی آورده و بالاخره عده‌ای هم فارغ از مسئولیت‌های خطیر انقلابی، لمبیدن بر اندیشه و بدشولوزی پرولتاریا و حیثیت فروری از قیل آن را وجهه‌همت خود قرار داده و در رویاهای سیاسی خود در کانه‌های رما - نتیک و حنحال زده اروپا دوری کردند.

آری در این دوره سردان آزاده و سرشور خلق ما تا نگه گردانیدن و الای سیاسی ندا شده، اگر به اندیشه علمی سرولتا ریای بطور که با بد صلح نبودند، اگر بیکلی ارسومات فرهنگی و بدشولوزیکی حاصه طبقاتی منزه نبودند، اما عشق به خلق را در سرپا اندیده و در سماحند تمام مدتها را بودند، از پای نیستند و در سمیری ما برار ما استدا دلسطنتی و ماسلط امبرالیسمی دم ما و ما ایستادند."

۱۲) در این مراسم ما می‌توانیم سبز خوانده شد. ارجحله:

سام عده‌ای از کارگران و رجمگان ساکن در راه‌ها را، با مکروری ارکار رکنار سنگار ...

مذکور (ناخدا سوم یوسفی) هنوز در پست خود ماست و به اقدامات ضد انقلابی خود علیه پرسنل مترقی و میهن پرستان ارتش ادا می‌دهد، منتها این مرتبه طبی رهنمودهای چمران و مدنی!



### فرماندهان ضد خلقی در رأس کارها

پا یکاه دریائی بوشهر: تا مدتها ره‌ ۱۶۴ - ۵۱ - ۲۰۱ که فتوکپی آنرا ملاحظه میکنید مربوط به پا یکاه دریائی بوشهر (دارائی) می باشد که ۱۲ روز قبل از سقوط رژیم شاه در جواب بخشنا مه‌ ضداطلاعات پا یکاه که با ۲۳۰ (کد ضداطلاعات پا یکاه دریائی بوشهر) مشخص میگردد نوشته شده است و یکی از کارمندان پا یکاه دریائی بعنوان محرک به ضداطلاعات معرفی می نماید.

در سال ۵۷، چهار نفر از کارمندان، در اعتراض به اقدامات ضد انقلابی او استعفا می‌دهند و این امر را پرونده مبارزات کارمندان وگزارش‌های ناخدا یوسفی علیه آنان به ضداطلاعات ثابت می نماید. رئیس دارائی

### افشاء نکردن اسامی ساواکیها، بازی گرفتن خون شهداست!

کمونیست‌ها بر فراضای اسناد رژیم گذشته وقتی تنها بدلیل که تا نته آنها را "فدا انقلاب"، "ما مل نیگانه" ... نماید. مردم ما هنوز فراغوش نگرده اند که در مقابل افسانگاری نیروهای انقلابی نسبت به امیرانتظام بن سرسپرده آمریکا، چگونه بازگان خاشاک نهد آنگان تاخت و از جاسوس "سیا" تا توصیفاتی چون دوست "سی" ساله و بهترین دوست تبه‌ حمایت برخواست.

اما نیروهای انقلابی و توده‌های خلق بر عکس هیئت حاکمه از هر فرصتی برای افشای عوامل "سیا" و مزدوران امپریالیسم استفاده میکنند. و شمتها، برجسبها و فحاشی‌ها و تضییقات رژیم آنها را از ادا مهر حرکت صحیح و بحشقان بازخواهد داشت.

سندی را که در زیر ملاحظه میکنید دربردارنده اسامی ۶ افسروم درجه دار است که از تیپ ۲۳ نوهدسه ساواک انتقال یافته اند. این سند در مقابل اسنادی که رژیم ساواک و عوام مل "سیا" در دست دارد همچون قطره است در مقابل دریای ولی رژیم حاکم تا کنون، یعنی در حالی که پیش از دهه‌ها از قیام نگو همتد بیهمن ما می‌گذرد در مقابل خواست بحق توده‌های میلیونی خلق سرسختی و مقاومت بخرج داده و عملاً به امپریالیسم چنا یترگاری آمریکا که اینهمه بر علیه آن شاعری دهد، خدمت کرده، ایست در حالست که فقط در رابطه با ساواک اسامی ۲۵ هزار نفر اعضاء آنرا (بقول بنی صدر) در دست دارند. هیئت حاکمه نته تنها به خواست خلق و امر روتان کید نیروهای مترقی و انقلابیون

**پرسنل مبارز**

در صورت تصویب برانداختن اسامی نو نماید  
ماده ۲ دستور ۱۶۱ تم ۲۲ نوهد  
تعداد نفرات ۶۰ نفر درجه داران مشوجه زیرین از تاریخ ۲۸/۶/۷۶ تا اتمشای از تاریخ ۳۰/۶/۷۶  
ساواک منتقل میگردد

اسم و رتبه	رتبه و درجه و رتبه	اسم و رتبه
۱- سروان پیاده	۳۶- گروه ۱ تکنیک جابرات	۱- سرورانی
۲- سرورانی	۳۵- سرورانی	۲- سرورانی
۳- سرورانی	۳۴- سرورانی	۳- سرورانی
۴- سرورانی	۳۳- سرورانی	۴- سرورانی
۵- سرورانی	۳۲- سرورانی	۵- سرورانی
۶- سرورانی	۳۱- سرورانی	۶- سرورانی
۷- سرورانی	۳۰- سرورانی	۷- سرورانی
۸- سرورانی	۲۹- سرورانی	۸- سرورانی
۹- سرورانی	۲۸- سرورانی	۹- سرورانی
۱۰- سرورانی	۲۷- سرورانی	۱۰- سرورانی
۱۱- سرورانی	۲۶- سرورانی	۱۱- سرورانی
۱۲- سرورانی	۲۵- سرورانی	۱۲- سرورانی
۱۳- سرورانی	۲۴- سرورانی	۱۳- سرورانی
۱۴- سرورانی	۲۳- سرورانی	۱۴- سرورانی
۱۵- سرورانی	۲۲- سرورانی	۱۵- سرورانی
۱۶- سرورانی	۲۱- سرورانی	۱۶- سرورانی
۱۷- سرورانی	۲۰- سرورانی	۱۷- سرورانی
۱۸- سرورانی	۱۹- سرورانی	۱۸- سرورانی
۱۹- سرورانی	۱۸- سرورانی	۱۹- سرورانی
۲۰- سرورانی	۱۷- سرورانی	۲۰- سرورانی
۲۱- سرورانی	۱۶- سرورانی	۲۱- سرورانی
۲۲- سرورانی	۱۵- سرورانی	۲۲- سرورانی
۲۳- سرورانی	۱۴- سرورانی	۲۳- سرورانی
۲۴- سرورانی	۱۳- سرورانی	۲۴- سرورانی
۲۵- سرورانی	۱۲- سرورانی	۲۵- سرورانی
۲۶- سرورانی	۱۱- سرورانی	۲۶- سرورانی
۲۷- سرورانی	۱۰- سرورانی	۲۷- سرورانی
۲۸- سرورانی	۹- سرورانی	۲۸- سرورانی
۲۹- سرورانی	۸- سرورانی	۲۹- سرورانی
۳۰- سرورانی	۷- سرورانی	۳۰- سرورانی
۳۱- سرورانی	۶- سرورانی	۳۱- سرورانی
۳۲- سرورانی	۵- سرورانی	۳۲- سرورانی
۳۳- سرورانی	۴- سرورانی	۳۳- سرورانی
۳۴- سرورانی	۳- سرورانی	۳۴- سرورانی
۳۵- سرورانی	۲- سرورانی	۳۵- سرورانی
۳۶- سرورانی	۱- سرورانی	۳۶- سرورانی

مدرك شاه شماره ۱/۱۲/۱۳۷۶/۲۰۱۰۱۰۲۰۱ بر ۱۶/۶/۷۶ تا اتمشای از تاریخ ۳۰/۶/۷۶  
رئیس ارشد است : ...  
رئیس مشاوران : ...  
تاریخ : ۱۳۷۶/۶/۲۸



بقیه از صفحه ۲

مبارزه کارگران مبارز استرویلر...

روابط و ضوابط گذشته را احیا کرده و بساط  
استثمار رژیم وابسته با میریالیم شاه  
جلاد را از یوبین کند و همانطور که می‌گویند  
از عمل هر کسی با یقین چندمرده حلاج است  
نه از حرف وی، اینجا هم این مسئله مسداق  
دارد. سخن گفتن از مبارزه با میریالیم در

ظاهر و کوشش رذیلانه در جهت تنبیت حاکمیت  
سرما به داری وابسته با میریالیم، بیانگر  
ماهیت هیئت حاکمه است و نشان می‌دهد که در  
مبارزه با میریالیم چندمرده حلاج است.

نا بود با سرما به داری وابسته با میریالیم!  
هر چه مستحکم تر باد اتحاد و  
همبستگی طبقه کارگر!

توضیح:

ما قصد داشتیم در ادامه مقالات قانون  
اساسی و موضع گیری نیروهای سیاسی به  
موضع گیری نیروهای دموکرات مذهبی و  
برخی نیروهای چپ نیز برخورد کنیم ولی  
بدلیل اهمیت مسائل دیگر برخورد به  
موضع گیری این نیروها را به فرصت  
دیگری موکول می‌کنیم.

### خرم شهر = حرکت انقلابی و پیروزمندان کارگران بارنویس بنادر

کارگران شرکت بارنویسی بنا در از مدت‌ها  
قبل خواسته‌هایی داشتند که با رها با مقامات  
شرکت، فرماندار و رئیس اداره کار در میمان  
گذاشته بودند ولی آنها هر بار با بنحوی جواب رد  
داده بودند حتی یکی رئیس اداره کار خرمشهر  
بیشتر نامه اظهار داشته بود: "گوشه‌ها توانستید  
بدخواستار استه با بن دست یا بیدمن سراغ می -  
مالم."

در چنین وضعیتی شرکت از پرداخت حقوق  
نیمه دوم آبان تا اواسط آذرماه ظفره می‌رود و  
اس موجب خشم هر چه بیشتر کارکنان این شرکت  
میشود. روز یکشنبه ۵۸/۹/۱۸ شورای کارگران  
برای آخرین بار به دفتر مدیر عامل مراجعه و  
شواستار رسیدگی به خواسته‌ها از جمله پرداخت

زحمتکشان بخنهای مختلف بندر (سندیکای  
کارگران ایران ترمینال، شورای کارگری  
خطوط کشتیرانی (سانسکو) و...) بصورت اعلام  
همبستگی هم ابراز زنده، از طرف دیگر موجب تردید  
کارگران بارنویس موفق شوند در تاریخ ۹/۲۱/  
بخش اول خواسته‌ها را بگیرند.

بعضی از خواسته‌های کارگران که در دو قسمت  
کوتاه مدت و دراز مدت طرح شده عبارتند از:

- الف - خواسته‌های کوتاه مدت  
۱ - پرداخت حقوق عقب افتاده  
۲ - همساح کردن حقوق کارگران ایس  
شرکت با سایر شرکت‌های مشابه و...

ب - خواسته‌های بلند مدت  
۱ - رسیدگی بوضع اموال شرکت  
۲ - پرداخت کلیه سوابق کارگزارانی که  
قبل از شرکت‌های کشتیرانی بوده‌اند.

بر زیر قسمتی از اعلامیه پیشنهادی  
"سندیکای کارگران ایران ترمینال" را با  
بعضی از خواسته‌های آنان می‌آوریم:  
"ما ضمن محکوم کردن سیاست‌های ضد کارگری  
شرکت ایران ترمینال و ضمن اعلام خواسته‌های  
خود عمل انقلابی شما را که شروگان نگرانی تعدادی  
از شما به داریان چیره‌خوار است تا شد و با تمام  
قدرت از آن پشتیبانی کرده و تا آخرین لحظه در  
کنارتان خواهیم بود"

- ۱ - محاکمه تقیوب و پورسبتانی بخاطر  
اعمال ضدکارگریشان  
۲ - پرداخت ما به التعمیرات مصوبه وزارت  
کار از اول فروردین ۵۸  
۳ - بازگشت کلیه کارگران اخراجی به کار  
مرک بر سر ما به داریان زالوفت  
مستحکم باد صفوف کارگران

اساس خواست اکثریت کارخانه را ترک کردند.  
اما روز بعد وقتی کارگران بوزارت صنایع و  
معادن مراجعه کردند، با بی‌تفاوتی مسئولین  
وزارتخانه روبرو شدند، آنها که در ابتدا قول  
رسیدگی فوری داده بودند، اینک می‌گویند:  
مسئله شما مسئله کارگر و کارفرماست و به  
وزارت کار مربوط می‌شود. به آنجا مراجعه کنید.  
کارگران خشمگین و آگاه‌تر از روز قبل نسبت  
به توطئه‌های عوامل ارتجاع و حاکمان سرما به  
داری، به وزارت کار مراجعه کردند. ولی آنجا  
نیز آنها را اخلالگر نامیدند و از کار فرما دفاع  
کردند. کارگران خود را برای تحصن دیگری  
آماده می‌کردند که بدنبال شکایت عسیدی از  
کارگران به دادستانی بخاطر اشغال کارخانه  
و سنگین در، دوم مور از دادستانی به کارخانه  
آمده و خواستار محاکمه ناساندگان شدند.  
این دو ما مور بیست‌هزار دگردنگه همه کارگران  
بحر ۲ نصر به سرکار بر برگردند، تا در مورد این  
۵ نفر تحقیق شود. کارگران در مورد بیست‌هزار  
رای گرفتند و بر اساس خواست اکثریت به سر-  
کار خود برگشتند. اما پس از باز آمدن مجدد کار-  
خانه، با زوری خواسته‌های خود (بازگشت همه به  
سرکار و ایجاد شور) با فشاری کردند. آنها  
حتی چند ساعتی نیز در کارخانه دست از کار  
کشیدند. سرانجام تحت فشار همبستگی کارگران  
نمایندگان دادستانی طی نشستی با حضور  
نماینده وزارت کار و کارفرما بناچار رضبول  
کردند که نفر دیگر را رخصت کردند. کارگران  
اس بیرونی مرحله‌های خود را با خرید شیرینی  
حسن گرفتند. این جریان روی کارگران قدیمی  
تا شکر زیادی گذاشته بود.

بعد از این بیرونی عسیدی دست به توطئه  
تازه‌ای می‌زند. وی کارمندان را که از  
مبارزات کارگران حمایت کرده بودند، اخراج  
کرده و با اختیاراتشان را محدود می‌نماید. عمل  
او با مخالفت شدید کارگران روبرو می‌شود.  
بطوریکه کارگران قسمتهای مختلف دست از کار  
می‌کشند. کارفرما ناچار دوباره عقب نشینی  
کرده و کارمندان اخراجی را به سرکار بر-  
می‌گرداند.

پس از این بیرونی، کارگران با شور و  
ایمانی بیشتر به بیرونی نهائی طبقه کارگر  
شروع به کار کرده و تصمیم می‌گیرند برای  
تشکیل شورای واقعی خود، مبارزاتشان را  
ادامه دهند.

پرنوان باد دستهای متحد  
کارگران کارخانه عسیدی

### پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عسیدی

در بیگانه‌ها به یاران بروید، نماینده‌ها دنبال  
کارکنان را خواهند گرفت. وزارت صنایع و معادن  
هم به کار شما رسیدگی خواهد نمود و حتی اگر  
لازم بود، عسیدی را عوض خواهد کرد. کارگران  
تحت تاثیر حرف‌های فریبنده آنها قرار گرفته  
و بدنبال شنیدن صحبت‌های موافق و مخالف  
نمایندگان و کارگران، پس از رای گیری سر-

در بیگانه‌ها به یاران بروید، نماینده‌ها دنبال  
کارکنان را خواهند گرفت. وزارت صنایع و معادن  
هم به کار شما رسیدگی خواهد نمود و حتی اگر  
لازم بود، عسیدی را عوض خواهد کرد. کارگران  
تحت تاثیر حرف‌های فریبنده آنها قرار گرفته  
و بدنبال شنیدن صحبت‌های موافق و مخالف  
نمایندگان و کارگران، پس از رای گیری سر-

فان ، مسکن ، آزادی

مهندسی مالیرتبه که حقوق آنها سه ۱۵۰۰ تومان هم میرسد، بیش از ۱۷۵ واحدخواهد بود! یعنی بطور متوسط نسبت امتیازات استحقاقی یک کارگر سه دهه یک مهندس در حدود یک به چهار (۴/۱۷۵) میباشد. (چون حقوق روزانه مهندسی مالیرتبه بیشتر از ۲۵۰۰ ریالی است که در جدول ذکر شده است) این امر نشانه دهنده آن است که میزان پولی که به عنوان سودویژه به کارمندان و مهندسی مالیرتبه تعلق میگیرد، حدود ۴ برابر سود ویژه ای است که به کارگران ساده تعلق میگیرد. ۵ - با توجه به اینکه کارگران بدلیل مشکلات فراوان زندگی خود همواره روزگاری از ماه غیبت میکنند (و این در مورد مهندسی مالیرتبه و کارمندان مالیرتبه صدق نمیکند) با زهم در میزان امتیازات استحقاقی کارگران ساده نسبت به مهندسی مالیرتبه و کارمندان مالیرتبه از ۱/۴ هم تنزل کرده و موجب اجاف بیشتری به کارگران ساده و کارگران مالیرتبه میشود. یعنی آنها که بیشتر دارند، دارا تر و آنها که وضع زندگی بسیار بدی دارند، فقیرتر خواهند شد! این است سیاست حمایت و پشتیبانی "مستغنی" از طرف شورای انقلاب!

۶ - مورد دیگری که در کارهای سودویژه کارگران مالیرتبه است، دزدیها، کلاشیها، اجافات و ساخت و پختیها که در فرمانها و مامورین مالیرتبه وزارت کار رود و است! بویژه در کارخانه‌هایی که شورا یا سندیکا کارگران مالیرتبه را بر مخرید و فروش کالای کارخانه‌ها در رویا شورا و سندیکا کارخانه‌ها قلابی و ضد کارگری است، امکان اجافات بر کارگران بیشتر میشود. کارفرمایان می‌توانند انواع حیل‌ها در رفتارهای قبلی دست برده، میزان کل حق السهم سود ویژه را پاشین آورند.

کارخانه‌هایی که شورا یا سندیکا کارگران مالیرتبه را مخرید و فروش و لای کارخانه‌ها در رویا شورا و سندیکا کارخانه‌ها قلابی و ضد کارگری است، امکان اجافات بر کارگران بیشتر میشود. کارفرمایان می‌توانند انواع حیل‌ها در رفتارهای قبلی دست برد، میزان کل حق السهم سود ویژه را پاشین آورند.

۷ - در بند "جدول ضمیمه این قانون آمده است: "گرمورد سرپرستان و مدیران، منحصراً مدیرعامل امتیاز کارآیی را اعطای میکنند. این بند نیز ناقض حقوق کارگران میباشد. با این بند "شورای انقلاب" می‌فهماند که شورا یا سندیکا واقعی کارگران حق نظارت بر امر تولیدند و تند و نحوه رفتار سرپرستان و مدیران و تعیین امتیاز کارایی آنان ندارند. بسیار دیده شده است که مدیران و سرپرستان به تولید آشنائی نداشته و کار نمیکنند. بلکه فقط برای کنترل رفتار کارگران و برای با صلاح حفظ نظم کارخانه‌ها کار کرده می‌شوند و عملاً بصورت جاسوس و مزدور کارفرمایان درمی‌آیند.

سندیکا یا شورای کارگران، حق دارد بر تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه‌ها و

است! یعنی تمام اجافات و کلاهبرداریهایی که توسط عوامل مزدور کارفرمایان بنام مهندسی مالیرتبه کارگران انجام میشده، تأشید شده است. (بدنیست بدانید که حداکثر سودی که طی سالهای گذشته به کل کارگران موسسات تولیدی پرداخت میشده ۳ الی ۴ درصد موسسات بیشتر نبوده است) یعنی شورای انقلاب، شوراها و سندیکاها فعلی کارگران را (بویژه اینکه تعدادی از این شوراها و سندیکاها، واقعی میباشد) به رسمیت نشناخته، یعنی خواهده که پیما نهایی دسته جمعی جدیدی بین کارگران و سرمایه‌داران بسته شود. زیرا این خود زمینه دیگری برای گسترش مبارزات صنفی-سیاسی کارگران است. با این ترتیب است که شورای انقلاب قصد دارد و میخواهد که همان شرایط فلاکت‌باری را که کارگران قبل از قیام داشتند، به آنها تحمیل کند. همان قوانین، همان شرایط، همان سندیکاها، همان پیمانها و همان استعمار! این است منطق شورای انقلاب بدین ترتیب شورای انقلاب سعی میکند دستاوردهای قیام را از چنگ کارگران بیرون آورد و در این راه از حقوق صنفی کارگران هم میگذرد! ۲ - سودویژه‌کنائی شورای انقلاب حتی از همان سودویژه دوره رژیم سابق نیز کمتر خواهد شد. چرا که میزان گرانی و رشد تورم چند ده درصدی طی یک دوساله اخیر و عدم افزایش دستمزدها متناسب با میزان تورم، بسیاری از رزق پول کارکنان و قدرت خرید کارگران را بشدت کاهش داده است. بدین ترتیب قانون سودویژه شورای انقلاب، حتی قدمی به عقب نسبت به قانون سودویژه رژیم فدکا رگری قبلی است!

۳ - شورای انقلاب تحت عنوان "مقررات جدید پرداخت سودویژه کارگران!" همان مقررات رژیم سرنگون شده قبلی را به اجرا درمی‌آورد. از جمله در بند "جدول ضمیمه آمده است: "مالیات مربوط تا ۳۰۰۰۰ ریال حق السهم معادل ۱۰ درصد است که بحساب شرکتست و تا ونی مصرف و اریز می‌شود و نسبت به مسازاد ۳۰۰۰۰ ریال مالیات به دارائی پرداخت می‌شود. می‌گردد."

ملاحظه میکنید که هیئت حاکمه فعلی دقیقاً با درجای پای رژیم قبلی میگردد، بجای تا مین بودجه شرکتیهای تعاونی از جیب سرمایه‌داران، این خود کارگران هستند که کما کما میبایست بودجه شرکت تعاونی را تا مین نمایند بدین ترتیب است که کما کما تمام بار ناشی از کمبود جانی گران آنها و ... بر دوش کارگران قرار میگیرد. این "شورای انقلاب" است تا "شورای انقلاب"!

۴ - با محاسبه‌های میتوان دریافت که نسبت سهمی که به کارگران در مقابل مهندسی مالیرتبه و کارمندان مالیرتبه تعلق میگیرد نسبت به سالهای قبل بسیار کمتر است. توضیح آنکه جمع اسبابات اکسایسی یک کارگر ساده (که حداقل دستمزدها و امتیازات و تعلق میگیرد) طبق جدول پیشنهادی انقلاب، ۴۵ واحد است و این مقدار برای کارمندان و

بقیه از صفحه ۳  
"شورای انقلاب" با تصویب قانون سودویژه، اساساً قانونی استثنای کارخانه‌هاست. تصویب و اجرای این قانون در زمان شاه خائن، هدفی جز تحقیق کارگران، سرکوب آنها و تحمیل فقر و فلاکت بر آنها، سرنگ کردن کارهای سودرما به داران زالمصفت برگرده کارگران و ایجاد رقابت و دودستگی در میان آنها نداشتند. شورای انقلاب، از ابتدا همان مقابله کارگران را قرار داد، از ابتدا همان قوانین دوره خاندان پهلوی را که عامل خانه خرابی میلیونها کارگر و حتمش میهن ما شده بودند، اجراء گذاشت. از جمله این قوانین، قانون سودویژه مصوبه سال ۴۱ میباشد.

اکنون دیگر اهداف رژیم شاه خائن از تصویب این قانون برکسی پوشیده نیست. رژیم پهلوی با تیردادن ختن قسمتی از دستمزدها به کارگران و سپس پرداخت آن بنام "سودویژه" اهداف زیر را دنبال میکرد:

- با مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، کارهای سودرما به داران بحساب کارگران، سرکوب می‌شد. اگر تولید بخواهد کم شود، اولیه، کسادی بازار، آتش گرفتن انبارها، بیدی کیفیت کالا و ... کارهای می‌یافت، این کارگران بودند که کارهای سودرما به داران را می‌پرداختند!

- با مشروط کردن میزان سودویژه به اصطلاح "انضباط و بهره‌وری" کارگر، اختلافات میان کارگران را در میان میزدند و کارگران را روی یکدیگر قرار می‌دادند و به این ترتیب به تشکل کارگران ضربه میزدند.

- با مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، کارگران را وادار به افزایش تولید می‌نمودند و به این ترتیب میزان استعمار را افزایش می‌دادند و کارگران نسبت به تولید بیشتر، دستمزدهای کمتری دریافت می‌کردند.

- با پرداختن قسمتی از دستمزدها کارگران به صورت "سودویژه" سرمایه‌داری کارگران (نظیر حق اولاد، بیمه، اضافه کاری و ...) چون بر مبنای دستمزدهای آنها پرداخت میگردید، میزان قابل توجهی کاهش می‌یافت.

- با ادعای اینکه کارگران با تصویب این قانون در سود کارخانه‌ها سهمینده اند! سعی میکردند بر تضاد کارگران و سرمایه‌داران، بپوشانده شده، جلورسد آگاهی کارگران را سد نمایند.

و اکنون شورای انقلاب با تصویب دوباره این قانون گذاشتی، همین اهداف اساسی را دنبال میکند! و این هنوز تمام قضیه نیست. طبق قانون جدید سودویژه:

۱ - سودویژه بر اساس آخرین پیمان دسته جمعی کارگران و سرمایه‌داران پرداخت می‌گردد و در صورت نبودن این پیمان، بر اساس دسته جمعی کارگاههای مشابه عمل نموده. این بدان معنی است که شورای انقلاب سنا نیانی راه رسمین میسازد که ما بس کارفرمایان سابق و سنا سنا کارگران مستعد شده

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه‌ها میباشند

موسسه‌ها استخدام مدیران و سرپرستان جدید و نحوه مدیریت کارخانجات و موسسه‌ها نظارت و کنترل کند.

بنابراین از بررسی قانون سودویژه موصوفه شورای انقلاب نتایج زیر حاصل می‌شود:  
**الف -** اساس تصویب این طرح عملی ضد انقلابی و ضد کارگری است. زیرا ماهیت این قانون و هدف آن چیزی جز استنما و هرچه بیشتر کارگران و ضربه زدن به تشکل و مبارزات آنان نیست.

**ب -** هیئت حاکمه بتمام قواشن و قرار دادهای رژیم قبلی متکی شده است. از این لحاظ اساس تعیین میزان سودویژه طبق این قانون نادرست است و نمیتوان آنرا پذیرفت.  
**ج -** میزان ۱۰٪ مالیات مطابق همان قوانین رژیم سرنگون شده قبلی است و قابل پذیرش نیست. سرمایه‌های شرکتی و تعاونی باید از قبیل سرمایه‌داران تا منین شود.

**د -** رژیم اساسی و ماهیت شوراها و سندیکاها - های واقعی کارگران را مورد سؤال قرار داده است. زیرا اولاً در تعیین میزان صلاحیت مدیران و سرپرستان، شورا و سندیکاها واقعی

کارگران هیچ نقش منوریتی و کنترول ندارند و ثانیاً سندیکاها را جسد حق ستن سیمانهای جسد سودویژه را نداده است.

با توجه به مسائل بالا، نتایج عملی زیر بدست می‌آید:

**۱ -** در آینده، قانون سودویژه که عوارض از قانونی کردن استنما را کارگران استنما لغو و سودویژه را حذف کند. در حالی که سودویژه در حال حاضر با حذف در حد ۵٪ در دسترس است.

**۲ -** باید ترتیبی اتخاذ شود که سودویژه کارمندان و مهندسان و سرپرستان، بر عکس میزان حقوقشان افزوده گردد. و میزان آن حداکثر ۱/۵ برابر مبلغ سودیک کارگران باشد.

**۳ -** باید تمام فریبی که بنام "امتیاز کارایی و تقلیل هزینه‌ها و ضایعات و افزایش تولید" محسوب می‌شوند، از تعیین سودویژه حذف گردند.

**۴ -** مالیات از سودویژه نباید کسر گردد.

موجده شرکت تعاونی با ندادن ربح سرمایه‌داران تا منین گردد.

**۵ -** صرف عیب با ندادن ربح سرمایه‌داران سود ویژه محو گردد.

### رفقای کارگران!

قانون سودویژه مصوبه رژیم ما، که سوری انقلاب، بدان محدود شده است، قانون استعمار امیرالستنها، سرمایه‌داران وابسته و سرمایه‌داران نازمقدرت رسیده را کارگران است!

بعدها زکوششهای فراوان هیئت حاکمه مبنی بر سربردن سودویژه کارگران، تحت فشار روزافزون کارگران و در مجموع گسترش مبارزات فدا میربا لیستی - فدا رتجایی توده‌های زحمتکش خلق ما، هیئت حاکمه اقدام به عقب‌نشینی نمود و به گذشتن کوچکی برای حفظ اساس حاکمیت خویش، راضی شد.

درکنار برپا داشتن سودویژه‌گذاری به کارگران، درکنار رها کردن جباری اموال تعداد معدودی از سران خونخوار رژیم قبلی، درکنار افسانای عناصر مزدورو سرسره‌آورد مرکا نظیر امیرانتظام، درکنار برپا نهادن ختن سروصدای زیادی دربارها رزمایشها فدا میربا لیستی هیئت حاکمه همچنان اقدام به سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان منارز (کشتن علی اکبر رفقای، کارمندان رها کردن گدازها را هنگام کشتن دونه‌ها از کدها را زحمتکش در جنوب پارک ملت) حمله به تظاهرات وسیع مردم در محمودآباد، اقدامات نواح تهی‌دهنده از حمله تهدیدها به نه‌های که نشریات انقلابی را چاپ میکنند، تهدید سرکوب و حتی اعدام زحمتکشان - نی که اقدام به مسافرت به میهنهای زمینداران بزرگ و آرایشها و خانه‌های سرمایه‌داران وابسته میکنند، تدابیر برای حمله مجدد به کردستان و سایر انداختن جنگ‌ها شما بسوزاند و مصویب طرح فذخلفی "خودگردانی" خود مختاری و "لاخره حفظ فزادها و سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ما امیربا لیستی ... می‌باشد. اینها نشان‌دهنده عقب‌نشینی - های محدود هیئت حاکمه در مقابل گسترش روزافزون جنبش‌های آزادی‌خواه طرف، سرکوب جنبش‌های آزادی‌خواه و هرآنقدر که میتواند از طرف دیگر می‌باشد.

همانطور که کمونیست‌های واقعی و نیروهای واقعا مبارز با بحال با رهاگفته‌اند (و با رها در تجربه خود توده‌ها نشان داده است) رژیم حاکم نه‌محو و هودن می‌توانند به حواسنها سر حیموده‌های زحمتکش ما و در آستان کارگران پاسخ مناسبی دهد. طی این مدت، کتار حلقه‌ها سرکوب کارگران، سرکوب ده‌ها سال ربح‌دهنده و فروشنده‌ها حرکات اعتراضی کارمندان و سایر اقشار زحمتکش خلق ما، بخوشی ما هب این رژیم را نشان داده است.

همانطور که ما هب قانون سودویژه مصوبه بآن از سوری انقلاب نشان میدهد هیئت حاکمه می‌کوشد در مقابل فزادها، جدا قیل عقب‌نشینی ممکن را انجام داده، حتی امکان چیزی ندهد. کارگران آگاه‌اند که نیکه‌ای عیب نسبی ما زمانیکه بس هیئت حاکمه در راس حکومت مسا شد محدود، موفقی و ناسا ندر است و هر دم امکان بازسی گرفتن آن مسا شد

سینه در صفحه ۸

## مقررات جدید پرداخت سودویژه به کارگران



شماره ۲۴ آذر ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۲۶

جدول تعیین حق السهم کارگران در سال ۱۳۵۸

انتخاب سز	تا ۲۰۰ ریال - مزه	از ۲۰۰ تا ۴۰۰ ریال	از ۴۰۰ تا ۶۰۰ ریال	از ۶۰۰ تا ۸۰۰ ریال	از ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال	از ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال
روزانه ۲۰۰ ریال	روزانه ۲۰۰ ریال	روزانه ۲۰۰ ریال	روزانه ۲۰۰ ریال	روزانه ۲۰۰ ریال	روزانه ۲۰۰ ریال	روزانه ۲۰۰ ریال
۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪

انتخاب سز	سابقه به سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

انتخاب سز	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶

امتیاز استحقاقی روزهای کارکرد هر کارگر بر حسب جمع امتیازات اکتسابی هر نفر روزهای کارخانه در سال

ارزش ریالی هر امتیاز کل حق السهم حاصل کل امتیازات استحقاقی

حق السهم هر نفر از ارزش ریالی هر امتیاز استحقاقی، هر نفر

بقیه از صفحه ۹

به رسمیت شناختن این سازمان بعنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین بویژه از این لحاظ اهمیت دارد که راه را بر توطئه‌گرانی که میکوشند بنام خلق فلسطین سخن گویند و در زدوبندهای بین المللی همچون سادات و ملک حسین ... جهت نابود کردن آرمان فلسطین با دشمن وارد مذاکره شوند، می بندد.

## ۲- فتح جنبش آزادیبخش ملی فلسطین

آغازگر مبارزه مسلحانه فلسطین در اول ژانویه ۱۹۶۵ می باشد. پیش از این تاریخ مبارزات مردم فلسطین در راه بازگشت به میهن یا بیرون راندن دشمن از خاک فلسطین، بطور عمد شکل خودبخودی و سازمان نیافته داشت. قیمومت کشورهای عربی برای حل مسئله فلسطین امری تعیین کننده بود، یعنی مثلاً عبدالناصر و پادشاهان روسای جمهور کشورهای عربی درباره فلسطین تصمیمی گرفتند نه خود فلسطینی ها. از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۵ همین شیوه عقیم ادا مدها شد و امپریالیسم همین را میخواست. چرچیل نخست وزیر انگلیس (در جنگ دوم جهانی) زمانیکه گفته بود: "فلسطینی ها را چندسال در اردوهای آوارگان نگاهدارید، وطن از یادشان خواهد رفت." شروع مبارزه عامل مهمی در نقش برآوردن این رویای امپریالیستی بود. الفتح خود در سال ۱۹۵۹ بوسیله عده‌ای از روشنفکران میهن پرست فلسطینی پایه گذاری شد و تا سال ۱۹۶۵ که جناح نظامی آن (عامه) مبارزه مسلحانه را آغاز کرد کمتر کسی از وجود آن اطلاع داشت. تا این سال، فتح توانسته بود حدود ۴۰ نفر را عضوگیری کند. در درون این جنبش ملی گرایشی های مختلف ایدئولوژیک و طبقاتی وجود دارند. در این جنبش ملی ایدئولوژی خاصی مطرح نیست. ما تریالیسم، مارکسیست، مارکسیست، مسلمان، مسیحی و ... در کنار هم اند. فتح یک جنبش غیر مذهبی (لائیک) است. همچنین از کارگروه‌ها ن گرفته تا عناصه سر دموکرات و حتی لیبرال. آنچه آنها را در کنار هم جمع میکند استراتژی واحد از دگر بن فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه و ایجاد "دولت دمو - کراتیک فلسطین" است. پایگاه عمده این جنبش را دهقانان تشکیل میدهند و آوارگان، روشنفکران و حتی کارگرانی که تا تیرات منشا دهقانی خود را کاملاً حفظ کرده اند.

بطور کلی از عملکرد الفتح در پهنه مبارزه انقلابی فلسطین میتوان نتیجه گرفت که این جنبش بدلیل پایگاه وسیع توده‌ایش، عموماً خطی دموکراتیک فدا امپریالیستی فدمیهونیستی را دنبال میکند. اما این جریان بدلیل ماهیت و ترکیب طبقاتی رهبری آن دارای گرایشات مشخص سازشکارانه نیز می باشد. گرایشاتی که تا بحال ضربات مهمی هم به جنبش زده و مسلماً در آینده نیز خطراتی برای انقلاب فلسطین بسیار خواهد آورد.

## ۳- جبهه خلق برای آزادی فلسطین

این جبهه در اوایل سال ۱۹۶۷ در نتیجه متلاشی شدن "جنبش ناسیونالیستهای عرب" بوجود آمد. جنبش ناسیونالیستهای عرب که در سالهای ۱۹۵۰ بوسیله برخی از مبارزین

عرب منجمله دکتر زورژ حبش تا سپس شده و یک حزب سراسری عربی نیرومند را تشکیل میداد، پس از شکست تجربه‌های وحدت دول عربی و نیز شکست تجربه‌ها در میمدرقا بله با اسراشیل (ژوئن ۱۹۶۷) از هم پاشید. رهبران و اعضاء فلسطینی این جنبش، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" را بنیاد نهادند. و پیروی از خط مشی مارکسیسم لنینیسم را رسماً اعلام نمودند.

بدون شک این تحولی بزرگ از فرمیسم به انقلاب، از ایده‌آلیسم و التقاط به ماتریالیسم دیالکتیک بود. این جبهه معتقد است که برای حل مسئله ملی (آزادی فلسطین و حل تضاد بین میهنیسم و خلق عرب و نیز تضاد بین امپریالیسم و خلقیای تحت ستم) چاره‌ای جز اتخاذ خط مشی مارکسیستی لنینیستی نیست. این جبهه که میکوشد بتدریج بصورت یک سازمان مارکسیستی لنینیستی درآید "در مجموع عملکرد انقلابی - دموکراتیک دارد و عمدتاً با یگان روشن فکری و از قشار متوسط و آگاه فلسطینی است. مواضع مشخص و مبارزاتی این جبهه بخصوص شخص ژرژ حبش مورد قبول و احترام جناح‌های گوناگون است. این جبهه هر چند دارای اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی مشخصی با الفتح می باشد و از رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین انتقاداتی صریح میکند، اما خود در درون شورای ملی فلسطین و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین عضویت دارد و در موسسات توده‌ای وابسته به این سازمان نظیر اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، دانشجویی و ... و نیز بودجه عمومی، عضو است و فعالیت دارد. این جبهه در رابطه با الفتح سیاست وحدت - مبارزه را دنبال می نماید، که در هر مقطع زمانی یکی از اینها غالب است.

نه این جبهه و نه دیگر سازمانهای فلسطینی که ایدئولوژی خود را مارکسیسم لنینیسم می دانند با رویزیونیسم یا مقوله سوسیال امپریالیسم مرزبندی ندارند. همه آنها با اتحاد شوروی روابط حسنه دارند. برخی از آنها فرصت طلبانه حتی شوروی را هم پیمان استرا - تزیک فلسطین می نامند با اینکه برهنگان روشن است که اتحاد شوروی اسراشیل را در درون مرزهای سال ۶۷ به رسمیت می شناسد و خواستار آزادی کل فلسطین نیست. ما در آینده مقالاتی



دکتر زورژ حبش، رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین

از جبهه خلق برای آزادی فلسطین در پیکار خواهیم آورد تا خوانندگان بیشتر به مواضع این سازمان انقلابی فلسطینی آشنا شوند. ما قطعاً نه‌ویسی هیچ تردید و بنا بر اصل لنینیستی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش از مبارزه عادلانه خلق فلسطین در راه آزادی و استقلال و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی می کنیم. وجود این ضعف یا آن انحراف در سازمانهای رهبری کننده - که با آن مرزبندی می کنیم - هرگز موجب آن نخواهد شد که ما نسبت به حمایت از انقلاب خلقی تحت ستم علیه امپریالیسم اندکی تردید بخود راه دهیم و گرنه در همان ورطه فساد انقلابی "سجها نت" - ها خواهیم افتاد!

## ۴- جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

این جبهه در سال ۶۹ از انشعاب در جبهه خلق برای آزادی فلسطین بوجود آمد. رهبری این جبهه را نایف حواتمه بعهده دارد. مواضع این جبهه از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی، بسیار به مواضع حزب توده ایران نزدیک است و شاید همین اشاره کافی باشد بوجود آمدن این جبهه یک انشعاب اپورتونیستی "چپ" بود که سرانجام به مواضع راست (مثلاً زمانی به حذف مبارزه مسلحانه) انجامید. البته این جبهه همراه با دیگر سازمانهای فلسطینی در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی عملیات انقلابی مسلحانه هدا دارد. آخر در پهنه مبارزه فلسطین آنکه عملیات مسلحانه ندا شده است، قیمتی ندارد. این جبهه بطور نسبی از انشعاب تشکیلاتی و تشویریک مناسبی برخوردار است و عمدتاً پایگاه آن روشنفکری است.

## ۵- الصاعقه

این سازمان را میتوانناخته فلسطینی "حزب بعث سوریه" معرفی کرد. این سازمان از جمله سازمانهایی است که در نتیجه مذاخه - گری رژیمهای عربی در مسئله فلسطین و جهت تامین نفوذ آنها در درون جنبش مقاومت بسه وجود آمده. از این سازمان کاری بنفع فلسطین ساخته نبوده و هر چه کرده چوبی لای چرخ انقلاب فلسطین بوده است. این سازمان تنها در سوریه و فعلاً در لبنان وجود دارد و واقع تابع ارتش سوریه است. البته قدرت چندانی ندارد که در مسیر انقلاب فلسطین اثری بگذارد. این سازمان در جریان تاج و زوریه به لبنان (سال ۱۹۷۶) از درون انقلاب فلسطین و نیز از لبنان تصفیه و موالش مده شد. و رهبران زهی - محسن که چندی پیش ترور شده از لبنان فرار کرده بعد به کمک سرباهای سوریه به لبنان بازگشت.

## ۶- جبهه آزادیبخش عرب

این هم نظیر ما عقده است، لیکن ساخته عراق. کاری در زمینه مبارزات انقلابی فلسطین ندارد تنها با نفوذ و تحمیل عراق چند کرسی در مجلس ملی فلسطین و یکی هم در کمیته اجرائی دارد که البته کاری از آن بر نمیآید.

## ۷- جبهه مبارزه توده‌ای

این جبهه، در سال ۶۹ بوجود آمده و رهبری آن را دکتر سمیر غوشه بعهده دارد.

## حزب توده، حزب معامله است، نه مبارزه

"مردم" ارکان مرکزی حزب آمده بود. لازم بود مدتی مدیدی مدیدی ملاً سارده رور آری فقط بازده رور بگذرد تا شاهداسم که همراه سار حرکت ارسان روسی اس بناگهان ۱۸۰ درجه تعبیر موضع دهد و در مورد حقیقت الهامین جسی را بگوید که بازده روز قبل آرآن درست عکس آن را سلفورمی کرد. در "مردم" شماره ۱۳ مورخ یکشنبه ۹ دیماه در مقاله ای راجع به افغانستان ارجله چنین می‌خواسیم:

"... متاسفانه فدا انقلاب توانسته بود در داخل رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان نیز نفوذ کند. اوج توطئه فدا انقلاب بصورت قتل بدون محاکمه نور محمد ترکی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ توسط حقیقت الهامین بیروز کرد. (البته آقای کیانوری هم امروز متوجه چنین توطئه‌ای شده اند!) ... ما نبروه‌های انقلابی افغانستان که از پشتیبانی توده‌های عظیم زحمتکشان برخوردارند، بموقع متوجه این خطر شدند و توطئه گروه فدا انقلابی به رهبری حقیقت الهامین را خنثی کردند و ..."

(تا کیدها و برانتها از ما ست - بیکار)  
برای اینکه خواننده مادیگر هیچگونه تردیدی در دودوزبازی این دلال ضتوده را بخود راه ندهد، اظهار نظر سردلال این حزب معامله‌گر یعنی آقای کیانوری را از روزنامه کیهان شنبه ۸ دی ماه نقل میکنیم. او در باره حوادث افغانستان می‌گوید: "به عقیده ما مساله افغانستان یک امر داخلی است (بر متکرش لعنت! لابدا شغالگران روس هم بر همین عقیده اند!)؟ که طی آن یک جریان امپریالیستی سرکوب شده است."

اری درست ۱۰ روز قبل از این اظهار نظر آقای کیانوری و حزبش معتقد بودند که باید این دست را (دست این جریان امپریالیستی را) فشرده!!

"مردم" افغانسان علیه امپریالیسم و عمال آنها، علیه ارسان و ونودا لیا فسام کردند و دولتی که اکنون دارند در خدمت توده‌های مستضعف افغان است و می‌خواهد استقلال آزادی و رفاه را برای اینها تامین کند و در این باره "مردم" شماره ۱۲۱ حملاتی را که خوانندید از "مردم" شماره ۱۲۱ مورخ چهارشنبه ۲۸ آذر، مقاله ای تحت عنوان "دستی که با بدمنده"، براینسان نقل کردیم. نویسندگان مردم در این مقاله ضمن تعریف و تمجید از حقیقت الهامین و دولتی که او رهبری را می‌کند، از مقامات ایرانی می‌خواهند که دست این دولت را که "در خدمت توده‌های مستضعف افغان است و می‌خواهد استقلال... را برای اینها تامین کند و ریشه امپریالیسم را بکنند"، بفشارند! غافل از آنکه ارسان روسی‌شان چنان خوبی برای این دولت "فدا امپریالیست" و "در خدمت توده‌های مستضعف" دیده‌اند که روح آقای کیانوری و حزبش از آن خبردار نیست:

سویال امپریالیسم روس تصمیم می‌گیرد دست حقیقت الهامین را که دیگر "امین" نیست قطع کند. نه برای آنکه چون سوی هیئت حاکمه ایران دست دراز کرده، بلکه صرفاً به این دلیل ساده که دیگر کاری از او بر نمی‌آید. و چنین بود که در یک چشم بهم زدن حقیقت الهامین عامل "امپریالیسم آمریکا" از آب درآمد تا راحت تر سرش زیر آب رود!

کودتایی که در پنجشنبه گذشته صورت گرفت سومین کودتا از نوع روسی بود که در ۲۰ ماهه گذشته در افغانستان بوقوع پیوست. در همین حال این اولین کودتایی بود که با کمک مستقیم دهها هزار سرباز روسی که از قبل راهی آن دیا رده بودند، جامعه عمل بخود پوشید. ما در بالا جملاتی را از قول حزب توده نقل کردیم که درست یک هفته قبل از کودتا، در

بنده از صفحه ۲  
جرا امرانتظا ما ...

روزوای و مدخلی خود را نه کرسی بنانند و قط زاده میکوسدا چسایدن خود سه جسمی سیاستی ارتجاعی رهبران قدر سمده سی رانعل نه نعل دننال نماید. در اس مانه همه این سیاستها و روشها تحت تا سیر فسا رحسسی نوده ای و در عین داسن محورهای مسترک سا بکدیگرتضا دم میکنند و در کوتا ه زمان درگیری ها ئی را میان گروهیندهای حاکم موجب میشوند. از این جهت است که می بینیم ما هیا امیرانتظا موا مثال و مورد حمایت وسیع رهبران خرده بورژوازی واقع میشوند اما در شرایط حاد و بحرانی امروز و زیر فشار جرجان نبرو منندی از سوی توده ها و نیروهای انقلاب، اسناد وابستگی ایشان به سیا و امپریالیسم رومشود. چرا که اکنون اوضاع متحول و پرتلاطم بحران - های عمیق اقتصادی و سیاسی و وجود تضادها و اختلافات درونی جناحهای حاکم راهی جز این در مقابل خرده بورژوازی نمی نهد که با راندن مقطعی و ناپیگیرانه چهره های رسوا و آشکارا ضد خلقی و وابسته حیات سیستم رانجات بخشد، اما همین امر بنوبه خود خارج از اراده و نیروی هر کدام از گروهیندهای حاکم تناقضات درونی سیستم رادامین زده به متلاطم شدن بیشتر اوضاع می انجامد. چرا که این تناقضات نه با عوش کردن مهره های وابسته به مداخل مختلف لیبرال حل دشنی است نه با روی کار آوردن عناصر سرکوبگروفا نیست. وجود بحرانهای درونی هیئت حاکمه! مرا جتنا بنا پذیری است که ریشه اش ترا با بد در حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و ما هیئت فدا انقلابی هیئت حاکمه و تضاد همسه جانبه و عمیق آن با خلق جستجو کرد.

بدین ترتیب که پیش میروند بنظر میرسد با دورانی پرتحول و متلاطم که با تا کتیکهای گوناگون هیئت حاکمه از عقب نشینی گرفته تا سرکوب و اجگیری بیشتر و بیشتر جنبش انقلابی در ایبادی بمراتب عظیم ترا گذسته روبرو باشیم.

## ۹- جبهه آزادی بخش فلسطین

این جبهه در جریان جنگ داخلی لبنان در سال ۷۶، از اشغال جبهه فوق بصد آمد. مواضع این جبهه از جمله ما در شان دیکالتر است. رهبری این جبهه را اوالعباس و طلعت یعقوب بعهده دارند.



این نظرات رویونیستی و لیبرالی که مدت کوتاهی اس در مواضع "انحادیه کمونیستیا" بطور آشکارتری اسکاس با فاسد و سیستم فکری او را بطور برجسته‌تری به نمایش گذاشته است، بدون شک بکاره شکل گرفته و یکبار به وجود مده است. رشته منظم و طرفی اس مواضع راه مواضع پیشین اس سروومنی اپورونیستی و بی عملی خارج سینیسی آن در زمان دیکتاتوری رژیم فاسد و مجموعه سیستم فکری - سیاسی و اندوژولوژیک آن که در یک کلام در فکری گمان سبک روس فکری هوالکوساری را انقلاب چس گرانشات رویونیستی قسلی آنها خلاصه می شود، متصل می سازد. ما در مقالات آینده خواهیم کوسدا فاس اناراب محضر اس اس بنسبه، و بوضوح بطرات آنها در دوره جدید و بطور مروج سردر معطع کوسی، رسد بحرا داسال کسم.

ادامه دارد .....

بنده از صفحه ۱۸

همدوش با انقلاب فلسطین ...

علیرغم حجم کوچک، مواضع نسبتاً مترقیانه ای دارد که با مواضع جبهه خلق نزدیک است.

## ۸- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی

در اهل اشعاسی بودا ز راست، که در سال

بنده از صفحه ۱۳

زیگزاگهای فدا انقلاب ...

آری این سخنان نه از آن "کمده مرکزی حزب توده" بلکه گفتاری است از حقیقت ارکان اتحادیه کمونیستی ایران، "حقیقت" سا گنودن چنین جبهه ای در عرصه سیاست آسب آسب روبرویونیستی می ریزد. گفت آرواین است که راسی راسی روبرویونیستی در مواضع سیاسی "حقیقت"، که او را محبور به تبعیت مسروط ارطامام جسمی نموده است، احزاب سحره کساروسا اس سربس سربسببدا کرده است بطوریکه در مقالات آن ارکلناسی نظیر "سطلان سرک آمریکای چنا بکار" (حقیقت شماره ۴۶)، "اس سطلان سرک سن الطلسی" (حقیقت ۴۶) و "در ضمن مبارزه با رسکاری و فاسی منحرفس و منافقین" (ص ۲ حقیقت ۴۷) ... اسناده می بود!

### گرامیداشت خاطره هر شهید خلق پاسداری از خون تمامی شهداست

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ سالن ورزش دانشکده پلی تکنیک هزاران نفر را در دل خویش جای داده بود. همه گرد آمده بودند تا خاطره رفقای شهید، ۱۵ ستاره فروزان آسمان جنبش خلق را بی یاد نهند. تما ویرمیمی رفقای ما بردودیدوارسا لن نقش بسته بود. برفراز هر تصویر ستاره ای می درخشید به فروزندگی آرمان شما می شهیدی راه خلق. این تصویرهای گرمی نظاره گرسودها و بیبا مها وسوگندها می بودند که از فضای سالن می تراوید، و با خود شورمبارزه داشت. آری، مبارزات شهیدان ما با تمامی کاستی هایش، کوله بار آینه است و هر شهیدتحمسما می شهیدان و تجسم آرمان خلق است. فضای سالن از عشق انباشته بود، لبالب از مهر و شور. گروه گرسودها پرتنفس، بیبا مها می از جانب سازمانهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان مبارز، سربازان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان مبارز، خواننده شد. شما می این بیبا مها بر ضرورت ادامه مبارزه خلق تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق ما، ورهائی از سلسله این دیوچهان خوار، تا کنید داشتند، و مبارزه ۱۵ رفیق پرشور ما را در جهت این آرمانهای مقدس، گرمی داشته بودند. شما می بیبا مها سرشار از زنگ و نغزت به سازش کاران و ضد انقلابیونی بود که راه مبارزه خلق را سد می کنند و در جهت منافع کثیفشان به انحراف می کشند، و شما می بیبا مها وظیفه نیروهای انقلابی و خادمو کمونیستها، این پیگیریترین پیکارجویان نبرد طبقاتی را در ارتقاء مبارزات زحمتکشان با زگومی نمودند.

جمعیت شما می بیبا مها را می گرفت و استقبال می کرد. صدای کف زدنهای سالن را به لرزه درمی آورد. از جانب خانواده های رفقای شهید، ها شوشیق پور، بهرام آرا، موما درمجا هد شهید هوشمند خا منهای بیبا مها می خوانده شد، سر بلندان از آنکه چنین مبارزینی در دامانشان پرورش یافته است، یاد آتان را گرمی داشتند و خاطراتی از آتان گفتند که سیمای قهرمانان رفیقان ما را روشن تر مجسم می نمود. با سخ جمعیت به خانواده های رفقای ما درود پر شور بود. بیبا می خاست و احترام خویش را آنتا آران می نمود. فضای سالن پر از سرود و شور مبارزه بود. وسینه ها انباشته از مهرتاما می شهیدان راه خلق یکی از رفقا، قطعه ای را دکلمه کرد، قطعه ای را که شما می آنجرا که بر میهن ما گذشته بود، شعرگونه، بیان می نمود. و فریاد می زد: روشننگران ما ما در خویش، توده ها، در آمیزید و انقلاب آینه را نوید می داد. سالن سراپا سکوت بود. وهمه می اندیشیدند که: آری بیبا مبارزات رفقا را گرمی داشت. و آزان درس گرفت، باید آزان با دگرفت، باید از اشتباهات مبارزات آتان آموخت، تنها در این صورت است که برستی شهیدان را گرمی داشته ایم. با ز سرود بود و شعر بود و درس و گاه جمعیت بیبا خسته شامی داد:

آمریکا، ارتجاع، ننگ به نیرنگان خون شهیدان می چکد از جنگستان



فرست طلبانی را که به قدرت خزیده اند طرد و مشتاقان را بازمی کند. در ادامه مدیبا مضمینگزارش کوتاه می از زندگی و مبارزات رفیق شهیدها شم وثیق پور چنین آمده است:

"زندگی تو مبارج از شخصیتی محکم و با اراده ساخته بود، و او را در مبارزه بیگیر و بی امان می نمود. وی با کینه و نفرت سر شاری که از جامعه طبقاتی و اختلاف طبقاتی داشت و از ستمی که بر زحمتکشان درجاء مع طبقاتی می رود درج می برد و در پی تماشای نزدیک با طبقه کارگران و زحمتکشان به یادشولوزی طبقه

کرد، عرب، ترکمن مبارز واقعی علیه امپریالیسم سرکوبگران خلقها هم دست امپریالیسم زنده و جاوید یاد راه شهیدان ما در مراسم بزرگداشت خاطره ۱۵ رفیق شهید، از طرف گروهها و سازمانهای مختلف و همچنین خانواده شهیدان بیبا مها می فرستاده شده بود که قسمتهائی از این بیبا مها را در زیر می خوانید:

(۱) پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت بزرگداشت خاطره ۱۵ تن از رفقای شهید بخش منشعبان سازمان مجاهدین خلق ایران. دوستان و رفقای گرمی!

امروز در اینجا گرد آمده ایم تا یاد رفقای شهیدمان را گرمی بداریم. شهدائی که در روزهای سیاه هر زیم دیکتا توری شاه مزدور تا آخرین نفس در راه آزادی و استقلال میهن از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی ورهائی زحمتکشان از قید و بند استعمار رزمیدند و در این راه ویر شکوهان باختند. درود بر همگی آتان! ۱۵ شهید پیکار، رفقا: هاشم وثیق پور، حسن سیمان الاهی، صادق فردد، نقوی، سیمین جریری، فرگس قجرعضا نلو، محمدحاج شفیعیا، رفعت افراز، محبوبه افراز، بهرام آرا، اکرم صادقی پور، فاطمه تیفکنجی، حوریه محسنیان، احمد صادقی قنبره، و رفیق شهید بقیه در صفحه ۲۳

کا رگر گراشید. پیام خانواد رفیق شهید بهرام آرا م: در این بیبا که توسط برادر رفیق شهید بهرام آرا م قرائت شد، ضمن بزرگداشت یاد شهیدان و کوشندگان و پیکارجویان راه آزادی و استقلال که در سالهای سیاه هفکان دمی از مبارزه با امپریالیسم و سگان زنجیری اش فروگذار نکردند و تجلیل از شهیدگان راه آزادی آمده است:

"یکی از این شیفنگان مبارزه و ایستاد بهرام بود. بهرام را در زمان دانشجوییش، در زمان بلوغ فکریش این چنین بخاطر می آورم که در خرداد سال ۱۳۵۰ بود که وی با طرا بینگه

(۲) بیبا خانواد شهیدها شوشیق پور: "امروز در اینجا گرد آمده ایم تا یاد تلاش قهرمانان ۱۵ رفیق شهید را گرمی داریم، گرد آمده ایم تا خاطره شهیدانی را زنده کنیم که در سالهای سیاه گذشته مطهرانه راه انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهن ما بودند. آمده ایم تا از شهیدانی یاد کنیم که آشتی ناپذیری و شهادت انقلابی شان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان میبخشید. چپا رمین سالگرد شهادت هاشم وثیق پور یکی دیگر از فرزندان خلق را در شاطی گرمی می داریم که خلق قهرمان ایران مبارزات فد امپریالیستی و مومکراتیک خود را هر چه بیگیر تر و با شگوه تر به پیش می برد و سوازشکاران و



محو است همچنان در سرگردان سگای ده ساله در خودتدا و میخند، در آجری امحایات با ساسان سحیلاتی سرتکت نسب و ما رزه خود را بر علیه امیریا لیسیم و حایان مردودا طلس ارایس سنگریا مفتخارا داد مددا. دروسم شهریه بود که پس از ضربای که سه حسیه مبارزاتی بهرام و دوستانش در جریان حشهای تحمیلی و محوس نا هتنا هی واردند، او دیگر خانه را رها کرد و با آغا ززندگی مخفی، قدم به راهی گذاست که با شما می وجود آنرا طلب بود.

در قسمت دیگری از بیام آمده است :  
"یکی از بستگان ما که در راه بطیها بهرام در سال ۵۴ دستگیر و به حبس ابد محکوم شده بود شرح میداد که وقتی برای شناسائی جسد بهرام او را سه کمیته برده بدستهای او را که از میج قطع شده بودند هده نمود زیرا ابن خلادان دیوصفت از نقطه دوردستهای او را هدف اصابت گلوله قرار دادند تا قادر به هیچ عملی نبوده و زنده بماند اما هریمان گرفتار آمد، اما از بدن متورم و سیاهش این چنین مشهود بود که سیاه نورکا رخود را کرده بود و آنها هیچوقت به مقصود نرسیدند و این چنین ستاره فروزان دیگری در آسمان مبارزات رها شدی بخش خلق درخشیدن گرفت. اما بهرام مویا را زنده هاش زنده اند زنده در هر طریقی که علیه ظلم و بیادار خلقوم زحمتکشان میهنمان زیانه میکشد، زنده در تار و پود پیکار رجوی کارگران و محرومانی که در راه رها شدی خلق می زنده و با لخره زنده در طیش قلبیهای که برای آزادی و ایثار می تبند".  
(۴) پیام "یاران حیدر عمو و غلی":

در این بیام ضمن گرامیداشت خاطر ۱۵ رفیق شهید و تجلیل از مبارزاتشان آمده است :  
"بیامی آوریم که این شهیدان و جانبازان در زمان نیکبای زرگانها و سختسارها و... به مشاطه گری امیریا لیسیم و رژیم سلطنتی مشغول بودند و دستگل به جلادان خلق هدیه می کردند و آنها را که بزینها و قطب زاده ها و امیرانتظامها در سهای بازگشت به ایران را فرامیگرفتند، در مقابل امیریا لیسیم و ارتجاع داخلی قدامتگرا بودند و پرچم مبارزاتی خلق زنده ما را برافراشتند. (۵) بیام "اتحاد ما رزه در راه آزادی و طبقه کارگر در این بیام که با درود به همه شهیدان راه آزادی زحمتکشان آغا زنده، جشن آمده است :  
"رفقا! ما به گرامیداشت خاطر گمو - نیستهای قهرمانی گرد آمده ام که در تاریخ ترین دوران حباب خلقمان، در زبردتکتوری حنا بتکار ترس زرمحیان، به مبارزه برخاستند، ما تمام سربوایستادند و تا آخر حسیه قطره خون خود را در راه آزادی و لای طبقه کارگر در راه کمونیسم نثار کردند".

"رفقا! گرچه شهیدان ما در آن روز خود رها شدی که تجر به بودند و نه کوره راهی گرفتار شدند، لکن آنان ساتلان بگیران، سا ندا کاربان با اسواربان و با سمارتنگی - ما با آموختند که چگونه با سدر راه آزادی ما را اجنبای حوس ما رزه کرد و ارجان خود کدست. آنان در همه جا حوس کردند، در میدانهای اعدام در سربسکجه ها و در هر لحظه ریدگی حوس".

(۶) بیام عددی ارکا رگران کرد و بولندی بهرام و کاسی ابراهیم :  
ما روزه ارکا رگانها که راجع به سید

و ابراهیم را با لک در سیداد ۱۵ سید در زنده بخون حسد در راه آزادی طبقه کارگر را می ندایم با سدروری که ما را و ان سنوان طبقه کارگر را به سبب از راه آزادی را هر حد سرچ کون سر کنیم.

زنده با دراه شهیدان بخون حسد آزادی مرگ برای امیریا لیسیم آمریکا دمن اصلی طبقهای ابراهیم

سربوز ما دمبارزات راستین حطیها به رهبری طبقه کارگر

سرفرا ربا دجمهوری دموکراسیک خلق

(۷) ما مدامشجویان و دانش آموزان هوادار ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درود بیکران بر همه شهیدان راه آزادی و استقلال میهن، درود بیکران بر همه شهیدان راه آزادی طبقه کارگر.

اکنون در آستانه گرامیداشت یاد شهید دلاور خلقی، پاس بدایریم راه جانبازان دلاوری را که با فریاد مرگ برای امیریا لیسیم و سینه های گرم و سراسر از عشق به زحمتکشان در فضای سیاه خفقان آریا مهری در میدانهای شیرودرخیا با نهای نبرد سروسرخ فردای آزادمیهن را ترنم می کردند. دلاورانی که گرچه به بینش پرولتری دست نیا فته بودند، اما با عشق به پرولتاریا و آرمانهای سرخ او، با جانبازی های بیکران خویش، در شکنجه گاهها، در میدانهای تیر و در کوجه های رنج خیابانهای خلق، آرمانهای سرخ خلق را مآدا و رمی شدند.

اکنون از شهیدان این رفیقان مدت زیادی نمی گذرد. اما جنبش خلقیهای قهرمان میهن بسیار در سها به همه انقلابیون آموخته است.

دیگر کمونیستهای میهن میدانند که باید با خلق و در کنار خلق رزمید، با بردن سوسیا لیسیم علمی بدون جنبش طبقه کارگر با این یگانگی طبقه تا به آخر انقلابی در آمیخت و بسوی رهبری جنبش دموکراسیک میهن به رهبری طبقه کارگر بسوی نابودی امیریا لیسیم ساخت. اما علیرغم این درسها، کمونیستهای هوا رها بدجا و دانسته این شهیدان خلق را پاس می دارند. دلاورانی که با شهادت و جراتی خلقی و انقلابی، بسی - محابا به امیریا لیسیم یورش می بردند و خواست و اراده ای جز تحقق بخشیدن به آرمان خلقی ندا شدند. ما جانبازان را با س می داریم و در راه خلقیهای قهرمان میهن چون آنان آمده است

جانبازی هستیم، ما از ستارگان شهیدان قهرمانیم. ما ارتبایر همه کمونیستها که خسون سرحان بر حرم کمونیسم را رنگین ساخته است، هستیم. خون این ۱۵ شهیدان کون ما خسون هرا را سهد دلاور خلقی در دوما لاه اخبر در آمیخته است. شهیدان دلاوری که برای نابودی امیریا لیسیم جنگیدند، ما با س از هزاران شهید هوز در سبه راه انقلاب دموکراسیک میهن به غلب خیانت سوز زوی لیبرال و نیمه کاری حرد سوز زوی مرغه ما نداده ام، خلقهای ما ما س همه شهیدهای جز سرتنگوی رزم سوما - داری و استو سرتقاری جمهوری دموکراسیک خلق ندا سند. اما سوز سرتنگی سرتنگی و سرتنگی ما سرحا سب و در هتک خاکه سوز سوزگان امیریا لیسیم ارفما س سسیها، سردیها، حمران - ها و قط راده ها و... و دیگر مردوران سحسم می خورد. اما ما امیریا لیسیم در کورمان نمود

دارد ما ر در حمتکشان سرحا سب ما سسم و

اسما رطفا سب هست ما رزه انقلابی سوده ما هم خواهد بود. و ما در آستانه گرامیداشت یاد ۱۵ شهید دلاور خلقی و دیگر شهیدان راه آزادی طبقه کارگر، سوگند می خوریم که به آرمان سرخ - ساسان و ما در سبب و راه انقلابی سرخشان را با سید ما رحتکشان و بویزه طبقه کارگر، نسا ما سودی کامل امیریا لیسیم و سس تا بسش خورشند سوسا لیسیم محدود و سرحب سبب ما ستم.

ما سحویان و دانش آموزان هوادار ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

(۸) ما زمان سکار در راه آزادی طبقه کارگر رفتنای انقلابی!

ما، همگام با شما بزرگان دانش خا طره ۱۵ شهیدی که در سلهای سیاه خفقان در راه آزادی خلق جان باختند، گرامی می داریم و در تداوم انقلاب دموکراسیک و ضدا امیریا لیسیتی خلقهای قهرمان ایران، سمان می بندیم تا پیروزی نیای انقلاب و برقراری جمهوری دموکراسیک خلقی از پای سنجینیم.

زنده و حایوید ما یاد شهیدان خلقی! خلقهای می زمند، امیریا لیسیم می لرزد! مرگ برای امیریا لیسیم و ارتجاع داخلی! "اتحاد به ما دشجویان ایرانی در او مشغول سوشد" (طرفدار ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

۵۸/۱۵/۶

(۹) بیام زمان توده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان (ستاد):

در این بیام ضمن تجلیل از شهیدان راه آزادی و استقلال ایران آمده است :  
"۱۵ شهید زنده که ما روز با یادشان کردیم آمده ایم، اگر ان آسمان سیاه سلهای ۵۰ هستند. سالهای که ما زشکاران و مامانات جهان در سبتوها به دستخا رنه شده بودند و صبر و انتظار نظاره گرامی واقع بودند".

در قسمت دیگری از این بیام آمده است :  
"یاران شهیدان فرزندان توده های زحمتکشان میهن اند و بزرگان دانشان نیز می باید از سوی توده ها برگزاشود، و اگر امروز جنبش نمی شود اگر امروز می گوشند تا خلق را از فرزندان نشان جدا کنند و اگر امروز به نیروهای انقلابی و شهیدان بشیر ما نه می تا زند، فردا با سربای جمهوری زحمتکشان، جمهوری دمو - کراسیک خلقی، توده ها فوج فوج با یاد فرزندان دلیران گردخواهند آمد".

(۱۰) بیام "دانشجویان بیسگام پلی تکنیک":  
بیا ما با نگاهی تحلیلی به وقایع کشور و تا کید سربل زوم سعمیق ما رزه ضدا امیریا لیسیتی توده ها و فضای لیبرالها و خاشس به مردم آعاز می شود. در سها مدامشجویان بیسگام از حمله آمده است :

"در این لحظات دوران ساز و در شرا یطی که ما رزات خلقی قهرمانان سوغلبه امیریا - لیسیم و سرتنگی سراج تازه ای ساخته است و در سرتنگی که کارگران و زحمتکشان میهنمان ما سحاد خود، با ارا ده بولادن و سوزان سیر - سوان خود می رید ما سرح سرح پیروزی را در قطره آزادی برافرا سته ما زند، سوگند می کنیم که برای ما ساری ارجون سهدا ما آمده اند در راه آنها که ما را رها شدی کارگران و زحمتکشان میهنمان ارفما امیریا لیسیم سوما سهدای و سبای ایرانی آزادی دموکراسیک می ساد، لحظه ای

بقیه از صفحه ۲۴  
گرمای باد خا طره ...

رهاش زنان را در نابودی رژیم سرمایه داری  
وابسته‌ها مهربا لیسیم و سرانجام در نابودی  
جامعه طبقاتی میدید. رفیق لیلی یکی از  
افتخارات زنان مبارزان است که در آن روزهای  
سیاه ففقان و شکست و اعدام - که بسیاری از  
مدعیان انقلابیگری امروز را حتی بیارای  
اندیشه مبارزه نبود - پیش از آنکه مصیبت  
به جرگه مبارزان انقلابی پیوست .

رفیق لیلی زمره مبارزان در اسفندماه سال  
۱۳۲۸ در خانوادهای مرفه مذهبی متولد شد. از  
دوران دبیرستان در محافل و مجالس مذهبی  
تظریح‌حسبیه ارشاد و ... شرکت می نمود. پس از  
طی دوره دبیرستان در آموزشگاه عالی خدمات  
اجتماعی با قبول او "موسسه مدکار" به ادامه  
تحصیل پرداخت ، تحصیل در این مدرسه و شرکت  
در فعالیت‌های نظری و عملی و تحقیقاتی آن برای  
رفیق لیلی شرایط نسبتاً مساعدی بود تا بتواند  
از دیدگاه‌های علمی تربیانه‌ها و اجتماعی و در  
ورنجه مردم آشنا شود. او میگفت : "تحصیل و کار  
در این موسسه علیرغم هدفی که دنبال می‌کنند  
برای بسیاری از دانشجویان من جمله من فرصت  
خوبی بود تا هم از لحاظ معرفتی ، با پدیده‌های  
نظام سرمایه داری آشنا شوم و هم با چشمان خود  
عوارض اجتماعی آنرا مشاهده نمایم ."

آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی برای  
موسساتی نظیر کارخانه‌ها ، دانشگاه‌ها ، بیمارستانها  
و ... مددکار اجتماعی تربیت می‌کنند .  
رفیق در یکی از گزارشاتش درباره این موسسه  
در سال ۵۲ مینویسد :

" وظیفه اساسی ای که به مددکاران محول  
میشود ، اینست که با ایجاد تماس و آشنا شیبهای  
نزدیک با کارگران ، دانشجویان و ... ضمن حل  
برخی مشکلات موضعی و موقتی آنان از طریق  
جلب کمک از موسسات بورژوازی و سازمانهای  
"خبریه" ذهن آنان را از توجه به ریشه‌های اصلی  
مشکلاتشان منحرف ساخته و اینطور وانمود می -  
کنند که : گویا همه بدبختیها و نابسامانیهای  
مردم از خودشان و ناشی از عقب افتادگی ،  
بی ارادگی ، بی فرهنگی و ... فرد فرد آنهاست  
نه ناشی از نظام اجتماعی موجود ، در این نظام ،  
همه راه‌حلهای موجود است و این خود فرد است که  
بواسطه تنبلی ، نا آگاهی و ... به آن دسترسی  
ندارد . همچنین مددکاران موظفند با تهیه  
گزارش از وضع مردم و تاراجیهای موجود در  
بین آنان به رژیم کمک کنند تا قبیل از تاجران  
اعتراضات و تضح گیری جریانات ضرر زیمسی ،  
صنعی و سیاسی ، از آن اطلاع حاصل کس کرده و  
اقدامات پیشگیرانه بعمل آورند . همچنین برخی  
از مددکاران با ساواک همکاری میکنند ، در  
حالی که کم نیستند کسانی که با استفاده از  
موقعیت شغلی خود به روشنگری سیاسی و  
آگاهانندین کارگران و ... می پردازند ."

در سال ۲۹ زمانیکه هنوز دانشجوی بود در  
ارتباط سمبانتی با سازمان مجاهدین خلق  
ایران قرار گرفت . پس از ضرباتی که در شهریور  
۵۵ به این سازمان وارد آمد ، ارتباط رفیق  
قطع شد ، اما علیرغم مشکلات و محدودیتهای  
زیادی که داشت از تلاش برای خودسازی و تجدید  
ارتباط با سازمان بازنایستاد. اسارت برادر  
مبارک : از مشاهده نداشتن : اوضاع است .

۵۵ ، برای او محلی ساخته بود تا بتواند در  
ارتباط با جلسات خانوادهای شهدا و زندانیان  
سیاسی شرکت نموده ، هم در فعالیت‌های اعتراضی  
و افشاگرانه آنها شرکت نماید و هم از این طریق  
ارتباط ضعیف خود را با سازمان حفظ کند .

در اسفند ۵۱ زمانیکه پس از پایان دوره  
دانشکده بعنوان مددکار در بیمارستان کورش ،  
(در منطقه عودلاجان تهران) بکار مشغول شده  
بود در پوشش یک کارگر رنیا زند به کمک ، با او  
تماس گرفته شد تا اینکه در حوالی نوروز ۵۲ به  
بیانه مسافرت عید از خانوادها جدا شد و به زندگانی  
مخفی پیوست .

رفیق لیلی بسیار باهوش ، با استعداد ،  
فعال و پرتوانی و در برخورد با مسائل مبارزه  
پیگیر و فعال بود ، او به کار فعال لیت پرشور و  
استقامت در سآموز خود و همچنین آمسوزش  
ما رکسیسم - لنینیسم و کار در از مدت در کار -  
خانه‌ها توانست بر بسیاری از مشکلات غلبه نموده  
و درک درست تری از خود و مبارزه بدست آورد .  
او در دوران کار مخفی اش در جریان کارآموزی  
و پس در چارچوب کلی تر کار سیاسی - تشکیلاتی  
بخش منشیان سازمان مجاهدین خلق ایران  
در درون طبقه ، به کارگری در کارخانه پرداخت  
حدوداً شش ۵۲ مدتی در کارخانه داروسازی  
دکتر عبیدی واقع در جاکرج در قسمت بسته -  
بندی به کارگری پرداخت ، همچنین از زمستان  
۵۲ بعبعد متناوباً به فعالیت خود در کارخانه  
قرقره زیبا ، کفش ملی و ... ادامه داد و گزار -  
شات قابل توجهی نیز برای سازمان تهیه نمود  
در ۱۴ دیماه ۵۵ یعنی پس از قریب ۵ سال  
کار مخفی انقلابی در خالی که بعنوان یک کارگر  
در کارخانه کار میگردید از این طریق به -  
ارتباط سیاسی - تشکیلاتی بخش منشیان از  
سازمان مجاهدین با طبقه کارگر ، کمک مینمود ،  
در راه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی  
ایران ، در راه آرمانهای والای طبقه کارگر ،  
بدست مزدوران شاه جنایتکار ریشهدار رسید .

مردمی که عمر روز ۱۴ دیماه ۵۵ از حوالی  
شوش - شهاب میگذشتند ، زنی چادر بر سر در  
خیابان دیده بودند که پس از پیداه شدن از روی  
کارگری کارخانه ، از درون اتومبیلهای کمیته  
هدف رنگبارمسلل واقع شد و در خون خود در غلغله  
رژیم ، شهادت رفیق لیلی (مدیقه) را هم -  
چون شهادت بسیاری دیگر از انقلابیون مسکوت  
گذارد ، در خالی که توده‌های انقلابی و آگاه ما  
هرگز یاد او دیگر شهیدان را آزادادی و استقلال  
ایران را از یاد نخواهند برد .

خاطره این رفیق شهید را ارج میگذاریم و  
با خون او مجدداً پیمان می بندیم که -  
توده‌های زحمتکش همواره وفادار باشیم .



### توضیح مجدد در مورد هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی رفیق شهید فاطمه تیفکتچی

همانطور که در پیام روز بزرگداشت ۱۵  
شهید رزمنده یاد آور شدیم ، "... ما از یک طرف  
شاهد پیراهن عثمان کردن اشتباهات گذشته و  
کوشش برای لوث کردن خون شهیدانمان هستیم  
و از طرف دیگر شاهدیم که چگونه تنگ نظران بسه  
نا درست برخی از شهدای افتخار آفرین بخش  
منشعب را بخود نسبت می دهند ، هر چند که در  
مواردی مجبورند بعد از ادعای خود را پس  
بگیرند . غافل از اینکه تمام شهدای راه آزادی  
و استقلال در پیش ما عزیزند و اینگونه برخورد  
به هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقا  
قبل از هر چیز تنگ نظری این مدعیان را به  
نمایش می گذارد . انتساب رفیق شهید  
تیفتکچی بخود ، یکی از اینگونه برخوردهای  
محدودنگرانه است . " در اینجا با دیگر تکرار  
می کنیم ، که همه شهدای راه آزادی و استقلال  
میهن اعمار همراهموسلکی در پیش ما عزیزند .  
اما ما هرگز اجازه نمی دهیم که هویت ایدئولوژیک  
تشکیلاتی شهدای خلق فرصت طلبانه تحریف  
گردد ، ما همانطور که عمل اپورتونیستی و  
شیادانه " سازمان انقلابی " را در انتساب ۷ شهید  
که با توطئه ساواک - نها ونندی به شهادت رسیدند  
افشاء می کنیم (شماره ۳۵ پیگار) و همانطور  
که عمل مرتجعین " حزب جمهوری اسلامی " را که  
شهدای انقلاب دمکراتیک و فدا مهربا لیستی  
خلق را بدون هیچ توضیحی به اسم خودشان چاپ  
و بخش می کنند و از این طریق می خواهند برای  
خود آبرو و حیثیتی کسب کنند ، محکوم می نمایم  
در اینجا نیز نمی توانیم از حقیقت دفاع نکنیم  
با این توضیح که این اولین بار هم نیست که  
ما با تحریف هویت ایدئولوژیک - تشکیلاتی  
رفقایمان و روبرومی شویم . قبل از این نیز  
جمل واقعبند در مورد رفقا چون رفیق شهید  
حسن آلاپوش و رفیق شهید محبوبه متحدین مواجه  
بوده ایم و هنوز هم هستیم ، چرا که عکس آیین  
رفقا با آرم سازمان مجاهدین خلق ایران در  
کوی برزن دیده میشود و با روزنامه امت (ارگان  
جنبش مسلمانان مبارزان) که سه‌هفته‌ها از آن شده در  
حالی که خود سازمان مجاهدین بد رستی از انتساب  
این شهدا بخود ، خود را می‌بیند ، کوشش مینماید  
رفیق حسن آلاپوش را مذهبی معرفی نماید .

در مورد رفیق شهید تیفتکچی نیز از آنجا  
که رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در بر -  
خورد به جریانات و تشکیلات درونی سازمان  
بین سالهای ۵۴ - ۵۲ نمی توان دانز و بسه  
علمی به قضا یا برخورد کنند بنا بر این در تحلیل -  
های خود زمسائل این دوره و انتقادات وار د  
به عملکردهای انحرافی ، به موضع گیریهای  
غیر سیاسی و تنگ نظرانه می افتد ، تا آنجا که  
در بررسی و تحقیق سوابق این رفیق شهید نیز  
دچار اشتباه شده و به تحریف هویت ایدئولوژیک  
تشکیلاتی وی می پردازد . ما در اینجا بسرای  
اینکه جای هیچگونه شبهه را باقی نگذارده ایم  
به گوشه‌های از زندگی رفیق پس از سال ۵۲  
اشاره می کنیم و سازمان مجاهدین خلق ایران  
نیز می خواهیم که با برخوردی مجدد و با تحقیق  
منصفانه و تصحیح اشتباه خود در این مورد مانع  
بعضی از شبهه‌ها گردانند .

بقیه از صفحه ۲۲

توصیح مجدد در مورد ...

از بحث ها وجدلهای غیر لازم و فرعی در بیست و نه توده ها گردید .

رفیق شهید تیغ تکی از اوایل سال ۵۳ تا اواسط سال ۵۴ با مجاهد شهید حسن ابراری هم-کلاس بود و تحت مسئولیت رفیق شهید منشی زه افتخاری کار میکردند . پس از جدا شدن مجاهد شهید حسن ابراری از سازمان در اواسط سال ۵۴ ، رفیق شهید تیغ تکی که به بخش منشعب پیوسته بود حاضر نمیشد همراهِ وی از سازمان برود ، رفیق همچنان تا اواخر سال ۵۴ تحت مسئولیت رفیق افتخاری بود و در تاپ کسردن قیام کارگر شماره ۱ (از انتشارات . بخش منشعب در آذرماه سال ۵۴) نقش فعالی داشت پس از جدا شدن رفیق منشی زه در اسفندماه سال ۵۴ رفیق در قسمت انتشارات سازمان فعالیت انقلابی خود را ادامه میدهد . او در تاپ و چاپ ویژه نامه های (منتخب از) قیام کارگر (که حدود ۷ شماره از آن در سال ۵۵ چاپ و منتشر شد) و همچنین تاپ و چاپ قیام کارگر ۲ نقش بسیار فعالی داشت همه رفقای که او را (با اسم مستعار رفیق مریم یا رفیق ) بخاطر دارند ، بدرستی میدانند که او با چه شور و شوقی و با چه حرارتی برای اینکه اعلامیه ها و مقالات هر چه زودتر آماده گردد ، روزانه گاه ۱۶ ساعت تاپ میزد! چرا که او بدرستی میدانست نقش آگای در او جگری مبارزات طبقه کارگر چه نقشی دارد . و در بخش قیام کارگر و سازمان آن به بخش های مختلف سازمان نیز نقش فعالی ایفا میکرد اما علامیه ها و نشریات را در زیر چاپ درو در کوجه پس کوجه های تهران بدست رفقایی دیگر میرساند و بدین ترتیب در امر ارتباطات نیز که بخصوص در آن زمان از اهمیت بسیاری برخوردار بود سهم بسزائی داشت .

پس از ضربات تابستان و اوایل پاییز سال ۵۵ در جریان تغییر مکان سازمان منتهی مجسد برای پاک کردن ردهائی که ساواک احتمالا به آنها دست پیدا کرده بود ، سازمان منشی رفیق نیز تغییر کرد و در یکماه آخریات انقلابی خود با رفیق شهید حوریه مستنیا همکلاس بود همراهِ او در یک خانه در حوالی میدان امام حسین (فوزیه) زندگی میکرد . در روز درگیری با مزدوران ساواک و شهادت رفیق برای فتوکی کردن یا بد اشتیای روزانه که از رفیق شهید بهرام آرام بجای مانده بود ، (بهرام حدودا ۲۰ روز قبل از وی شهادت رسیده بود) از منزل خارج شده بود و هنگام سارت این یادداشتها پیش او بود ، بهمین جهت پس از شهادت وی ، ساواک برخی از یادداشتهای رفیق بهرام را ، برای استفاده های تبلیغاتی در روزها صدها به چاپ رساند . ما تنها از این طریق مطمئن شدیم که او به جنگ ساواک افتاده است ( چون احتمال قطع قرار و گم شدن رفیق در آن زمان همیشه وجود داشت ) .

این بود گوشتی از زندگی رفیق شهید تیغ تکی ، با داو و همه شهدای بخون خفته خلق گرامی بساد .



بقیه از صفحه ۲۰

پیام سازمان پیکار ...

محمد رضا آخوندی که در طی ماههای آبان ، مهر و آذر سالهای گذشته بدست جانبا ن ساواکی و جلادان رژیم شاه در کوجه ها و خیا بنا ویا در شکنجه گاهای قرون وسطائی به شهادت رسیدند ، اکثر آ ز جمله رفقائی بودند که فعلا لیت خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران آغا نمودند ، و در جریان تغییر و تحولات درونی ، به بخش منشعب از سازمان مجاهدین پیوستند . از این پس هر چند که رفقائی همچنان در چرخه رچوب مشی چریکی عمل می کردند ، اما با بیوستن خود به بخش منشعب ، عشق و ایمان خود را به آرمان والای طبقه کارگر نشان دادند ، و شهادت انقلابی خود را در بریدن از دلبستگی های مادی و فکری گذشته در عمل بهادشای رسانندند ، چیزی که برای بسیاری از محدود نگران ، امر غیر قابل قبولی بنظر می رسید و هنوز نیز باورشان نشده است . بهمین خاطر است که ما از یک طرف شا هوپیرا هن عثمان کردن اشتباهات گذشته و کوشش برای لوٹ کردن خون شهیدانمان هستیم و از طرف دیگر شا هدیم که چگونه تنگ نظران بهنا درست برخی از شهدای افتخار آفرین بخش منشعب را بخود نسبت می دهند ، هر چند که در مواردی مجبورند بعدا دعای خود را پس بگیرند . غافل از اینکه تمام شهدا و راهزادی و استقلال در پیش ما عزیزند و یا یگونه برخوردار به هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقائی قبل از هر چیز تنگ نظری این مدعیان را به نامایش می گذارد . انتشارات رفیق شهید تیغ تکی بخود ، یکی از اینگونه برخوردارهای محدود نگران است .

دوستان و رفقائی گرامی!

امروز در شرایطی یاد این فرزندان انقلابی خلق را عزیز می داریم که برخی از غنچه های امید و آرزوهای این رفقا به شکوفه نشت است . برای این جانبا نان شهید ، قبل از هر چیز مهم این بود که توده های تحت ستم ، انقلاب کبیر خود را آغا زکنند ، گرچه آنها نتوانستند تحقق این آر زو را بچشم خود ببینند ، ولی با عشق و علاقه به خلق و تادم شهادت با آن زندگی کردند . ما دیدیم که چگونه این آرزو در فاصله بسیار کوتاهی از شهادت آنها به تحقق پیوست . آری ، توده ها انقلاب خود را آغا ز کردند و در یک مرحله با نشانها هزار شهید ، با سط سلطنت را به زبانه های تاریخ افکندند ، و ضربات جدی بر پیکر امپریالیسم وارد آوردند . از این پس بعد هر چند که با خیانت بورژوازی لیبرال و تزلزل و دنباله روی خرده بورژوازی مرفه سنتی از وی ، امپریالیسم و ارتجاع از مرگ حتمی و نهائی جان بدر بردند و هر چند که صاف بندی جدیدی از ضد انقلاب ، در مقابل خلق بوجود آمد ، اما همگی در طی دهه ها و نیم گذشته شا هدیم که اینها هیچکدام با نغ از پیروی با زهم بیشتر توده ها در جهت نابود کردن نظام سرمایه داری وابسته و قطع کامل سلطه امپریالیستی و نیل به اهداف دموکراتیک انقلاب ، نبوده است . آری ، طوفانی که از پیش از دسال پیش در میهنمان بر خاسته است ، علیرغم افت و خیزهایش هرگز میل به آرا مگرفتن ندارد . طوفانی که اجازه نمیدهد تا سلطنت طلبان دیپروزی ، و لیبرالهای ضد خلق ، و عمال سرسپرده امپریالیسم و تاسمی میسوه - چینان انقلاب به خواست های ضد خلقی خویش برسند ، و از نو کا کمیت سیستم سرمایه داری وابسته را تشبیت سازند . طوفانی که علیرغم یک دور سرکوب خائفا نه خلق کرد ، و زحمتکشان شهروستسا ، همچنان توفنده به پیش می رود ، و تا وقتی سیاست در میان توده ها ست و تا وقتی خلقهای ستمدیده در کوجه و خیا بنا نسبت به مقدرات خویش بی تفاوت نشده اند ، این طوفان همچنان خوا هد فرید .

اما میا رزه کارگران بر علیه سرمایه داران وابسته و بزرگ و علیه خورا میریا لیسم و اقتصاد میهنمان ، مبارزه دهقانان علیه زمین داران و صا دره زمینهای آنها ن بفتح خود ، صادره خانه ها و آرا رتسا نهائی سرمایه داران و وابسته و بزرگ بدست زحمتکشان و قیام خلقها و در اس آن خلق کرد برای احقاق حقوق حقه خویش و بختک مالیدن پوزه ارتجاع در گردستان ، همه و همه نشان می دهد که سیاست همچنان در میان توده های خوا هدمانند . علیرغم تغییر در تاکتیکهای هیئت حاکمه ، و هائیوی فدا میریا لیستی وی با زهم بین جنبش توفنده توده ها به پیش خوا هد رفقت و بساط هرگونه سلطه سرمایه داران در هر پیچیده و جمهوری دموکراتیک خلق را مستقر خوا هد ساخت .

اما آنچه در اینجا تعیین کننده است ، حرکت آگایا ها نه نیروهای انقلابی و در راستای همه نیروهای راستین طبقه کارگراست . تنها از طریق بسیج نیروی عظیم توده ها و مبارزه بر علیه تمام روییونیونیستها و سازشکاران است که میتوان توده ها را به اهداف انقلابی خود رهنمون گشت .

بکوشیم در این راه از زرمندگی و فداکاری شما می شهیدایمان بیا موزیم . بکوشیم در این راه از تجارب و آموزشهای تمام پیکار رجویان راستین خلقمان که جان خود را در راه انقلاب دموکراتیک و فدا میریا لیستی ، نشان کردند بیا موزیم ، و بکوشیم تا تمام آرزوها و امیدهای رفقائی شهیدمان را با پیروی از مشی بیولتاریائی دوران ساز بر آورده سازیم .

دوستان و رفقائی گرامی!

بار دیگر :

به ۱۵ رفیق رزمنده شهیدمان درود می فرستیم!

به ماد رانی که چنین فرزندان انقلابی و جانبا ز ی را در دامن خود پروراندند اندرود می فرستیم و بدستما می شهیدائی که خلق کبیرمان در آغوش خود پروراندند است درود می فرستیم . و بخون این شهیدان و تمام شهیدان خلق سوگند می خوریم که تا رسیدن به آزادی و استقلال میهن از چنگ امپریالیسم و ارتجاع داخلی و غنی کامل استثما رورسیدن به جا معبئی طبقه هرگز از یای نخوا هیمن نشست .

مرگ بسرا میریا لیسم و ارتجاع  
درود بر همه شهدای راه آزادی و استقلال میهن

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

### سوء استفاده از انقلاب فلسطین موقوف!

روزنامه "مردم"، ارگان حزب توده، که می‌کوشد برای همدستان خود در افغانستان آبرو- ثی دست و پا کند، اس با روقیحا نه (ونا شیانه) بفکرسوء استفاده از انقلاب فلسطین افتاده است و در شماره ۲ دیماه خود تلگرامی از یاسر عرفات به حفیظ اله امین رئیس (سابق) جمهوری افغانستان را چاپ کرده تا ثابت کند که انقلاب فلسطین از رژیم افغانستان حمایت می‌نماید. چنین سوء استفاده‌ای البته از حزب توده بعید نیست اما قضیه بهمین جا خاتمه نیافت.

روزنامه جمهوری اسلامی که سئوبه خود با رها چنین سوء استفاده‌ها ثی کرده از این نکته "بیل گرفته"، روز ۴ دیماه ضمن نوشتن جملاتی تحریک آمیز علیه انقلاب فلسطین از سفارت فلسطین خواسته که "جواب بدهد!" حزب جمهوری اسلامی همدا با دیگر نیرو- های ارتجاعی که خواستار ربیند کشیدن انقلاب فلسطین در جا رجوب هدفهای تنگ نظران و منافع خاص حویس همد، سروصداهای را در بیست توده‌های نا آگاه علیه این انقلاب دامن می‌زنند این حزب و کلا هیئت حاکمه ایران در قبال با زکردن یک دفتر برای فلسطین با وی آنکه تا کنون (پس از قریب یکسال) کمکی مالی، تبلیغاتی و تسلیحاتی به انقلاب فلسطین کرده باشند، بی آنکه حتی مقرسفات را شایل را در اختیار سازمان آزادیبخش گذا رده باشند، می‌کوشند هر چه بیشتر از آبروی انقلاب فلسطین برای تا شید مواضع ضد انقلابی خود سوء استفاده کنند و فلسطینیها را که میخواهند در بطن انقلابی ویران نه ای با خلقهای ایران در جهت آزادی فلسطین داشته باشند، تحت فشار قرار میدهند. حزب جمهوری اسلامی ما نند کلیه مرتجعین منطقه که از ترس توده‌شان ناگزیرند با انقلاب فلسطین روابطی داشته باشند، می‌کوشند در امور داخلی فلسطین مداخله کنند و این چیز نیست که انقلاب فلسطین همواره آنرا نفی و طرد کرده است.

تشریح خبری سفارت فلسطین در تهران (وفا) در تاریخ ۵ دی ضمن هندا ربه این هر دو روزنامه (که هر یک به "مذاق" خود کوشیده اند از فلسطینیها سوء استفاده نموده و آنها را تحت فشار قرار دهند) می‌ریسد:

"صمیمی که روزنامه "مردم" آنرا منتشر کرده در نامه (عربا به حفیظ الله امین) سوده است و با توجه به مسائل حساسی که در محتوای نامه سوده است اداره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین امکان انتشار را ععدم انتشار نامه را ملاحظه میکند." در قبال استگونه سوء استفاده‌ها که نیرو- های مرتجع از نام و آبروی انقلاب فلسطین بعمل می‌آورند، ما می‌گوئیم "سوء استفاده از انقلاب فلسطین ممنوع!"

### گرامی باد خاطره رفیق شهید لیلی زهردیان



"هیچ جنبش بزرگ ستم‌دیدگان در تاریخ بشر، بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبوده‌گا می به پیش بردارد. زنان زحمتکش، این ستم‌دیده‌ترین ستم‌دیدگان، هرگز از جریا ن اصلی جنبش رها نبخش کنار نمانده و نمی‌توانند بمانند."

"استالین"

و آگاهی نسبی از شرایط محیط، رفیق را بعنوان یک روشنفکر بسوی مبارزه کشانید. در تجربه‌های اولیه، رفیق به عقیم بودن محافل رفرمیستی بی بر دویه مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق یک زن انقلابی است که ستم‌دیدگی و محرومیت زن را در جامعه طبقاتی ما بخوبی درک می‌کرد و راه

یکی دیگر از چهره‌های انقلابی و فراموش نشدنی سالهای سیاه منجا که جان در راه انقلاب دمکراتیک - خدا میریالیستی میهن ما نیاد، رفیق لیلی زهردیان (مدیقه) بود. حاکمیت سلطه امپریالیستی و ترکتازی سرمایه‌داری وابسته از یک طرف و محرومیت میلیونها کارگر و زحمتکش میهن ما از طرف دیگر

بقیه در صفحه ۲۲

### بزرگداشت مبارز شهید کامران نجات الهی

نتوانست منجر به تا بودی قطعی و کامل نظام سرمایه‌داری وابسته گردد و بر این حقیقت است جفا تشمول یکبار دیگر مهرتا شید زنده در عصر گندیگی سرمایه‌داری جهانی، هیچ انقلاب دمکراتیکی جز با اعمال همزونی طبقه کارگر با سائتمیتواننده پیروزی قطعی و نهائی برسد ما در اولین سالگرد شهادت استاد شهید ما ن بیان می‌بندیم که پرچم خونین شهدا را تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع، تا نابودی نهائی نظام سرمایه‌داری وابسته بسر بهین میهن ما همچنان برافراشته نگه‌داریم...

روز چهارشنبه ۵/۱۰/۵۸ مراسم نخستین سالگرد شهادت استاد نجات الهی با شرکت هزاران تن در دانشگاه پلی تکنیک برگزار شد. در این مراسم پیامهای متعددی منجمله پیامهای زیر قرائت شد:

پیام نیخ عزالدین حسینی، جمعیت کردهای عقیم مرکز، کانون مستقل متعلمان، دانشجویان هواداران و کارگران، دانشجویان و دانشجویان و دانشجوین مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و خا تواد شهیدای چریک - های فدائی خلق، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان، اتحاد ملی زنان، کارکنان پلی تکنیک تهران، خانواده شهید احمدزاده‌ها نه ای، کانون نویسندگان و... در پیام مشترک "هواداران سازمان" و "دانشجویان مبارز... آمده بود: " ... قیام خونین و شکوهمند بهمن ماه با وجود تمام جانفشانی توده‌ها - علیرغم اینکه توانست بر سلطه امپریالیسم برمیهن - ما ن زخمهای کازی و رداورد، اما دلیل نبود صف مستقل طبقه کارگر و ستاد رزمنده‌ها ش

همچنین در قسمتی از پیام سازمان به خا تواد استاد شهید می‌خواهیم: " با دلها ثی آکنده از کینه مقدس علیه امپریالیسم و ارتجاع و با روحی سرشار از امید و یقین به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن، به شما با زمانندگان آن مبارز و رفیق شهید درود می‌فرستیم... در سالگرد شهادت او بهترین سوگ و تسلیت را وفاداری به خون او و تلاش خستگی ناپذیر در راه به ثمر رساندن انقلاب ایران میدانیم..."

### این انگلیسی که مصاحب آیت الله شریعتمداری است کیست!؟

تر هز الایکنری  
انجمن شریعتمداری؟  
مخد الامارات الامیره النسی  
شخصا مرسر عاصمه مناطقه  
ادریحان فی ایران والی سعید  
شالا عنفا من مؤیدی آمد لاند  
الحسنی واند اللک سربعصاری  
سکر الامراء علی البرطانی



الایمر خون کویبر الدی معصل  
کصرخم لایة الله شریعتمداری،  
وتسائل بعض العراضین عن  
الدور الحقیقی له فی الخط  
النسائی الذی بدعوا له  
شریعتمداری.  
خون کویبر کان اعین الاسلام  
وینابع بعض الدروس فی الدین  
الاسلامی فی الجامعات الایراند  
دقی المدارس الغرائبی فی قم.

بیرا حوادت اخیر تریزود رگبری ندیدین طرفداران آیت الله شریعتمداری و آیت الله خمینی، انظار متوجه یک انگلیسی نام "زان کویبر" شده که بعنوان مترجم آیت الله شریعتمداری فعالیت میکند. برخی از ناظران می - بر سندنقش حقیقی این شخص در خط سیاسی ای که شریعتمداری دنبال می‌نماید، چیست؟ زان کویبر قبلا اسلام آورده و در مدارب دینی ایران علوم اسلامی را فرا گرفته است.

(مجله المستقبل، چاپ پاریس، دیماه)

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر